

حقوق مدنی ۵

خانواده

به همراه دادخواست‌های موضوع خانواده

حسن بصیری هریس



سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

بصیری هریس، حسن، ۱۳۶۴ -
حقوق مدنی ۵: خانواده/ حسن بصیری هریس
تبریز: انتشارات آیین دادرسی، ۱۳۹۷.
۱۷۰ ص. جدول
۹-۵۸-۷۰۳۲-۶۰۰-۹۷۸
فیبا
حقوق خانواده -- ایران
Domestic relations -- Iran
زناشویی -- قوانین و مقررات -- ایران
Marriage law -- Iran
حقوق مدنی -- ایران
Civil law -- Iran
۱۳۹۷ ح ۶/ب/۴۰/کمه
۳۴۶/۵۵۰۱۵
۵۴۸۰۷۱۵

حقوق مدنی ۵: خانواده

مؤلف: حسن بصیری هریس

ناشر: آیین دادرسی (ناشر تخصصی حقوق)

طراحی جلد و صفحه آرایی: مانا طراحان @mana_tarrahan

قیمت: ۲۴۰۰۰۰ ریال

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۷

قطع: وزیری

تعداد صفحات: ۱۷۰ صفحه

تیراژ: ۲۰۰ نسخه

شابک: ۹-۵۸-۷۰۳۲-۶۰۰-۹۷۸



دفتر مرکزی: تبریز - چهارراه آبرسان --- ۳۳۳۴۱۰۱۱

تمامی حقوق برای مؤلف محفوظ است. این کتاب مشمول قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان می‌باشد. هیچ بخشی از کتاب به هیچ شکلی اعم از فتوکپی، بازنویسی مطالب در هر گونه رسانه‌ای از جمله کتاب، لوح فشرده، مجلات و غیره بدون اجازه کتبی ناشر قابل استفاده نبوده و موجب پیگرد قانونی می‌شود.

عضو کانال تلگرامی انتشارات شوید: [T.me/ayeenbook1](https://t.me/ayeenbook1)
ما را در اینستاگرام دنبال کنید: [instagram.com/ayeen_book](https://www.instagram.com/ayeen_book)



فهرست مطالب

۷	مقدمه
۷	راهنمای مطالعه
فصل اول	
۹	کلیات
۱۰	تعریف نکاح یا ازدواج
۱۰	اقسام ازدواج یا نکاح:
۱۲	ماهیت نکاح دائم
۱۳	خواستگاری
۱۴	وکالت در ازدواج
۱۶	بحث کلی وکالت در ازدواج
فصل دوم	
۱۹	شروط ضمن عقد نکاح
۲۰	شروط باطل
۲۱	شروط صحیح عقد نکاح
۲۴	شرایط صحت نکاح
۲۴	اجازه ازدواج و تکمیل اهلیت
۲۵	ازدواج غیر رشید و مجنون

فصل سوم

۲۹	موانع ازدواج
۳۰	الف) شوهر داشتن
۳۱	ب) داشتن چهار زن دائمی
۳۲	ج) عده زن
۳۲	بحث کلی در عده
۳۵	ازدواج یا زنا با زنی که در عده است
۳۵	د) قرابت در حدود معین
۳۷	ه) مطلقه بودن به سه طلاق و نه طلاق
۳۸	و) کفر
۴۰	ز) لعان
۴۱	ح) احرام
۴۱	بحث ازدواج با خارجیان
۴۲	روابط مالی زن و شوهر

فصل چهارم

۴۵	مفهوم نفقه
۴۶	ماهیت حق زن بر نفقه
۴۷	ویژگی‌های نفقه زن
۴۸	نفقه زن پس از انحلال ازدواج
۴۹	ضمانت اجرای نفقه زن
۵۰	بحث کلی در نفقه

فصل پنجم

۵۳	مهر
۵۴	مهر
۵۴	اقسام مهریه
۵۸	ب) مهر المثل
۶۰	اثر انحلال ازدواج در مهر
۶۲	ج) مهرالمتعّه

۶۳	د) مهرالسنه
۶۳	بحث کلی در مهر
۶۷	فسخ ازدواج

فصل ششم

۷۱	طلاق
۷۲	موجبات طلاق
۷۶	شرایط اساسی طلاق
۷۸	اقسام طلاق در قانون مدنی
۸۰	صلاحیت شورای حل اختلاف در موضوعات خانواده
۸۱	مرجع رسیدگی کننده به طلاق توافقی
۸۱	نکات و موارد مهم مربوط به خانواده
۱۰۰	دادخواست‌های موضوعات خانواده
۱۰۰	دادخواست ابطال عقد ازدواج به علت عدم رعایت غبطه و مصلحت
۱۰۱	دادخواست ابطال عقد ازدواج به علت وجود اکراه و فقدان قصد
۱۰۲	دادخواست اثبات رابطه زوجیت دائم
۱۰۳	دادخواست اجازه ثبت ازدواج به علت خودداری ولی از اذن
۱۰۴	دادخواست اجازه ثبت ازدواج به علت عدم امکان استئذان ولی
۱۰۵	دادخواست استرداد جهیزیه
۱۰۶	دادخواست اعسار از پرداخت مهریه
۱۰۷	دادخواست اعسار از پرداخت مهریه - نفقه
۱۰۸	دادخواست الزام به تمکین
۱۰۹	دادخواست الزام به تمکین و منع از اشتغال به تحصیل
۱۱۰	دادخواست الزام به تهیه مسکن از نفقه
۱۱۱	دادخواست بطلان ازدواج به علت عدم کسب اجازه ولی
۱۱۲	دادخواست تجویز ازدواج مجدد
۱۱۳	دادخواست تجویز ازدواج مجدد و الزام به ثبت واقعه رجوع
۱۱۴	دادخواست تعیین تکلیف زندگی خانوادگی
۱۱۵	دادخواست ثبت ازدواج دائم
۱۱۶	دادخواست ثبت ازدواج موقت
۱۱۷	دادخواست ثبت واقعه رجوع

- ۱۱۸| دادخواست حضانت طفل و تحویل فرزند
- ۱۱۹| دادخواست صدور حکم تنفیذ و فسخ نکاح
- ۱۲۰| دادخواست صدور حکم تنفیذ و فسخ نکاح به علت فقدان وصف
- ۱۲۱| دادخواست صدور حکم تنفیذ و فسخ نکاح به علت فقدان وصف و ...
- ۱۲۲| دادخواست صدور حکم تنفیذ و فسخ نکاح به علت وجود عیب
- ۱۲۳| دادخواست صدور حکم حضانت
- ۱۲۴| دادخواست صدور گواهی عدم امکان سازش
- ۱۲۵| دادخواست صدور گواهی عدم امکان سازش به علت تحقق شروط ...
- ۱۲۶| دادخواست صدور گواهی عدم امکان سازش به علت عسر و حرج
- ۱۲۷| دادخواست صدور گواهی عدم امکان سازش طلاق توافقی
- ۱۲۸| دادخواست فرزندخواندگی
- ۱۲۹| دادخواست قرار تامین خواسته عادی مهریه
- ۱۳۰| دادخواست مطالبه خسارت برهم زدن نامزدی
- ۱۳۱| دادخواست مطالبه مهریه
- ۱۳۲| دادخواست مطالبه مهریه با قرار تامین خواسته
- ۱۳۳| دادخواست مطالبه مهریه مطلق با قرار تامین خواسته
- ۱۳۴| دادخواست مطالبه نفقه ایام زوجیت
- ۱۳۵| دادخواست مطالبه نفقه ایام زوجیت با قرار تامین خواسته
- ۱۳۶| دادخواست ملاقات فرزند
- ۱۳۷| اظهارنامه از سوی زوج برای زوجه جهت تمکین
- ۱۳۸| متن توافقتنامه طلاق توافقی
- ۱۳۸| نمونه نظر داور زوجه
- ۱۳۹| نمونه کامل متن وکالت در طلاق همراه با مهریه
- ۱۴۰| نمونه اقرارنامه دریافت تمامی مهریه
- ۱۴۱| دادخواست تجدید نظر
- ۱۴۲| نمونه متن شکوائیه ایراد ضرب و جرح عمدی توسط شوهر
- ۱۴۲| نمونه درخواست وصول مهریه (اجرائیه ثبت اسناد)
- ۱۴۳| نمونه متن شکوائیه فریب در ازدواج
- ۱۴۳| نمونه متن شکوائیه ترک انفاق
- ۱۴۴| توضیحات مربوط به دادخواست های موضوعات خانواده

مقدمه

سپاس خدایی را که انسان را علم و دانش آموخت و او را به وسیله کتب آسمانی و برگزیدگانش، از ظلمات به نور و از گمراهی به هدایت رهنمود فرمود. حقوق خانواده شاخه‌ای از حقوق مدنی است که به مقررات و قواعد شکل‌گیری، تداوم و انحلال خانواده می‌پردازد. خانواده نخستین واحد اجتماعی است و یکی از اساسی‌ترین نهادهای جامعه است. مرکب از زن و مرد که ممکن است کودکانی هم داشته باشند. روابط زناشویی خویشاوندی معینی که مورد قبول جامعه است و حقوق و تکالیف افراد نسبت به یکدیگر از ویژگی‌های خانواده شمرده می‌شوند. از جمله ویژگی‌های این بخش آن است که قواعد آن با فرهنگ و تاریخ هر کشور ارتباط دارد. همچنین در قواعد حقوق خانواده، جنبه‌های نظم عمومی و اخلاق حسنه رعایت می‌شود. لذا بسیاری از این قواعد، امری تلقی می‌شوند و نمی‌توان خلاف آنها را مورد توافق قرار داد.

راهنمای مطالعه

با توجه به اینکه دانشجویان به مقدار قابل توجهی با مباحث حقوق خانواده (مدنی ۵) آشنا شده و آمادگی مطالعه، پذیرش و بررسی مباحث مهم‌تری را در این رشته از حقوق پیدا کرده‌اند و با عنایت به اینکه حقوق خانواده با قوانین مدنی همراه با دادخواست‌های خانواده به رشته تحریر درنیامده است، نگارنده به تشویق سایر اساتید معظم که با اینجانب همکاری داشتند بر آن شدم که جزوه‌های درسی خود را (با تغییرات و اصلاحات لازم) و آنچه را که یاد گرفتم به صورت کتاب حاضر تقدیم علاقمندان و دانش‌پژوهان کنم. این درس با وجود جنبه نظری آن، بیشتر کاربردی است و از این رو در مطالعه آن باید سعی و دقت بیشتری کرد تا فراگیری سایر درس‌های حقوق خانواده به سادگی امکان پذیر شود. به ویژه این امر به دانشجویان عزیز رشته حقوق دانشگاه آزاد و یا دانشگاه پیام نور (که به صورت نظام آموزشی از راه دور آموزش می‌بینند) موکداً توصیه می‌شود.



فصل اول

کلیات



تعریف نکاح یا ازدواج

ازدواج یک رابطه حقوقی بین دو نفر است. البته در اصطلاح حقوق یعنی قراردادی که به موجب آن زن و مرد در زندگی با یکدیگر شریک و متحد شده، خانواده‌ای تشکیل می‌دهند.

اقسام ازدواج یا نکاح:

الف) عقد موقت (منقطع) ب) عقد دائم

تفاوت بین عقد موقت و دائم

۱- تعیین مدت در عقد موقت شرط لازم است.

ماده ۱۰۷۵ قانون مدنی:
نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد در مورد اینکه اگر در نکاح مدت ذکر نشود و در ماهیت عقد اختلاف شود که موقت است یا دائم اختلاف نظر است: برخی عقیده دارند که هر گاه در نکاح مدت ذکر نشود نکاح دائم محسوب می‌شود. ولی اکثر حقوقدانان عقیده دارند که اگر در نکاح مدت ذکر نشود و معلوم باشد که مقصود نکاح منقطع بوده عقد باطل است ولی هر گاه مقصود طرفین معلوم نباشد ظاهر و اصل اقتضای دائم بودن نکاح را دارد.

تذکر: یکی از شرایط نکاح منقطع علاوه بر مواردی که در نکاح دائم گفته شد (ذکر مدت) در آن است و این مدت باید بطور کامل مشخص باشد

ماده ۱۰۷۶ قانون مدنی:
مدت نکاح منقطع باید کلاً معین شود.

۲- تعیین مهر از شرایط اساسی عقد موقت است.

ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی:

اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد نکاح صحیح است و طرفین می‌توانند بعد از عقد مهر را به تراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین بین آنها نزدیکی واقع شود زوجه مستحق مهرالمثل خواهد بود.

ماده ۱۰۹۵ قانون مدنی:

در نکاح منقطع عدم مهر در عقد موجب بطلان است.

۳- در عقد موقت شوهر ملزم به پرداخت نفقه نیست.

ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی:

در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط شده یا آنکه عقد مبنی بر آن جاری شده باشد.

۴- در نکاح موقت مقررات مربوط به طلاق اجرا نمی‌شود بلکه با انقضای مدت یا بذل مدت تمام می‌شود.

ماده ۱۱۲۰ قانون مدنی:

عقد نکاح به فسخ یا به طلاق یا به بذل مدت در عقد انقطاع منحل می‌شود.

۵- عده زوجه منقطعه پس از جدایی از شوهر دو طهر است اعم از فسخ یا انقضای مدت.

ماده ۱۱۵۱ قانون مدنی:

عده طلاق و عده فسخ نکاح سه «طهر»^۱ است مگر اینکه زن به اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت عده او سه ماه است.

۱. در لغت به معنی پاک شدن

ماده ۱۱۵۲ قانون مدنی:

عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضاء آن در مورد نکاح منقطع در غیر حامل دو طهر است مگر اینکه زن به اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت چهل و پنج روز است.

ماده ۱۱۵۳ قانون مدنی:

عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضاء آن در مورد زن حامله تا وضع حمل است.

ماده ۱۱۵۴ قانون مدنی:

عده وفات چه در دائم و چه در منقطع در هر حال چهار ماه و ده روز است مگر اینکه زن حامل باشد که در این صورت عده وفات تا موقع وضع حمل است مشروط بر اینکه فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل از چهار ماه و ده روز بیشتر باشد والا مدت عده همان چهار ماه و ده روز خواهد بود.

۶- در عقد موقت زوجین از یکدیگر ارث نمی‌برند.

ماده ۱۰۷۷ قانون مدنی:

در نکاح منقطع احکام راجع به وراثت زن و به مهر او همانست که در باب ارث و در فصل آتی مقرر شده است.

ماهیت نکاح دائم

ماهیت نکاح دائم غیر مالی است هر چند مهریه و نفقه در تابعیت از آن است.

شرایط تحقق یا نفوذ ازدواج

۱- اختلاف جنس

ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی:

نکاح مسلمه با غیرمسلم جایز نیست.

۲- قصد و رضا (اراده)

۳- اهلیت (بلوغ، رشد و عقل)

خواستگاری

تعریف خواستگاری

خواستگاری عبارت است از تقاضای ازدواج از زنی که دارای شرایط ازدواج است. دختری را که به سن قانونی ازدواج نرسیده است را می‌توان از ولی او خواستگاری کرد زنی را که در عده طلاق بائن یا عده وفات است به تعریض (کنایه) مجاز است ولی به تصریح خواستگاری ممنوع است. اولین مرحله در تشکیل دادن یک خانواده مرحله خواستگاری است و علی‌الاصول هر زنی که خالی از موانع نکاح باشد می‌توان خواستگاری نمود. در ماهیت حقوقی خواستگاری اختلاف نظر وجود دارد برخی آن را صرفاً یک وعده می‌دانند و غیر الزام آور «دکتر شهیدی»^۱ ولی برخی آن را عقدی از عقود می‌دانند که جایز است و هر یک از طرفین می‌توانند هر وقت خواستند آن را بر هم بزنند. زنی را که خالی از موانع نکاح نباشد نمی‌توان خواستگاری کرد. در این مورد اگر به زن به علت تقصیر زبانی وارد شود چه مادی و چه معنوی ضمانت اجرای حقوقی دارد و زن می‌تواند از باب مسئولیت مدنی از او مطالبه خسارت کند یا اینکه این نوع خواستگاری طبق ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ تعرض یا مزاحمت تلقی شود که مرتکب مستحق مجازات کیفری خواهد بود.

ماده ۱۰۳۴ قانون مدنی:

هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد می‌توان خواستگاری نمود.

ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵:

هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

۱. حقوقدان برجسته ایرانی و نویسنده کتب دانشگاهی در رشته حقوق مدنی بود.

وکالت در ازدواج

اعلام اراده توسط وکیل

در نکاح لازم نیست که اراده به وسیله خود طرفین اعلام شود، بلکه ممکن است اظهار اراده از طریق نمایندگی صورت گیرد. این راه حل در مواقعی استفاده می‌شود که یکی از زوجین به علتی مانند جنگ و مسافرت و بیماری نمی‌تواند در مجلس عقد حاضر شود. وکالت در ازدواج برای تسهیل ازدواج مقرر شده است و مورد قبول قانونگذار بوده و صریحاً بیان کرده است.

ماده ۱۰۷۱ قانون مدنی:

هر یک از مرد و زن می‌توانند برای عقد نکاح وکالت به غیر دهد.

وکالت مطلق

اگر لفظ بدون هیچ قیدی موضوع برای حکم واقع شده باشد، به آن مطلق گفته می‌شود. چنان که زن به دیگری اذن یا وکالت دهد که او را به نکاح مردی درآورد؛ و از آن جا که مستفاد از اطلاق اذن یا وکالت، تزویج به غیر می‌باشد و متبادر آن است که وکیل غیر از زوجین است، مرد نمی‌تواند زن را به نکاح خویش درآورد. زیرا چنانکه بعضی از فقها گفته اند، وکالت مزبور منصرف از این امر است یعنی عرفاً شامل اختیار تزویج برای خود نمی‌شود. همچنین در صورتی که وکیل زن باشد نمی‌تواند خود را به عقد موکلش درآورد، مگر اینکه این اذن صریحاً به او داده شده باشد. اگر امر وکالت از جانب زن باشد در این صورت گاهی ولی زن موکل است و زمانی خود زن چنانچه بالغ و عاقل باشد در صورت توکیل ولی وکیل همان قدرت ولی در تزویج را دارا خواهد بود و چنانچه امر تزویج را بدون در نظر گرفتن کفالت و با کمتر از مهر المثل انجام دهد نافذ می‌گردد، اما اگر زن صرفاً توانایی تزویج زن را با رعایت کفالت و با کمتر از مهر المثل انجام دهد عقد نافذ می‌گردد.

ماده ۱۰۷۲ قانون مدنی:

در صورتی که وکالت بطور اطلاق داده شود وکیل نمی‌تواند موکله را برای خود تزویج کند مگر این که این اذن صریحاً به او داده شده باشد.

تجاوز وکیل از حدود اذن

ممکن است وکیل از اختیاراتی که موکل به او داده است تجاوز کرده باشد، در این صورت نکاح فضولی و غیر نافذ است و موکل می‌تواند آن را رد یا تنفیذ کند. بعضی از استادان حقوق گفته‌اند: در مورد تجاوز وکیل در مورد مهر فضولی است نه عقد نکاح و زن می‌تواند مهر را تنفیذ یا رد کند. در این مسئله وکالت در امر نکاح با سایر موارد وکالت تفاوتی ندارد.

ماده ۱۰۷۳ قانون مدنی:

اگر وکیل از آنچه که موکل راجع به شخص یا مه‌ریا خصوصیات دیگر معین کرده تخلف کند صحت عقد متوقف بر تنفیذ موکل خواهد بود.

ماده ۱۰۷۴ قانون مدنی:

حکم ماده فوق در موردی نیز جاری است که وکالت بدون قید بوده و وکیل مراعات مصلحت موکل را نکرده باشد.

شرایط وکیل

مقصود از عاقد کسی است که صیغه عقد نکاح را جاری می‌کند اعم از اینکه برای خود باشد یا به وکالت از دیگری. چنین شخصی باید اولاً عاقل باشد. بنابراین دیوانه نمی‌تواند صیغه عقد جاری کند. ثانیاً بالغ باشد. سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری، در دختر نه سال تمام قمری است. ثالثاً قاصد باشد، یعنی قصد انشاء عقد داشته باشد. بنابراین کاربرد صیغه نکاح بدون قصد، مثلاً به عنوان شوخی یا در حال مستی موجب تحقق ازدواج نخواهد بود.

آیا یک نفر می‌تواند به نمایندگی زوجین صیغه عقد را جاری کند؟ بعضی از فقها گفته‌اند چون توافق دو اراده در عقد لازم است یک نفر نمی‌تواند هم طرف ایجاب و هم

طرف قبول باشد. لیکن این نظر قابل ایراد است. زیرا در عقد تعدد اعتباری اراده کافی است یعنی کافی است که یک نفر به دو لحاظ و اعتبار مختلف ایجاب و قبول کند. بند آخر ماده ۱۰۷۲ ق.م که به وکیل اجازه داده است در صورت اذن صریح موکله او را برای خود بگیرد. مؤید آن است که در نکاح یک نفر می‌تواند به وکالت از زوجین و یا وکالتاً از یک طرف و اصالتاً از جانب خود صیغه نکاح را جاری سازد.

ماده ۱۹۸ قانون مدنی:
ممکن است طرفین یا یکی از آنها به وکالت از غیر اقدام بنماید و نیز ممکن است که یک نفر به وکالت از طرف متعاملین این اقدام را به عمل آورد.

ماده ۱۰۶۴ قانون مدنی:
عاقد باید عاقل و بالغ و قاصد باشد.

بحث کلی وکالت در ازدواج

پسر مقیم روسیه بوده و به مادرش وکالت داده است که دختردایی اش را به عقد نکاح او در آورد درباره مهریه و شرایط ضمن عقد، پسر و مادر تلفنی صحبت کرده اند ولی پسر به هزار سکه مهریه راضی نشده و این شرط که ظرف ۲ سال به ایران بازگشت نموده و ادامه زندگی مشترک در ایران باشد را نپذیرفته است مادر به امید اینکه پسرش راضی خواهد شد دختردایی را به عقد پسر در آورد؛ تابستان که پسر به ایران بازگشت نموده است با دختر دوباره مهریه و شرط سکونت در ایران به توافق نرسیده و توضیح داده این موارد مورد رضایت او نبوده و چون دختر نیز از این شرایط صرف نظر نمی‌کند و وکیل برخلاف مصلحت او اقدام کرده؛ این ازدواج باطل است.

زن و مرد می‌توانند برای اجرای صیغه عقد به شخص دیگری وکالت بدهند. زن ممکن است به یکی از صورت‌های ذیل به وکیل وکالت دهد.

الف) به صورت مقید؛ مثل اینکه بگوید: تو وکیلی که مرا به نکاح آقای (الف) درآوری

ب) به صورت مطلق؛ مثل اینکه بگوید: تو وکیلی که مرا شوهر دهی.

د) با اذن صریح؛ مثل اینکه بگوید تو وکیلی که مرا به نکاح هر مردی حتی خودت درآوری.

در فرض الف و د جای هیچ تفسیری نیست و وکیل در فرض الف نمی‌تواند زن را برای خود عقد کند و در فرض (د) نیز تردیدی نیست که می‌تواند برای خود عقد نماید ولی در فرض (ب) وکیل نمی‌تواند موکله (زن) را برای خود تزویج کند. مطابق قانون مدنی به نظر می‌رسد فقط وکیل در صورتی که زن اذن صریح داده باشد می‌تواند زن را برای خود عقد کند (فرض ج) و در هیچ مورد دیگری چنین حقی ندارد. اگر وکیل از حدود وکالت خارج شود صور مختلفی وجود دارد که در ذیل به آن اشاره می‌کنیم:

۱- ممکن است فردی بدون داشتن نمایندگی یا وکالت اقدام به عقد کسی برای دیگری کند.

۲- ممکن است وکیل به جای شخص مورد نظر موکل، کس دیگری را به عقد موکل در آورد.

۳- ممکن است وکیل در اصل نکاح و شخص مورد نظر تخلفی نکند ولی برخی از خصوصیات شخص منطبق با خواسته موکل نباشد مثل اینکه وکالت دهد زنی را که از بستگان فلان فرد است به عقد او در آورد ولی شخص مورد نظر فاقد این نسبت خانوادگی باشد.

۴- ممکن است وکیل در اصل نکاح، شخص و خصوصیات تخلف نکرده باشد ولی در جنس یا مقدار مهر تخلف نماید.

در همه این موارد عقد نکاح فضولی می‌باشد. (مطابق ماده ۱۰۷۳ ق.م. یعنی عمل حقوقی او نافذ نخواهد بود مگر اینکه موکل بعداً تنفیذ نماید، یعنی پس از اینکه موکل از اقدام وکیل مطلع شد، به آن رضایت بدهد. در این صورت عقد از همان تاریخ اقدام وکیل صحیح می‌باشد. وکالت مطلق برای ازدواج نیز مقید به رعایت مصلحت موکل است، یعنی در فرض اینکه کسی به فردی وکالت دهد که او را به عقد دیگری در آورد و هیچ قیدی نیاورد، وکیل نمی‌تواند رعایت مصلحت و منافع موکل را ننماید، مثلاً اگر مردی که در خارج از ایران زندگی می‌کند به مادرش وکالت دهد که دختری را به عقد او در آورد مادر نمی‌تواند دختری نابینا یا ناشنوا را به عقد پسرش در آورد هر چند که وکالت مطلق باشد. بنابراین وکیل باید رعایت منافع موکل را بنماید.

اگر وکالت مطلق از هر دو طرف داشته باشد و رعایت مصلحت هیچ یک را ننموده باشد، عقد نسبت به هر دو طرف فضولی است و آثار عقد منوط به قبول هر دو می‌باشد

ولی اگر از یک طرف، وکیل، مطلق و از طرف دیگر اصیل باشد (عقد برای خود فرد باشد) مادام که عقد تنفیذ نشده، چون وکیل خلاف مصلحت موکل عمل کرده و موکل هم رضایت نداده است، شخص اصیل نمی‌تواند قبل از ردّ یا اجازه طرف مقابل عقد را بر هم زند و چنانچه شخص اصیل زوجه باشد نمی‌تواند قبل از ردّ یا اجازه زوج، به دیگری شوهر کند. البته در مورد شخص اصیل در صورتی که در اجازه یا ردّ تأخیر بیفتد و این تأخیر موجب ضرر او باشد نیز می‌تواند قرارداد را به هم زند.

سکوت دختر باکره

هرگاه دختر باکره پس از پرسش و وکالت خواهی از او در مورد ازدواج سکوت کند، غالباً چون بُکر از سخن گفتن شرم دارد باید سکوتش را رضا تلقی کرد ولی اگر قرینه‌ای بر عدم رضا وجود داشته باشد نمی‌توان سکوتش را اذن شمرد. این سکوت و اینگونه قبول در زمان گذشته بوده و امروزه شرم مانع سخن گفتن نیست و در نکاح با بلی گفتن، رضا و اذن خود را در نکاح اعلام می‌کنند.

سکوت باکره در نکاح

عقد نکاح مانند تمامی عقود متشکل از ایجاب و قبول است و بنابر قول مشهور در آن، ایجاب توسط زوجه و قبول توسط زوج اعلان می‌شود. مطابق نظر فقهای امامیه صیغه نکاح چه در ایجاب و چه در قبول باید بنا بر احتیاط، به صورت لفظیه استعمال شود، پس سکوت در مقام قبول در عقد نکاح اعتباری ندارد. اما سکوت دوشیزه در قبول وکالت در عقد نکاح، بنابر قول اقوی دال بر اعلان رضایت و قبول است، البته فقها در اینجا به عنوان قرینه موجود عنوان کرده‌اند که حیا و شرم دختر باکره در نکاح برای اولین بار مانع از بیان صریح می‌شود و این خود قرینه‌ای است همراه سکوت که دال بر رضایت است، و شاید به خاطر همین علت است که باکره در خواندن صیغه عقد، وکالت می‌دهد.

فصل دوم

شروط ضمن عقد نکاح

شروط باطل

الف) شروط باطلی که مبطل عقد نکاح نیست

۱- شرط غیر مقدور

از شروط باطلی که مبطل عقد نیست، شرطی است که غیر مقدور باشد و قدرت برانجام آن وجود نداشته باشد. برای مثال مردی به خواستگاری زنی می‌رود و زن شرط می‌کند که مرد باید از بالای ساختمان ۱۰ طبقه به پایین بپرد و یا شرط اینکه آقای داماد ماشین بزرگی را با یک دست بلند کند، این شرط به طور واضح، غیرمقدور است و مرد قادر نیست که بدون تجهیزات از بالای ساختمان بپرد و یا از عهده بلند کردن وزن سنگین یک ماشین آن هم با یک دست بر نمی‌آید. این شرط غیر مقدور مطلق است و هیچ کس نمی‌تواند چنین کارهایی را انجام دهد.

۲- شرط بی فایده

به این معنی که منفعت عقلایی برای شخص ندارد و باطل است. برای مثال شرط اینکه مرد هنگام عقد، مسافت بین هریس تا تبریز را با پای پیاده طی کند. این کار چون نفع عقلانی ندارد، باطل است.

۳- شرط نامشروع

شرط غیر مشروع هم باطل است. یعنی شرطی که خلاف شرع و قانون و اخلاق حسنه باشد. برای مثال شرط کند که در صورتی با شما ازدواج می‌کنم که فلان کس را بکشید یا شرط شود که مرد حق طلاق نداشته باشد.

ب) شروط باطلی که مبطل عقد نکاح هم هستند

شرط خلاف مقتضای ذات عقد

یعنی که در ذات ازدواج است و شرط شود که آن نباشد. برای مثال بگوید که در

صورتی با شما ازدواج خواهیم کرد که نزدیکی صورت نگیرد.

شروط صحیح عقد نکاح

الف) شرط صفت

راجع به کیفیت یا کمیت مورد معامله است. مثلاً شرط شود که شوهر دارای مدرک لیسانس یا یا دکتری یا فلان مقدار ثروت باشد و....

ب) شرط فعل

شرط فعل، اعم از فعل یا ترک، که در حقیقت منظور از شرط ضمن عقد به مفهوم واقعی و متداول همین قسم سوم شرط فعل است و آن شرطی است که یکی از طرفین عقد یا هر دو به موجب آن ملتزم و متعهد به انجام آن می‌شوند. مثلاً شرط شود که شوهر در صورت گرفتن زن دوم، زن دوم خود را در فلان شهر سکنی دهد و از آن شهر خارج نکند.

ج) شرط نتیجه

اشتراک تحقق امری در خارج است که اگر حصول نتیجه مزبور متوقف بر تشریفات و اسباب خاص نباشد به محض رد کردن آن ضمن عقد، نتیجه در خارج حاصل و محقق می‌شود. مثلاً ضمن عقد شرط شود که یکی از زوجین از جانب همسر برای امری مثل طلاق و کالت داشته باشد.

د) شروط ضمن عقد مندرج در قباله‌های ازدواج

۱- شرط انتقال تا نصف دارایی

یکی از شروط ضمن عقد رایج که در سال‌های اخیر در قباله‌های رسمی ازدواج منتشر می‌شود شرطیست که بر اساس آن شوهر تعهد می‌کند در هنگام طلاق اگر طلاق به درخواست زن نباشد و طلاق به تشخیص دادگاه ناشی از تخلف زن از وظایف همسری

و سوء اخلاق و رفتار او نبوده باشد تا نصف اموالی را که در زمان زناشویی تحصیل کرده بر اساس نظر دادگاه به زن واگذار کند.

این شرط هرچند معتبر است و در واقع قوه قضائیه ایران متن آن را تنظیم کرده با اشکالات و ابهاماتی روبرو است از جمله اینکه فقط حداکثر اموالی که شوهر به زن منتقل می‌دهد یعنی نصف مشخص شده و حداقلی تعیین نشده است. دومی اینکه شرط بر سر چیزی است که در زمان بستن آن وجود خارجی ندارد و شرط بر امر مجهولی که حتی مقدار و چگونگی آن را نمی‌توان تشخیص داد، از نظر برخی حقوق دانان و فقها باطل است.

۲- وکالت بلاعزل در پاره‌ای از موارد

در صفحه ۹ سند نکاحیه مطلبی این‌گونه آمده است که ضمن عقد ازدواج یا خارج لازم زوج به زوجه وکالت بلاعزل با حق توکیل غیر داد که در موارد مشروحه زیر، با رجوع به دادگاه و اخذ مجوز از دادگاه پس از انتخاب نوع طلاق، خود را مطلقه نماید و نیز به زوجه وکالت بلاعزل با حق توکیل غیر داد تا در صورت بذل از طرف او قبول نماید (به این معنا که اگر زن مهریه خود را بخشید، زن وکالت خواهد داشت این بخشش را، به جای شوهرش قبول کند).

*شروط ضمن عقد نکاح مندرج در قباله ازدواج شامل ۱۲ شرط است که به آن شروط دوازده‌گانه عقد نکاح می‌گویند.

این شروط عبارتند از:

- ۱- زن می‌تواند از دادگاه تقاضای صدور طلاق کند، در صورت خودداری شوهر از دادن خرجی زن و انجام سایر حقوق واجب زن به مدت ۶ ماه.
- ۲- دومین شرط ذکر شده در عقدنامه که به زن اجازه طلاق می‌دهد، بدرفتاری زوج است به حدی که ادامه زندگی را برای زوجه غیر قابل تحمل کند.
- ۳- سومین شرطی که با وجود آن زن اختیار طلاق دارد، بیماری خطرناک غیر قابل درمان مرد است در حدی که سلامت زن را به خطر اندازد.
- ۴- شرط چهارم دیوانه بودن مرد است در زمانی که امکان فسخ وجود ندارد.
- ۵- پنجمین شرط مندرج در عقدنامه، اشتغال مرد به کاری است که به حیثیت و آبروی زن و مصالح خانوادگی او لطمه بزند در این صورت زن می‌تواند تقاضای طلاق کند.

۶- محکومیت شوهر به مجازات ۵ سال حبس یا بیشتر، یا به جزای نقدی که بر اثر ناتوانی از پرداخت، منجر به ۵ سال بازداشت شود یا به حبس و جزای نقدی که مجموعاً منتهی به ۵ سال بازداشت یا بیشتر شود و حکم مجازات در حال اجرا باشد نیز یکی دیگر از شروط ضمن عقد نکاح است که به زن امکان مطلقه شدن را می‌دهد.

۷- ابتلاء زوج به هر گونه اعتیاد مضرى که به تشخیص دادگاه به اساس زندگی خانوادگی خللی وارد آورد و ادامه زندگی را برای زوجه دشوار کند مانند اعتیادی که منجر به بیکاری مرد، فروش اثاثیه منزل و وارد نمودن ضرر به سلامت جسمی و روحی زن و فرزند شود.

۸- هشتمین شرطی است که به استناد آن زن حق طلاق می‌یابد. چنانچه زوج زندگی خانوادگی را بدون عذر موجه ترک کند یا اینکه ۶ ماه متوالی بدون عذر موجه غیبت کند، زن می‌تواند با مراجعه به دادگاه و بدون حضور شوهر طلاق خود را ثبت کند.

۹- از جمله مواردی که دادگاه تقاضای زن را برای طلاق می‌پذیرد و در عقدنامه نیز ذکر شده، محکومیت قطعی زوج بر اثر ارتکاب به جرم و اجرای هر گونه مجازات اعم از حد و تعزیر است که مغایر با حیثیت و شئون خانوادگی زن باشد تشخیص این امر نیز با توجه به وضع و موقیعت زن و عرف و موازین دیگر با دادگاه است.

۱۰- دهمین شرط از شروط دوازده گانه عقد نکاح، بچه‌دار نشدن مرد پس از گذشت ۵ سال از زندگی مشترک به جهت عقیم بودن یا عوارض جسمی دیگر است که در این صورت زن می‌تواند تقاضای طلاق کند.

۱۱- همچنین چنانچه زوج مفقودالایثر شود و ظرف ۶ ماه پس از مراجعه زوجه به دادگاه پیدا نشود نیز دادگاه حکم طلاق را صادر می‌کند.

۱۲- آخرین شرطی که زوج در عقدنامه آن را امضا می‌کند و اختیار طلاق را به همسرش می‌دهد، ازدواج مجدد مرد بدون اجازه همسر است که در صورت وقوع این مورد، زن حق طلاق را از مرد می‌گیرد.

زن علاوه بر شرایط مندرج در قباله ازدواج می‌تواند حق سکونت که اختیار تعیین محل سکونت را به زن واگذار می‌کند، حق تحصیل و حق اشتغال یا هر شرطی که مخالف اقتضای عقد نکاح نباشد را در سند ازدواج خود با توافق شوهر درج کند.

شرایط صحت نکاح

- شرط اول) نکاح حتماً باید با (لفظ) صورت گیرد مگر اینکه کسی متمکن از تلفظ نباشد که در این صورت اشاره یا فعل مبین کافی است.
 - شرط دوم) عاقد باید عاقل و بالغ و قاصد باشد.
 - شرط سوم) شخص طرفین (زن و شوهر) باید مشخص باشد و هیچ شبهه‌ای در این مورد نباشد.
 - شرط چهارم) عقد نکاح باید منجز باشد لذا تعلیق در عقد نکاح موجب بطلان آن است. (م ۱۰۶۸ قانون مدنی)
- لازم به تذکر است که ما معمولاً در عقد نکاح دائم دو عقد جداگانه داریم عقد اول همان عقد نکاح است و عقد ثانی قرارداد مربوط به صداق است لذا آنچه فوقاً گفته شد شرایط صحت عقد نکاح است و قرار داد مربوط به مهریه تابع شرایط عمومی انعقاد قرار دادها است (البته معلوم بودن من جمیع الجهات مهریه از شرایط صحت قرار داد مربوط به مهریه نیست).

اجازه ازدواج و تکمیل اهلیت

اجازه پدر یا جد پدری در ازدواج باکره

ولایت پدر و جد پدری

هرگاه دختر باکره‌ای که به سن ازدواج رسیده و بخواهد ازدواج کند اجازه ازدواج او موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او خواهد بود. دختر باکره‌ای که هنوز شوهر نکرده بدون محدودیت سنی موقوف به اجازه ولی خود است. اگر دختری بالغ شده و نیاز به تصمیم‌گیری کسی ندارد در صورت باکره بودن ازدواج او موقوف به اجازه پدر و جد پدری خواهد بود. دختری که ازاله بکارت او در اثر ورزش یا پرش یا جراحی از بین رفته باشد باز هم اجازه ازدواج او از پدر یا جد پدری ساقط نمی‌شود. دختری که ازاله بکارت او در اثر ازدواج قبلی و مواجهه از بین نرفته برای ازدواج مجدد باید اجازه پدر یا جد پدری را داشته باشد. در صورت مواجهه غیر شرعی ازاله بکارت او از بین رفته هر

چند ازدواج نکرده چون باکره نیست برای ازدواج اجازه پدر یا جد پدری لازم نیست. اگر دختر باکره‌ای بخواهد با فردی که در شأن و منزلت خانوادگی خود ازدواج کند و پدر و جد پدری بدون علت موجه مخالفت کنند دختر باکره با تشریفات ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی اجازه خود را از دادگاه می‌گیرد. اگر دختر بالغه باکره‌ای بدون اذن پدر یا جد پدری ازدواج کند و پدر دادخواست ابطال ازدواج را بدهد و در صورتی که اثبات کند که بدون اذن او ازدواج صورت گرفته دادگاه رای بر ابطال ازدواج خواهد داد ولی اگر دختر اثبات کند که پدر یا جد پدری او بدون موجه مخالفت نموده دادگاه باید حکم به سقوط ولایت پدر یا جد پدری را صادر کند. اگر دختر و پسری که به بلوغ رسیده‌اند ولی به سن رشد نرسیده‌اند با هم ازدواج کنند می‌توانند در مورد کلیه دعاوی ناشی از نکاح و طلاق مستقلاً و شخصاً در محاکم و مراجع صالحه طرح دعوی کنند ولی صلح دعوی مالی مزبور باید با اجازه ولی یا قیم مشارالیها باشد.

ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی:

نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری او است و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند دختری تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد به او شوهر کند و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده به دادگاه مدنی خاص مراجعه و به توسط دادگاه مزبور مراتب به پدر یا جد پدری اطلاع داده شود و بعد از ۱۵ روز از تاریخ اطلاع و عدم پاسخ موجه از طرف ولی دادگاه مزبور می‌تواند اجازه نکاح را صادر نماید

ازدواج غیر رشید و مجنون

سفیه یا غیر رشید

غیر رشید یا سفیه کسی است که تصرف او در اموال و حقوق مالی خود، عقلانی نباشد و بدون اذن ولی یا قیم خود نمی‌تواند اعمال حقوقی مالی انجام دهد. سفیه می‌تواند بدون اذن ولی یا قیم خود ازدواج کند ولی چون ازدواج دارای آثار مالی مانند مهریه و نفقه است سفیه نمی‌تواند در این باره مستقلاً اقدام کند بلکه باید نکاح او با اذن ولی یا قیم باشد اگر بدون اذن ولی یا قیم ازدواج کرد این عمل وی غیر نافذ

خواهد بود. سفیه به تنهایی می‌تواند عقد نکاح ببندد ولی در مورد تعیین مهریه باید ولی یا قیم او تعیین کند. اگر سفیه بدون اذن ولی یا قیم با توافق طرفین مهریه را تعیین کنند این عمل هم غیر نافذ است و ولی یا قیم می‌تواند آن را با رعایت مصلحت سفیه تنفیذ یا رد کند. در صورت رد مهریه مثل موردی است که مهریه تعیین نشده است و اگر در همین حین نزدیکی صورت گرفته باشد زن مستحق مهرالمثل خواهد بود.

مجنون

ازدواجی که خودِ مجنون در حال جنون انجام می‌دهد باطل و کأن لم یکن است. چون مجنون فاقد عقل و درک است و نمی‌تواند هیچگونه عمل حقوقی را شخصاً انجام دهد. در صورتی ازدواج مجنون صحیح خواهد بود که پزشک ازدواج او را لازم بداند بگوید که برای بهبودی نیاز به ازدواج دارد که با مراجعه به دادستان و کسب موافقت نامه او، قیم برای مجنون زن بگیرد یا او را شوهر دهد.

در مورد مجنون «ادواری»^۱، چون عقد نکاح یک امر شخصی است و اراده طرفین مهم است ولی یا قیم نمی‌تواند در این باره تصمیم بگیرد اما خودِ مجنون در حال افاقه می‌تواند مستقلاً ازدواج کند در صورتی که افاقه او در زمان عقد نکاح مسلم باشد.

ماده ۱۲۱۳ قانون مدنی:

مجنون دائمی مطلقاً و مجنون ادواری در حال جنون نمی‌تواند هیچ تصرفی در اموال و حقوق مالی خود بنماید ولو با اجازه ولی یا قیم خود لکن اعمال حقوقی که مجنون ادواری در حال افاقه می‌نماید نافذ است مشروط بر آنکه افاقه او مسلم باشد.

برخلاف سفیه، حجر دیوانه تنها به خاطر حمایت از او نمی‌باشد بلکه وی فاقد اراده و قصد انشاء اعمال حقوقی است. با توجه به این نکاح یک عقد است و در اثر تراضی زن و شوهر واقع می‌شود و هرگاه یکی از آن دیوانه باشد نکاح باطل است و تنفیذ ولی یا قیم او هیچ تاثیری در نفوذ عقد ندارد. هرگاه جنون متصل به صغر باشد ولایت بر دیوانه باقی می‌ماند ولی قهری می‌تواند در صورتی که به مصلحت مجنون و برای او

۱. به جنون ادواری اطباقی هم گفته می‌شود.

ضروری باشد به ولایت برای او ازدواج کند. هرگاه ازدواج از نظر سلامت مجنون لازم باشد، قیم می‌تواند با اجازه دادستان به نیابت از جانب او طرف عقد قرار گیرد. چنانچه ماده ۸۸ قانون امور حسبی مقرر داشته است: در صورتی که پزشک ازدواج مجنون را لازم بداند قیم با اجازه دادستان می‌تواند برای مجنون ازدواج نماید.



فصل سوم

موانع ازدواج



الف) شوهر داشتن

۱- ازدواج با زن شوهردار

شوهر داشتن مانع نکاح است و زن شوهردار نمی‌تواند بار دیگر ازدواج کند. اگرچه چند زنی مجاز است ولی چند شوهری به هیچ وجه مجاز نیست. چون موجب اختلاط نسل است و اخلاق حسنه به حساب نمی‌آید. نکاح با زن شوهردار باطل و ممکن است موجب حرمت ابدی بین زن و مرد دوم نیز شود.

علم و اطلاع از رابطه زوجیت + علم به حرمت = حرام ابدی و بطلان ازدواج
ازدواج با زن شوهر دار بدون علم و اطلاع از رابطه زوجیت و حرمت + وقوع نزدیکی =
حرام ابدی و بطلان ازدواج
بدون اطلاع از رابطه زوجیت و حرمت - عدم وقوع نزدیکی = فقط بطلان ازدواج

ماده ۱۰۵۰ قانون مدنی:

هرکس زن شوهردار را با علم به وجود علقه زوجیت و حرمت نکاح و یا زنی را که در عده طلاق یا در عده وفات است با علم به عده و حرمت نکاح برای خود عقد کند عقد باطل و آن زن مطلقاً بر آن شخص حرام مؤبد می‌شود.

ماده ۱۰۵۱ قانون مدنی:

حکم مذکور در ماده فوق در موردی نیز جاری است که عقد از روی جهل به تمام یا یکی از امور مذکوره فوق بوده و نزدیکی هم واقع شده باشد در صورت جهل و عدم وقوع نزدیکی عقد باطل ولی حرمت ابدی حاصل نمی‌شود.

۲- زنا با زن شوهردار

هرکس با زن شوهرداری به طور غیر مشروع و با علم به حرمت و با اختیار نزدیکی کند موجب حرمت ابدی خواهد بود. پس بعد از طلاق و یا فوت نمی‌تواند با زانی ازدواج کند حال مرد عالم به شوهردار بودن زن باشد یا نباشد می‌خواهد زن زناکار محسوب شود یا کار او ناشی از اشتباه یا اکراه باشد، مدخوله به وسیله شوهر باشد یا

غیر مدخوله. اگر مرد مجبور به زنا با زن شوهردار شود عمل او زنا محسوب نمی‌شود و در زمره ماده ۱۰۵۴ قرار نمی‌گیرد چون با اختیار او نبوده است. زناى محصن (مرد همسر دار) و محصنه (زن شوهر دار) با تحقق شرایط قانونی، رجم یا سنگسار کردن است.

ماده ۱۰۵۴ قانون مدنی:

زناى با زن شوهر دار یا زنى که در عده رجعیه است موجب حرمت ابدی است.

ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰:

حد زنا در موارد زیر رجم است: الف - زناى مرد محصن، یعنی مردی که دارای همسر دائمی است و با او در حالی که عاقل بوده جماع کرده و هر وقت نیز بخواهد می‌تواند با او جماع کند. ب - زناى زن محصنه با مرد بالغ، زن محصنه زنى است که دارای شوهر دائمی است و شوهر در حالی که زن عاقل بوده با او جماع کرده است و امکان جماع با شوهر را نیز داشته باشد. تبصره - زناى زن محصنه با نابالغ موجب حد تازیانه است.

ب) داشتن چهار زن دائمی

استیفاء عدد یا همان داشتن چهار زن دائمی، همانطور که شوهر داشتن مانع ازدواج است، از موانع ازدواج به شمار می‌رود و مرد با داشتن چهار زن دائمی نمی‌تواند اقدام به ازدواج پنجم نماید. تعدد زوجات در قانون ایران منع نشده است. دلائلی مثل نازایی زن، عدم قدرت او به ایفای وظایف زناشویی، ابتلاء زن به جنون یا امراض صعب‌العلاج، عدم تمکین زن از شوهر و مخصوصاً فزونی عدۀ زنان بر مردان در زندگی امروز هم می‌تواند چند زنی را در موارد استثنایی توجیه کند. تعدد زوجات می‌تواند از رابطه نامشروع مرد با زن جلوگیری کند. ولی این به این معنا نیست که مرد زن دار آزادانه و بدون هیچگونه قید و شرط اقدام به ازدواج کند چون این آزادی موجب سوء استفاده مرد خواهد شد. در این مورد ماده قانونی نیامده ولی در فقه و اسلام این بحث شده است.

ج) عده زن

عده عبارتست از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی‌تواند شوهر دیگر اختیار کند به زبان ساده عده مدت زمانی است که زن بعد از طلاق یا فوت و... همسر خود، مدتی را برای اثبات باردار بودن تحمل می‌کند یا به عبارتی مدتی است که زن مطلقه تا انقضای آن حق ندارد با مرد دیگر ازدواج نماید بنابراین می‌توان عده را عبارت از مدتی دانست که پس از گذشتن آن زن می‌تواند با هر کس که بخواهد امر نکاح کند.

اقسام عده

عده زن با توجه به علل مختلفی که نکاح منحل می‌شود متفاوت است:

الف) عده وفات: چه در نکاح منقطع و چه در نکاح دائم چهارماه و ده روز است مگر اینکه زن حامله باشد که تا وضع حمل عده نگه می‌دارد.

ب) عده طلاق: در نکاح دائم ۳ طهر است مگر اینکه زن با اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که ۳ ماه است (عده فسخ نکاح دائم نیز چنین است)

ج) عده فسخ نکاح: عده فسخ نکاح منقطع و بذل مدت و انقضاء آن در غیر حامل دو طهر است مگر اینکه زن با اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت ۴۵ روز است.

د) عده طلاق فسخ نکاح و بذل مدت و انقضاء آن در مورد زن حامله تا وضع حمل است.

ه) عده نزدیکی به شبهه مانند عده طلاق است.

بحث کلی در عده

۱- عده وفات

در این مدت زن بعد از مرگ شوهرش برای ازدواج مجدد باید صبر کند. مدت این عده چه در ازدواج دائم و چه در ازدواج منقطع، چهار ماه و ده روز است مگر اینکه زن باردار باشد که مدت عده آن تا وضع حمل او است. اگر مرد در زمان عده طلاق رجعی فوت

کند زن باید عده طلاق را رها کرده و عده وفات را نگهدارد ولی اگر در طلاق بائن یا فسخ نکاح فوت کند، باید همان عده طلاق یا فسخ نکاح را نگهدارد.

ماده ۱۱۵۴ قانون مدنی:

عده وفات چه دردائم و چه درمنقطع در هر حال چهارماه و ده روز است مگر اینکه زن حامل باشد که در این صورت عده وفات تا موقع وضع حمل است مشروط بر اینکه فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل از چهار ماه و ده روز بیشتر باشد والا مدت عده همان چهارماه و ده روز خواهد بود.

۲- عده زوجه غایب مفقودالاثار

یکی از انواع طلاق بر اثر غیبت طولانی و در نتیجه مفقود الاثر شدن مرد برای زن حاصل می‌شود عده این طلاق همان عده وفات یعنی چهار ماه و ده روز است زیرا وقتی از روزی که زن موضوع غیبت غیر متعارف شوهر را به حاکم شرع اطلاع داد چهار سال بگذرد حاکم فرض می‌کند این شوهر فوت کرده است و چون شوهر در حکم مرده دانسته شد لذا همسر وی نیز موظف است، عده وفات را نگهدارد. اگر مرد غائب مفقود الاثر است و آن مرد فوت کند و زن بعد از ۶ ماه متوجه شود که همسرش فوت کرده باید عده وفات را از تاریخ فوت همسرش یعنی همان شش ماه قبل لحاظ کند و پس از انقضای این مدت و اگر مدت آن گذشته بود دیگر نیازی به نگهداشتن عده نیست و می‌تواند شوهر دیگری اختیار نماید. عده وفات در حقوق ایران از تاریخ فوت آغاز می‌شود چه زمان فوت باشد چه مدتی پس از فوت از آن مطلع شود.

۳- عده طلاق یا فسخ نکاح دائم

عده زن در زمان طلاق بر حسب بارداری یا غیر باردار بودن است. عده طلاق سه طهر، وقتی که زن سه بار حیض ببیند، یعنی به مدت سه ماه و ده روز.

- عده زن آبستن

عده زن آبستن تا وضع حمل است. پس اگر زن پس از مدت کمی از طلاق وضع حمل کرد، می‌تواند عده آن منقضی می‌شود و می‌تواند مجدداً ازدواج کند.

ماده ۱۱۵۳ قانون مدنی:
 عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای آن در مورد زن حامله تا وضع حمل است.

- عده زن غیر آبستن

عده در زن غیر آبستن سه طهر است که همان تقریباً سه ماه و ده روز است. اگر زنانی که به سن یائسگی نرسیده و عادت می‌بینند، عادت نبینند، مدت عده آنان دقیقاً سه ماه خواهد بود.

ماده ۱۱۵۱ قانون مدنی:
 عده طلاق و عده فسخ نکاح سه طهر است مگر اینکه زن به اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت عده او سه ماه است.

- زنانی که عده طلاق ندارند

زنی که با شوهر خود نزدیکی نکرده و زنی که یائسه (زنی که امید به باردار شدن ندارد که بین ۵۰ تا ۶۰ سال اختلاف است) است نه عده طلاق و نه عده فسخ نکاح دارند ولی اگر شوهرشان فوت کرد باید عده وفات را رعایت کنند.

ماده ۱۱۵۵ قانون مدنی:
 زنی که بین او و شوهر خود نزدیکی واقع و همچنین زن یائسه نه عده طلاق دارد و نه عده فسخ نکاح ولی عده وفات در هر مورد باید رعایت شود.

ع- عده بذل یا انقضای مدت در ازدواج موقت یا فسخ ازدواج موقت

عده بذل یا انقضای مدت که مربوط به نکاح منقطع است با عده طلاق همیشه یکسان نیست. اگر زن حامله باشد، مانند مورد طلاق، عده او با وضع حمل منقضی می‌شود، ولی اگر حامله نباشد باید عده نگهدارند.

ماده ۱۱۵۲ قانون مدنی:

عدهٔ فسخ نکاح و بذل مدت و انقضا آن در مورد نکاح منقطع در غیر حامل دو طهر است، مگر اینکه زن با انقضای سن، عادت زنانگی نبیند که در این صورت ۴۵ روز است.

ازدواج یا زنا با زنی که در عده است

ازدواج با زنی که در عده است در حکم نکاح با زن شوهردار است. یعنی همان احکامی که در مورد زن شوهردار باشد در اینجا هم جاری می‌شود. ((شوهر داشتن مانع نکاح است و زن شوهردار نمی‌تواند بار دیگر ازدواج کند. اگرچه چند زنی مجاز است ولی چند شوهری به هیچ وجه مجاز نیست. چون موجب اختلاط نسل است و اخلاق حسنه به حساب نمی‌آید. نکاح با زن شوهردار باطل و ممکن است موجب حرمت ابدی بین زن و مرد دوم نیز شود.

علم و اطلاع از رابطه زوجیت + علم به حرمت = حرام ابدی و بطلان ازدواج
ازدواج با زن شوهر دار بدون علم و اطلاع از رابطه زوجیت و حرمت + وقوع نزدیکی = حرام ابدی و بطلان ازدواج
بدون اطلاع از رابطه زوجیت و حرمت - عدم وقوع نزدیکی = فقط بطلان ازدواج))
زنا در عده رجعیه موجب حرمت ابدی است چون در حکم زوجه است و مجازات آن همان مجازات با زن شوهردار است. زنا در طلاق بائن یا عده وفات و یا عده دیگری موجب حرمت ابدی نمی‌شود و می‌تواند با زانی ازدواج کند.

(د) قرابت در حدود معین

ازدواج با خویشان نزدیک بنا بر دلایل زیر منع شده است:
اولاً از نظر فیزیولوژیکی زیان بخش است و موجب عقب افتادگی کودکان و بروز برخی از بیماری‌هاست. دوماً از نظر اخلاقی ازدواج با خویشان نزدیک منفور و محکوم است و موجب برهم زدن آرامش خانواده می‌شود و روابط نا مشروع بین آنان به آسانی برقرار می‌شود. سوماً از نظر اجتماعی صلاح مردم در این است که با خانواده‌های دیگر وصلت کند تا از این راه میان خانواده‌های مختلف پیوند محبت و دوستی و وفاق و خویشاوندی ایجاد کند.

۱- محارم نسبی

در این مورد نه تنها قرابت نسبی مشروع مانع نکاح است بلکه قرابت ناشی از شبهه یا زنا نیز دارای همین اثر است. نسب ناشی از زنا باعث آثار حقوقی همچون منع نکاح است. آنچه که مورد نظر و ملاک عمل در منع نکاح واقع شده رابطه طبیعی و فیزیولوژیکی بین بعضی از اشخاص است، نه قرابت نسبی که ناشی از نکاح صحیح باشد.

ماده ۱۰۴۵ قانون مدنی:

نکاح با اقارب نسبی ذیل ممنوع است اگر چه قرابت حاصل از شبهه یا زنا باشد:
 ۱- نکاح با پدر و اجداد و با مادر و جدات هر قدر که بالا برود. ۲- نکاح با اولاد هر قدر که پائین برود. ۳- نکاح با برادر و خواهر و اولاد آنها تا هر قدر که پائین برود. ۴- نکاح با عمات و خالات خود و عمات و خالات پدر و مادر و اجداد و جدات

ماده ۱۰۴۶ قانون مدنی:

قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم قرابت نسبی است مشروط بر اینکه: اولاً- شیر زن از حمل مشروع حاصل شده باشد. ثانیاً- شیر مستقیماً از پستان مکیده شده باشد. ثالثاً- طفل لااقل یک شبانه روز و یا ۱۵ دفعه متوالی شیر کامل خورده باشد بدون اینکه در بین غذای دیگر یا شیر زن دیگر را بخورد. رابعاً- شیر خوردن طفل قبل از تمام شدن دو سال از تولد او باشد. خامساً- مقدار شیری که طفل خورده است از یک زن و از یک شوهر باشد بنا براین اگر طفل در شبانه روز مقداری از شیر یک زن و مقداری از شیر زن دیگر بخورد موجب حرمت نمی‌شود اگر چه شوهر آن دو زن یکی باشد. و همچنین اگر زن یک دختر و یک پسر رضاعی داشته باشد که هر یک را از شیر متعلق به شوهر دیگر شیر داده باشد آن پسر و یا آن دختر برادر و خواهر رضاعی نبوده از دواج بین آنها از این حیث ممنوع نمی‌باشد.

۲- محارم سببی

این نوع قرابت ناشی از ازدواج است و از موانع نکاح به شمار می‌رود. در قرابت سببی فرقی نمی‌کند که ازدواج دائمی باشد یا موقت و یا عروسی و دخول انجام شود یا نشود. در هر صورت از موانع نکاح است. ازدواج مردی با خواهرزاده یا برادرزاده زن خود، بدون

اجازه از زن خود، اگر چه زن او قبل یا بعد از ازدواج رضایت خود را اعلام کند، غیر نافذ است.

ماده ۱۰۴۷ قانون مدنی:

نکاح بین اشخاص ذیل به واسطه «مصاهره»^۱ ممنوع دائمی است: ۱- بین مرد و مادر و جدات زن او از هر درجه که باشد اعم از نسبی و رضاعی. ۲- بین مرد و زنی که سابقاً زن پدر و یا زن یکی از اجداد یا زن پسر یا زن یکی از احفاد او بوده است هر چند قرابت رضاعی باشد. ۳- بین مرد با انث از اولاد زن از هر درجه که باشد ولو رضاعی مشروط بر اینکه بین زن و شوهر زناشوئی واقع شده باشد.

ماده ۱۰۴۸ قانون مدنی:

جمع بین دو خواهر ممنوع است اگر چه به عقد منقطع باشد.

ماده ۱۰۴۹ قانون مدنی:

هیچکس نمی‌تواند دختر برادر زن و یا دختر خواهر زن خود را بگیرد مگر با اجازه زن خود.

ماده ۱۰۵۶ قانون مدنی:

اگر کسی با پسری عمل شنیع (لواط) کند نمی‌تواند مادر یا خواهر یا دختر او را تزویج کند.

ه) مطلقه بودن به سه طلاق و نه طلاق

۱- سه طلاق متوالی (از یک نفر)

مردی که زنی را سه مرتبه متوالی طلاق دهد، حال می‌خواهد این طلاق بعد از رجوع در ایام عده یا پس از نکاح جدید باشد، نمی‌تواند از نو با او ازدواج کند چون ازدواجی که این قدر متزلزل و ناپایدار باشد نمی‌تواند کانون خانوادگی خوشبختی به وجود آورد

۱. از نظر لغوی یعنی داماد شدن

و قانونگذار خواسته که از تکرار طلاق جلوگیری کند. ازدواج چنین مردی با همان زن در صورتی مجاز است که زن بعد از طلاق سوم، با مرد دیگری که «محلل» نامیده می‌شود ازدواج دائم کند و بین آنها نزدیکی صورت بگیرد و نکاح آنان به هر دلیل، یا طلاق یا فوت شوهر، منحل شود که در این صورت می‌تواند از نو با شوهر سابق خود ازدواج کند.

ماده ۱۰۵۷ قانون مدنی:

زنی که سه مرتبه متوالی زوجه یک نفر بوده و مطلقه شده بر آن مرد حرام است مگر اینکه به عقد دائم به زوجیت مرد دیگری در آمده و پس از وقوع نزدیکی با او به واسطه طلاق یا فسخ یا فوت، فراق حاصل شده باشد.

۲- نه طلاق

اگر مردی زن خود را نه بار طلاق دهد که شش تای آن عدی باشد، یعنی طلاقی که مرد با اجازه قانون در زمان عده به زن رجوع می‌کند، و پس از رجوع نیز با او نزدیکی می‌کند و بعد او را طلاق می‌دهد، پس از آن هیچ وقت نمی‌تواند آن زن را به عقد ازدواج موقت خود در آورد و این از موانع حرمت ابدی است.

ماده ۱۰۵۸ قانون مدنی:

زن هر شخصی که به نه طلاق که شش تای آن عدی است مطلقه شده باشد بر آن شخص حرام مؤبد می‌شود.

(و) کفر

۱- ازدواج زن مسلمان با مرد نامسلمان

زن مسلمان تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند با مرد غیر مسلمان ازدواج موقت نماید. و فرق نمی‌کند که مرد کافر، اهل کتاب باشد یا اهل غیر کتاب. در بیان دلیل این ممنوعیت که

۱. مردی که با زن سه طلاقه ازدواج کند و او را طلاق می‌دهد تا آن زن بتواند دوباره با همسر پیشین خود ازدواج کند.

مبتنی بر فقه اسلامی و ریشه در قرآن کریم دارد، گفته شده: حفظ اعتقاد اسلامی و خوف از تأثیر پذیرفتن از عقیده و رفتار غیر اسلامی و مبتنی بر کفر شوهر است و چون اسلام به حفظ اعتقاد و هویت اسلامی اهمیت زیادی می‌دهد و ازدواج کافر و مسلمان، طبعاً این تأثیر و تأثر را دارد و به خصوص زن ممکن است بیشتر تحت تأثیر شوهر قرار گیرد و احیاناً دست از اسلام بردارد، بنابراین ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان به اتفاق اجماع مسلمین حرام است. فقها علاوه بر استناد به برخی از آیات قرآن کریم، می‌گویند در این ازدواج ترس وقوع مؤمنه در کفر است زیرا زوج، عادتاً او را به دین خود می‌خواند و زنان عادتاً از مردان پیروی می‌کنند و در دین از آن‌ها تقلید می‌نمایند، و نیز در قرآن کریم از سلطه کافر بر مؤمن منع شده است. هرگاه زن و شوهر هر دو کافر باشند و زن اسلام اختیار کند، نمی‌تواند به زندگی زناشویی با مرد کافر ادامه دهد در این صورت نکاح منحل خواهد شد، زیرا کفر هم ابتدائاً و هم استداماً مانع نکاح است.

ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی:

نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست.

۲- ازدواج مرد مسلمان با زن غیر مسلمان

ازدواج موقت مرد مسلمان با زن کافر «اهل کتاب»^۱ مانند زنان یهودی یا مسیحی بر اساس فتاوی «مراجع عظام»^۲ جایز شمرده شده است و مانعی ندارد. ازدواج موقت مرد مسلمان با زن کافر غیر اهل کتاب که به مشرک معروفند بر حسب فتاوی مراجع عظام جایز شمرده نشده و از موانع ازدواج است و مرد مسلمان نمی‌تواند با زن مشرک به صورت موقت نیز ازدواج نماید. اگر مرد مسلمان با زن غیر مسلمان «کتابیه»^۳ ازدواج کند به دین او احترام می‌گذارد و اشکالی از جهت اختلاف دین پیش نخواهد آمد.

نتیجه اینکه در این دو حالت می‌توان موارد زیر را در نظر گرفت:

- ۱- ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان (غیرمسلم کتابی مانند یهودی، مسیحی و زرتشتی و غیر مسلم غیر کتابی): باطل است.
- ۲- ازدواج مرد مسلمان با زن غیر مسلمان کتابی: نافذ است.

۱. عبارتی است در قرآن و منظور از آن کسانی هستند که به یکی از ادیان یهود، زرتشتی و صائبین باور دارند. (سوره حج آیه ۱۷)

۲. منظور مراجع تقلید است.

۳. مجوسی یا یهودی یا نصاری

۳- ازدواج مرد مسلمان با زن غیر مسلمان غیر کتابی: باطل است. بر اساس نظر دکتر کاتوزیان، اگر شوهر در خلال نکاح کافر شود عقد ازدواج خودبه‌خود منفسخ خواهد شد. در موردی هم که زن کافر اسلام آورد و شوهر در کفر باقی بماند، قاعده همین است.

لِ عَان

لِ عَان یکی از موانع نکاح است که در اصطلاح حقوقی یعنی زن و شوهر با سوگندهای ویژه‌ای یکدیگر را تخطئه کنند. لعان زمانی است که مرد به زن خود نسبت زنا دهد یا فرزندی را که زن به دنیا آورده است را از خود نفی کند. در این صورت زوجین در محضر حاکم شرع آمده و اول مرد چهار بار قسم می‌خورد که راست می‌گوید و بار پنجم می‌گوید: لعنت خدا بر من اگر دروغگو باشم. بعد زن چهار بار قسم می‌خورد که مرد دروغ می‌گوید و سپس می‌گوید: خشم خدا بر من اگر او راست گفته باشد. پس از انجام این مراسم زن همیشه بر شوهر حرام می‌گردد و فرزند مورد لعان به شوهر ملحق نمی‌شود.

ماده ۱۰۵۲ قانون مدنی:

تفریقی که با لعان حاصل می‌شود موجب حرمت ابدی است.

کیفیت انجام لعان

- ۱- مرد باید همسرش را متهم به زنا کند، ادعای مشاهده این عمل و عدم وجود دلیل را داشته باشد. (در وقع مرد همسرش را قذف می‌کند).
- ۲- زن همسر دائمی مرد باشد که با او نزدیکی داشته باشد.

پرسش و پاسخ

۱. آیا در جدایی بعد از لعان، زن باید عده نگه دارد؟ بلی. به اندازه عده زنان مطلقه یعنی سه طهر باید عده نگه دارد.
۲. در صورتی که لعان جهت انکار فرزند باشد، چه آثاری دارد؟ نسب را نفی می‌کند و

رابطه توارث بین پدر و فرزند و فرزند با خویشان پدری را از بین می‌برد.

ح) اِحرام

در اصطلاح فقهی حالتی است که زائر خانه خدا با انجام تشریفات مذهبی و پوشیدن جامه خاصی که نشانه آغاز اعمال حج است پیدا می‌کند و او را در این حالت محرم می‌گویند. هرگاه کسی در حال اِحرام ازدواج کند، عقد او باطل است و اگر علم به حرمت نکاح داشته باشد، ازدواج بین آنان حرام مؤبد خواهد شد.

ماده ۱۰۵۳ قانون مدنی:

عقد در حال اِحرام باطل است و با علم به حرمت موجب حرمت ابدی است.

عقدی که در حال اِحرام واقع شود اگر جاهلانه منعقد گردد باطل است ولی موجب حرمت ابدی نمی‌باشد و محرم پس از خروج می‌تواند آن زوج را مجدداً با عقد نکاح به همسری بگزیند، خواه در نکاح عمل نزدیکی واقع شده باشد، خواه نشده باشد. ولی نکاح در حال اِحرام که عالماً واقع شود باطل و موجب حرمت ابدی است. مستفاد از ماده این است که اگر محرم علم به حرمت نکاح داشته باشد، آن زن بر او حرام مؤبد می‌گردد اگرچه نزدیکی واقع نشده باشد.

بحث ازدواج با خارجیان

۱- ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی

- مرد خارجی غیر مسلمان: باطل است.

- مرد خارجی مسلمان: بر اساس ماده ۱۰۶۰، ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه، در مواردی هم که مانع قانونی وجود ندارد، موقوف به اجازه مخصوص از طرف دولت است. در این زمینه به آیین نامه زناشویی بانوان ایران با اتباع بیگانه غیر ایرانی مصوب سال ۱۳۴۵ مراجعه شود.

۲- ازدواج مرد ایرانی با زن خارجی

- زن خارجی غیرمسلمان: با کتابی جایز و با غیر کتابی باطل است.

- زن خارجی مسلمان: ازدواج مرد ایرانی با زن خارجی مجاز است. ولی این ماده یک استثنا دارد. بر اساس ماده ۱۰۶۱ قانون مدنی، دولت می‌تواند ازدواج بعضی از مستخدمین و مأمورین رسمی و محصلین دولتی را با زنی که تبعه خارجی باشد موکول به اجازه مخصوص نماید. در این زمینه بر اساس ماده واحده قانون منع ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با اتباع بیگانه مصوب سال ۱۳۴۵، از این تاریخ ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با اتباع بیگانه یا کسانی که قبلاً بر اثر ازدواج به تابعیت ایران در آمده اند ممنوع است. کارمندان متخلف صلاحیت ادامه خدمت را در وزارت امور خارجه نخواهند داشت.

نتیجه اینکه: ازدواج با زن خارجی برای افراد مذکور در ماده ۱۰۶۱ باطل نیست بلکه امکان ادامه خدمت کارمند متخلف را در وزارت خارجه منتفی می‌سازد.

روابط مالی زن و شوهر

الف) استقلال مالی زن شوهردار

در حقوق ایران، اموال زن و مرد دارای مشترک را تشکیل نمی‌دهد، بلکه اموال هر یک از زوجین مستقل و جدا از اموال دیگری است. بدین سان زن در حقوق ایران، که در این قسمت از فقه اسلامی پیروی کرده است، از نظر مالی مستقل است. وی می‌تواند در اموال خود، چه به صورت جهیزیه باشد چه غیر آن آزادانه تصرف کند و هر گونه عمل مادی یا حقوقی نسبت به آنها انجام دهد. شوهر حق هیچ گونه مداخله در اموال دارایی زن را ندارد و ریاست او بر خانواده اختیاراتی برای وی در این زمینه ایجاد نمی‌کند. اصل استقلال مالی زوجین و حق اداره و تصرف آنها بر اموال شان از اصول مسلم فقه شیعه است و هیچ تردید و اختلافی در آن وجود ندارد.

قانون مدنی هم در ماده ۱۱۱۸ خود آن را پذیرفته است و مطابق آن:

«زن در مسائل مالی و اقتصادی، استقلال و آزادی کامل دارد و می‌تواند در اموال شخصی خود هر گونه دخل و تصرفی نماید، بدون آن که موافقت شوهر لازم باشد. اعم از این که آن اموال قبل از ازدواج به دست آمده باشد و یا بعد از آن.»

کار اقتصادی زن هم جزء اموال او به شمار می‌آید و زن مجبور نیست آن را به رایگان در اختیار شوهر بگذارد، مگر کاری که بر حسب عرف و عادت، از باب حسن معاشرت یا معاضدت، وظیفه زن محسوب شود که زن نمی‌تواند مزدی برای آن مطالبه کند. در حقوق اسلامی گفته اند: زن می‌تواند برای کارهایی که در منزل شوهر به امر او انجام می‌دهد از او مطالبه حق الزحمه نماید. البته اگر زن قصد «تبرع»^۱ داشته باشد، یعنی قصد آن را داشته باشد که به طور رایگان و افتخاری کارهای خانه را انجام دهد، مستحق حق الزحمه نخواهد بود. تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ دادگاه را مکلف کرده است که در صورت تقاضای طلاق از جانب شوهر و به شرط اینکه تقاضای مزبور ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق او نباشد، به درخواست زن مبنی بر مطالبه حق الزحمه کارهایی که شرعا به عهده وی نبوده و به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده، ترتیب اثر دهد و اجرت المثل این گونه کارها را محاسبه و به پرداخت آن حکم نماید.

باید یاد آور شد که قاعده استحقاق زن نسبت به اجرت المثل کارهایی که به دستور شوهر انجام می‌دهد، نمی‌تواند منحصر به مورد طلاق باشد، بلکه یک قاعده کلی است که در موارد دیگر نیز قابل اعمال است.

ب) نفقه زن

یکی از مسایل مهم درباره‌ی نفقه این است که پرداخت نفقه از سوی شوهر هیچ ارتباطی با ثروتمند بودن یا فقیر بودن شوهرش ندارد و بدون توجه به درآمد باید مخارج او را بدهد و از ویژگی‌های دیگر نفقه‌ی زن مقدم بر اقارب است یعنی اول باید نفقه‌ی زن را هم نسبت به گذشته و هم نسبت به آینده داد اما اقارب فقط نسبت به آینده حق مطالبه‌ی نفقه را دارند و اینکه نفقه‌ی زن جز طلب ممتاز است یعنی اگر شوهر ورشکست شد اول باید نفقه‌ی وی را پرداخت کند و زن به طور مستقل می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می‌خواهد انجام دهد و زن می‌تواند از مالی که به او ارث رسیده است یا از شغل مستقلش بدست آورده است هر طوری که مایل است استفاده کند و حتی در صورت ثروتمند بودن زن و فقیر بودن شوهر وی از پرداخت نفقه معاف نخواهد بود.

۱. در لغت به معنای برای رضای خدا کار کردن.



فصل چہارم

مفہوم تفقہ



فقه‌های امامیه بدون ارائه تعریف لغوی از نفقه و با تمرکز روی معنای اصطلاحی، آن را تعریف به مصداق کرده و برای مثال نفقه را عبارت از خوراک و پوشاک و مسکن و... دانسته‌اند. در قانون مدنی ایران نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن، از قبیل: مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم، در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا. هرگاه در دوران نکاح دائم زن ناشزه نباشد یعنی از تکالیفی که در اثر نکاح دائم در مقابل شوهر عهده‌دار است، خودداری و سرپیچی ننماید، می‌تواند شوهر خود را ملزم به پرداخت نفقه نماید.

ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی:

در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است.

ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی:

نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که بطور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا.

ماهیت حق زن بر نفقه

- گاهی نفقه‌ای که مرد می‌دهد مصرف شدنی است که زن بر آن‌ها می‌تواند تملک داشته باشد و می‌تواند هر عملی که بخواهد به عنوان مالک با آن انجام دهد یا بفروشد یا ببخشد. مثل میوه و غذا و لوازم آرایشی و...
- گاهی هم نفقه‌ای که مرد می‌دهد زن اذن بر انتفاع دارد و نمی‌تواند هرگونه عملی را به عنوان مالک بدون اجازه صاحب آن انجام دهد ولی می‌تواند از آن استفاده کند. مثل خانه و اثاثه خانه و لباس و...

ویژگی‌های نفقه زن

۱- نفقه زن مقدم بر نفقه «اقارب»^۱ (خویشاوندان) است.

ماده ۱۲۰۳ قانون مدنی:
در صورت بودن زوجه و یک یا چند نفر واجب‌النفقه دیگر، زوجه مقدم بر سایرین خواهد بود.

۲- زن می‌تواند نفقه زمان گذشته خود را مطالبه و از دادگاه برای وصول آن اقامه دعوی کند.

ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی:
زوجه در هر حال می‌تواند برای نفقه زمان گذشته خود اقامه دعوی نماید و طلب او از بابت نفقه مزبور طلب ممتاز بوده و در صورت افلاس یا ورشکستگی شوهر زن مقدم بر غرما خواهد بود ولی اقارب فقط نسبت به آتیه می‌توانند مطالبه نفقه نمایند.

۳- نفقه زن مشروط بر فقر او یا تمکن مرد نیست.

ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی:
در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجراء حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم رجوع کند و حاکم شوهر او را اجبار به طلاق می‌نماید. همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه.

ماده ۱۱۹۷ قانون مدنی:
کسی مستحق نفقه است که ندار بوده و نتواند به وسیله اشتغال به شغلی وسائل معیشت خود را فراهم سازد.

۱. بر اساس ماده ۱۱۹۶ قانون مدنی فقط اقارب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی یا نزولی ملزم به انفاق یکدیگرند.

ماده ۱۱۹۸ قانون مدنی:
کسی ملزم به انفاق است که متمکن از دادن نفقه باشد یعنی بتواند نفقه بدهد بدون اینکه از این حیث در وضع معیشت خود دچار مضیقه گردد. برای تشخیص تمکن باید کلیه تعهدات و وضع زندگانی شخصی او در جامعه در نظر گرفته شود.

۴- نفقه زوجه تکلیف یکجانبه است. یعنی زن مکلف به دادن نفقه نیست ولی نفقه اقارب متقابل است.

۵- طلب زن و اولاد بابت نفقه از طلب‌های ممتاز است. یعنی در صورت ورشکستگی یا فوت شوهر و عدم کفایت اموال او بر پرداخت دیون بر سایر بدهی‌ها مقدم است. ولی نفقه اقارب دارای این خصوصیت نیست.

نفقه زن پس از انحلال ازدواج

نفقه زن مطلقه رجعیه

اگر طلاق در حال نشوز واقع شود، زن حق مطالبه نفقه را در طول مدت عدّه ندارد و الا همان طور که زوجه در حالت عادی حق مطالبه نفقه دارد، در دوران عدّه طلاق رجعی هم این حق را خواهد داشت. زیرا، در این مدت، وی در حکم زوجه محسوب می‌شود. البته این یک مورد استثنائی است، چون نفقه برای ایام زوجیت بوده و با وقوع طلاق، رابطه زوجیت گسسته می‌شود. اما، این قطع و جدایی، کامل نیست، و برای شوهر در مدت عدّه، حق رجوع وجود دارد.

ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی:
نفقه مطلقه رجعیه در زمان عدّه بر عهده شوهر است مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد...

نفقه زن آبستن در عده فسخ نکاح یا طلاق بائن

زن حاملی که ازدواج او به طریق فسخ یا طلاق بائن باشد، در مدت عده مستحق نفقه

می‌باشد، لذا از تاریخ طلاق تا وضع حمل شوهر باید نفقه او را پرداخت نماید. البته در دادگاه امروزی به این گونه عمل می‌شود که در صورت حامل بودن زن حکم طلاق داده نمی‌شود تا وضع حمل انجام پذیرد.

ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی:
... لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد زن حق نفقه ندارد، مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل نفقه خواهد داشت.

نفقه زن آبستن در عده وفات

از اینکه زن حامل در مدت وفات شوهر نفقه دارد یا خیر، دو نظر بین فقها وجود دارد: قول مشهور فقها بر این نظرند که زوجه در زمان عده وفات شوهر حتی اگر حامله باشد، نفقه نخواهد داشت. بعضی از فقهای امامیه زن حامل را مستحق نفقه در زمان عده وفات شور دانستند و این گونه استدلال می‌کنند که: همانطور که به مطلقه بئنه در مدت حمل نفقه پرداخت می‌شود، از نظر تحلیلی نفقه مطلقه بئنه در مدت حمل ممکن است برای او حمل باشد، بدین معنی که پدر از بابت نفقه ارقام به فرزند خود که در حال حمل است نفقه می‌دهد و چون جنین نمی‌تواند مستقیماً از دهن تغذیه نماید، به مادر داده می‌شود تا به وسیله خون او تغذیه کند.

ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی:
در ایام عده وفات، مخارج زندگی زوجه عندالمطالبه از اموال اقاربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است (در صورت عدم پرداخت) تأمین می‌گردد.

ضمانت اجرای نفقه زن

برای الزام شوهر به پرداخت نفقه دو ضمانت اجرای مدنی و کیفری وجود دارد:

۱- ضمانت اجرای مدنی

در ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی به زن این حق داده شد تا در صورت خودداری شوهر از نفقه به دادگاه (دادگاه صالح، دادگاه خانواده محل اقامت شوهر است) مراجعه کند که

در این صورت دادگاه میزان نفقه را معین و شوهر را به پرداخت آن محکوم می‌کند، در صورت عدم اجرای حکم از جانب شوهر در مرحله بعد دادگاه از اموال شوهر نفقه را پرداخت و اگر امکان دسترسی وجود نداشته باشد یا اموالی نداشته باشد در این صورت زن حق طلاق دارد. (مواد ۱۱۱۲ و ۱۱۲۹ قانون مدنی و بند ۲ ماده ۸ قانون حمایت خانواده)

۲- ضمانت اجرای کیفری

ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی (تغییرات و مجازات‌های بازدارنده) مقرر داشته که هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع نماید دادگاه او را از ۳ ماه و یک روز تا ۵ ماه حبس محکوم می‌نماید.

نکات حائز اهمیت در این ماده این است که شمول این ماده نفقه زمان گذشته را در بر نمی‌گیرد و فقط ناظر بر نفقه زمان آینده است و نکته دیگر تمکین زن است که عبارت است از ادای وظایف زوجیت اعم از وظایف زناشویی و خانوادگی که به موجب عرف و قانون مشخص شده است حال زنی که بدون مانع مشروع از وظایف زوجیه امتناع ورزید که در اصطلاح «نشوز»^۱ کرده و نشوز زن استحقاق زن به نفقه را از بین می‌برد که ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی به این نکته پرداخته است.

بحث کلی در نفقه

برای اینکه زن مستحق نفقه باشد باید شرایط ذیل جمع باشد:

(۱) نکاح دائم باشد: پس الاصول در نکاح منقطع زن حق نفقه ندارد مگر اینکه پرداخت نفقه شرط شده یا عقد مبنی بر آن جاری شده باشد.

(۲) زن باید از ایفای وظایف خود خودداری نکند (یعنی ناشزه نباشد) مگر اینکه عدم تمکین به واسطه استفاده از حق حبس وی باشد.

تذکره: در زمان عده طلاق رجعی زن مستحق نفقه خواهد بود مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد.

۱. اصطلاح فقهی است که بیشتر به خودداری زن از اطاعت شوهر در اموری مانند تمکین و خارج شدن از خانه با اجازه او گفته می‌شود. آیات ۳۴ و ۱۲۸ سوره نسا، آیه نشوز نام گرفته اند.

در عده وفات هم طبق اصلاحات اخیر قانون مدنی زن حق نفقه دارد. در سایر عده‌ها زن حق نفقه ندارد مگر اینکه زن حامله باشد و آن هم از شوهر خود باشد که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت.



فصل پنجم

مهر



مهر

به مالی گفته می‌شود که مرد در هنگام وقوع عقد نکاح به زوجه خود می‌پردازد یا مکلف به پرداخت می‌شود. بر اساس منابع فقه اسلامی، مهری که شوهر به زن می‌پردازد، در حقیقت عوض حق بهره بردن از بضع (آلت تناسلی) زن است.

اقسام مهریه

تعیین مهر در زمان عقد نکاح:

الف) مهر المسمی

مهری است که زن و شوهر قبل از انعقاد عقد نسبت به مقدار و میزان آن توافق نموده و آن را در عقد ذکر می‌کنند.

مالی که به عنوان مهر در نظر گرفته می‌شود می‌تواند یکی از امور زیر باشد:

- ۱- عین باشد. مانند خانه اتومبیل و باغ معین
 - ۲- دین باشد: یعنی زوج متعهد شود مبلغی از پول یا طلا یا نقره و مانند آن را بعد از عقد به همسرش بدهد و یا طلبی را که شوهر از شخص ثالث دارد مهر زن قرار دهد.
 - ۳- منفعت عین باشد. مانند اجاره بهای خانه و باغ و...
 - ۴- کار و عمل باشد. مانند یاد دادن سوره یا تعلیم حرفه‌ای. یا هنر و صنعتی خاص. یا هر عمل مشروع دیگری به شرط آنکه عمل واجب نباشد.
- امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می‌گوید: قرار دادن حق مالی که قابلیت نقل و انتقال داشته باشد به عنوان مهر برای زن صحیح است مانند حق تحجیر.^۱

ماده ۱۰۷۹ قانون مدنی:

مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آنها بشود معلوم باشد.

ماده ۱۰۸۰ قانون مدنی:

تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است.

شرایط مهر المسمی

- دارای ارزش مالی و اقتصادی باشد: یعنی دارای ارزش باشد خواه ارزش آن کم باشد یا زیاد به طوری که در جهت قات از مالیت نیفتد. بنابراین اگر کسی یک دانه گندم را مهر قرار دهد. اگر چه مال است اما چون قابل قیمت‌گذاری و معامله نیست صحیح نمی‌باشد.

- قابل تملک و نقل و انتقال باشد: مالی که به عنوان مهر در عقد نکاح معین می‌شود. باید از اموالی باشد که مالکیت آن برای مسلمان جایز است. بنابراین مالی که مسلمان مالک آن نمی‌شود مثل شراب و خوک. اگر در عقد نکاح مهر قرار گیرد عقد صحیح و مهر باطل است.

- مشخص و معلوم باشد: یعنی مال مجهول نباشد و این شرط از ظاهر کلام فقها که می‌گویند: «لا بد من تعیین المهر بما یرفع الجهالة» به دست می‌آید بنابراین اگر مقدار نامعلومی از زمین یا طلا یا کالایی که مشخصات آن معلوم نیست مهر قرار داده شود صحیح نیست و مهر باطل است.

- معین و تصریح شده باشد: مهر باید در هنگام عقد ازدواج معین باشد بنابراین اگر یکی از دو خانه یا یکی از دو لباس را مهر زنی قرار دهند. مهر باطل است. البته مشاهده کردن مالی که معین شده کفایت از وزن و کیل و شمارش آن می‌کند. یعنی اگر قطعه‌ای طلا یا نقره را به زنی نشان دهند و او به آن راضی باشد. صحیح است اگر چه وزن آن معلوم نباشد.

- دارای منفعت عقلایی و مشروع باشد.

- شوهر قدرت تسلیم مهریه را داشته باشد: چیزی که مهر زوجه قرار داده می‌شود باید قدرت بر تسلیم آن باشد مثلاً گردنبند یا انگشتری که در دریا غرق شده و دسترسی به آن غیر ممکن است. نمی‌تواند در عقد نکاح مهر واقع شود.

مقدار مهر المسمی

در حقوق ما برای مهر از نظر مقدار، حداقل و حداکثری معین نشده است و تعیین آن به تراضی طرفین سپرده شده است (مستنبط از ماده ۱۰۸۰ قانون مدنی). قانون مدنی از قول مشهور فقها پیروی کرده است.

ضمانت اجرای شرایط صحت

هرگاه مهر فاقد یکی از شرایط صحت باشد باطل ولی عقد صحیح است. حال باید دید در صورت بطلان مهرالمسمی، شوهر چه مالی باید به زن بدهد:

- اگر مهرالمسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد، زن مستحق مهرالمثل است. چون مهرالمثل با نزدیکی، بر ذمه شوهر قرار می‌گیرد باید گفت مقصود قانونگذار از مواد ۱۰۹۹ و ۱۱۰۰ قانون مدنی این بوده که زن، پس از دخول مستحق مهرالمثل است. ولی عده‌ای از حقوقدانان نزدیکی را شرط استحقاق مهرالمثل نمی‌دانند.

- اگر مهرالمسمی مال غیر بوده و صاحب مال آن را تنفیذ (اجازه) نکند، زن مستحق مثل آن در صورت مثلی بودن و قیمت آن در صورت قیمی بودن خواهد بود.

ماده ۱۰۹۹ قانون مدنی:

در صورت جهل زن به فساد نکاح و وقوع نزدیکی، زن مستحق مهرالمثل است.

ماده ۱۱۰۰ قانون مدنی:

در صورتی که مهرالمسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد یا ملک غیر باشد در صورت اول و دوم زن مستحق مهرالمثل خواهد بود و در صورت سوم مستحق مثل یا قیمت آن خواهد بود مگر اینکه صاحب مال اجازه نماید.

عیب یا تلف مهر

اول- معیوب بودن مهر در زمان عقد

اسلام، مسأله حقوق هرگاه بعد از عقد معلوم گردد که مهر در زمان عقد معیوب بوده، شوهر ضامن عیب است. یعنی زن می‌تواند مهر را فسخ کرده، مثل یا قیمت آن را دریافت کند یا مهر را نگه داشته، «ارش»^۱ آن را طلب کند.

دوم- معیوب شدن مهر پس از عقد و قبل از تسلیم

نظر مشهور فقهای امامیه این است که زن می‌تواند فقط ارش بگیرد زیرا اصل، لزوم

۱. نوعی دیه است که در قانون از قبل تعیین نشده است تعیین ارش با کارشناس پزشکی قانونی و رای دادگاه است.

مالکیت زن نسبت به مهر است و شوهر به اقتضای قاعده ضمان ید، نسبت به عیوب قبل از تسلیم ضامن است.

سوم - تلف مهر پس از عقد و قبل از تسلیم

عقیده فقهای امامیه بر این است که در صورت تلف مهر قبل از تسلیم، مثل یا قیمت آن بر عهده شوهر است و ضمان شوهر در این مورد مانند ضمان عاریه گیرنده در عاریه مضمونه است که اصطلاحاً آن را ضمان ید گویند. این نظر مورد قبول قانونگذار ایران در م ۱۰۸۴ ق.م واقع شده است.

مالکیت زن بر مهر و ضمانت اجرای آن

مالکیت زن بر مهر خویش به حدی محکم است که در صورت فوت زن، مهریه وی جزو ماترک او به حساب آمده و به بازماندگانش ارث می‌رسد، زیرا به محض وقوع عقد، زن مالک مهر می‌شود و مهر جزو اموال و دارایی‌ها و یا طلب زن محسوب می‌گردد. بنابراین پس از فوت زن، مهر جزو ماترک او خواهد بود. همچنین در صورت فوت شوهر، مهریه زن قبل از تقسیم اموال از دارایی او کسر و به زن پرداخت می‌شود، زیرا مهریه دین متوفی است که پیش از تقسیم ترکه از اموال و دارایی‌های متوفی باید کسر و پرداخت شود، حتی اگر مهریه حال نباشد و در آن شرط مدت یا اقساط شده باشد. زیرا مهریه دین است و بعد از فوت مدیون، دین مؤجل مدت‌دار به حال تبدیل می‌شود. در واقع باید گفت مهریه بخشی از بدهی‌های مقدم و واجبه و جزو دیون ممتاز بوده و حتی جایز نیست که مردی در قلب خود نیز نیت عدم پرداخت آن را کند. راجع به ضمانت اجرا، زن حق دارد که تا مهر خود را دریافت نکند از تمکین خودداری کند. مشروط بر این که مهر حال بوده و زن با اختیار خود تمکین نکرده باشد. این حق معروف به حق حبس است.

ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی:

به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود.

ب) مهر المثل

مقصود از مهرالمثل مهری است که معمولاً برای زن با توجه به هم ردیفان او و با ویژگی‌های مثبت و منفی که دارد در موارد خاص در نظر می‌گیرند.

موارد شمول مهر المثل

۱- هرگاه مهر زنی در عقد نکاح معین نشود و نکاح به سبب طلاق پس از نزدیکی منحل شود برای زن مهرالمثل ثابت می‌گردد و این در صورتی است که نکاح مفوضه البضع باشد.^۱

۲- هرگاه پس از عقد بطلان مهرالمسمی آشکار شود. مثلاً مهرشرایط صحت عوض را نداشته باشد در این صورت زن مستحق مهرالمثل است.

۳- هرگاه زنی را برای انجام عمل «شنیع»^۲ زنا اجبار کنند و زن تا پایان عمل بر این کار راضی نباشد مکره موظف است که به زن مهرالمثل بپردازد اما اگر زن از آغاز یا در بین عمل راضی شود مستحق هیچ چیز نخواهد بود و زناکار محسوب می‌شود.

۴- هرگاه ولی دختر نابالغ او را به کمتر از مهرالمثل تزویج کند یا اساساً عقد یادآور مهر نشود مهرالمثل برای زن ثابت می‌شود در این صورت اگر طلاق پیش از نزدیکی واقع شود نصف مهرالمثل به زن داده می‌شود.

۵- هرگاه در نکاح دائم ذکری از مهر نشده یا عدم مهر ضمن عقد نکاح شرط شده باشد، عدم ذکر مهر یا شرط عدم آن به صحت نکاح لطمه نمی‌زند.

ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی:

اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد، نکاح صحیح است و طرفین می‌توانند بعد از عقد، مهر را به تراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین، بین آنها نزدیکی واقع شود، زوجه مستحق مهرالمثل خواهد بود.

ماده ۱۰۹۹ قانون مدنی:

در صورت جهل زن به فساد نکاح و وقوع نزدیکی، زن مستحق مهرالمثل است.

۱. هرگاه در نکاح و تزویج زنی صداق ذکر نشود او را مفوضه البضع گویند.

۲. در لغت به معنی کار زشت، پدیده و واقعه زشت.

ماده ۱۱۰۰ قانون مدنی:
در صورتی که مهرالمسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد یا ملک غیر باشد در صورت اول و دوم زن مستحق مهرالمثل خواهد بود و در صورت سوم مستحق مثل یا قیمت آن خواهد بود مگر اینکه صاحب مال اجازه نماید.

تفویض مهر

تفویض مهر در اصطلاح این است که اختیار تعیین مهر ضمن عقد نکاح به یکی از زوجین یا شخص ثالث واگذار شده باشد. زنی که بدین گونه از دواج می‌کند، «مفوضه‌المهر»^۱ نامیده می‌شود. شخصی که تعیین مهر به او محول می‌شود داور به شمار می‌آید. حال اگر داور شوهر یا شخص ثالث باشد می‌تواند مهر را هر قدر بخواهد تعیین کند. ولی اگر داور زن باشد نمی‌تواند بیشتر از مهرالمثل معین کند.

ماده ۱۰۸۹ قانون مدنی:
ممکن است اختیار تعیین مهر به شوهر یا شخص ثالثی داده شود در این صورت شوهر یا شخص ثالث می‌تواند مهر را هر قدر بخواهد معین کند.

ماده ۱۰۹۰ قانون مدنی:
اگر اختیار تعیین مهر به زن داده شود زن نمی‌تواند بیشتر از مهرالمثل معین نماید.

ماده ۱۰۹۱ قانون مدنی:
برای تعیین مهرالمثل باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقربان و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود.

۱. بر گرفته شده از:

الف-تحریرالمجله جلد ۲-۳ ص ۲۷

ب-فرهنگ معارف اسلامی جلد ۴ ص ۳۱۵

ج-کتاب السرائر الحاری،تحریرالفتاوی جلد ۲ ص ۵۹۳

اثر انحلال ازدواج در مهر

الف- اثر انحلال ازدواج در مهر المسمی

منشأ انحلال ممکن است فوت، طلاق یا فسخ باشد. اثر هر کدام را جداگانه بررسی می‌کنیم:

اول- مهر المسمی در مورد فوت

فوت شوهر هیچ‌گونه تأثیری در مهر المسمی ندارد و زن می‌تواند پس از فوت همه آن را مطالبه کند.

دوم- مهر المسمی در مورد طلاق

مطلب را بر اساس م ۱۰۹۲ ق.م.د در دو قسمت بررسی می‌کنیم:

۱- مهر هنگام طلاق در ملکیت زن باقی است.

با وقوع طلاق قبل از نزدیکی، نصف مشاع آن به شوهر تعلق می‌گیرد و مالکیت زن نسبت به آن زائل می‌شود.

الف) نمائات مهر

هرگاه بر اثر طلاق نصف مهر به شوهر برگردد نمائاتی که در فاصله بین عقد و طلاق در ملکیت زن حاصل شده اگر از نمائات متصل باشد نصف آن متعلق به مرد خواهد بود. اما نمائات منفصل متعلق به زن است.

قول مشهور فقهای امامیه در این مورد این است که در نمائات متصل، نمائات متعلق به زن است و او اختیار دارد نصف عین یا نصف قیمت مهر را بدون احتساب نمائات به مرد بدهد و شوهر نمی‌تواند او را مجبور به دادن نصف عین کند.

ب) حکم ابراء مهر از سوی زن

در صورتی که زن شوهر را ابراء کند و طلاق پیش از نزدیکی واقع شود، شوهر حقی بر زن ندارد. زیرا مالی نپرداخته است که نیم آن را پس بگیرد. در مقابل این نظر، عده‌ای از حقوق‌دانان شوهر را مستحق گرفتن نیمی از مهر ابراء شده می‌دانند.

ج) افزایش بهای مهر

هرگاه در فاصله بین عقد و طلاق، بهای مهر از سوی زن افزایش یابد، زن در آن افزوده

سهم خواهد داشت. اما اگر افزایش بها به خاطر ترقی قیمت بازار باشد، زن حقی نسبت به آن نخواهد داشت.

ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی:
هرگاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر بیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد حق دارد مازاد از نصف را عیناً یا مثلاً یا قیمتاً استرداد کند.

۲- مهر هنگام طلاق در ملکیت زن نیست.
هرگاه مهر در زمان طلاق، عین مهر در ملکیت زن نباشد برابر ذیل م ۱۰۹۲ ق.م.شوهر مستحق مثل نصف در صورت مثلی بودن و مستحق قیمت نصف در صورت قیمی بودن مهر، خواهد بود.

سوم- مهرالمسمی در مورد فسخ

بر حسب این که فسخ قبل از نزدیکی یا بعد از آن واقع شده باشد، حکم مهر متفاوت خواهد بود:

۱- فسخ ازدواج قبل از نزدیکی
طبق م ۱۰۱ ق.م.اگر نکاح قبل از نزدیکی فسخ شود، زن مستحق مهر نخواهد بود. استثناء: با توجه به ذیل م ۱۱۰۱ ق.م. هرگاه فسخ نکاح، به خاطر عنن باشد زن مستحق نصف مهر می‌شود با این که نزدیکی هم واقع نشده است.

۲- فسخ ازدواج بعد از نزدیکی
در این فرض زن مستحق تمام مهر خواهد بود (مفهوم مخالف م ۱۱۰۱ ق.م.).

ب- اثر انحلال ازدواج قبل از تعیین مهر

اول- اثر انحلال قبل از نزدیکی

بر حسب این که علت انحلال، طلاق یا فسخ یا فوت باشد حکم مسأله فرق خواهد کرد:
- طلاق قبل از نزدیکی و تعیین مهر

بر اساس م ۱۰۹۳ ق.م در صورت وقوع طلاق قبل از نزدیکی و تعیین مهر، زن مستحق مهرالمتعه خواهد بود.

- فسخ یا فوت قبل از نزدیکی

هرگاه قبل از نزدیکی و تعیین مهر، ازدواج به علت فسخ یا فوت یکی از زوجین منحل شود، زن مستحق مهر نخواهد بود. زیرا نه ضمن عقد مهری معین شده و نه پس از آن و استحقاق مهرالمثل منوط به وقوع نزدیکی است که انجام نگرفته است. مهرالمتعه نیز مخصوص مورد طلاق است و قابل تعمیم به مورد فسخ و فوت نمی باشد.

دوم- اثر انحلال بعد از نزدیکی

اگر مهر در عقد ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد و قبل از تعیین مهر نزدیکی واقع شود، زن مستحق مهرالمثل خواهد بود.

حکم مهر در نزدیکی به شبهه

طبق م ۱۰۹۹ ق.م زنی که در حال جهل به حرمت با او نزدیکی شود، مستحق مهرالمثل خواهد بود.

ج) مهرالمتعه

متعه در لغت به معنی توشه اندک است و آن مقدار مالی است که پس از طلاق در برخی موارد از طرف شوهر به زن داده می شود تا از آن بهره مند گردد.

موارد شمول مهرالمتعه

مهرالمتعه در فقه ما حق زنی است که مهر او در هنگام عقد ذکر نشده و پیش از نزدیکی و تعیین مهر طلاق داده شده است.

نحوه تعیین مهرالمتعه

ملاک اصلی در تعیین مهرالمتعه بنا بر رای مشهور فقها وضعیت مالی زوج است. این فتوا هم با قرآن موافق است و هم با روایات. در قرآن به صراحت گفته شده که هر یک از غنی و فقیر به تناسب وضع مالی و وسع خود و با توجه به عرف باید متعه بدهد. امام

صادق (ع) فرمود: هرگاه مردی همسرش را پیش از نزدیکی طلاق دهد نصف مهر او را باید بدهد!

د) مهر السنه

این نوع مهریه در زمان پیامبر اکرم (ص) تعیین می‌شده و امروزه هم در مواردی بسیار کم مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بحث کلی در مهر

طبق قوانین شرع مقدس اسلام برای زن در هنگام نکاح باید مهری معین شود و اگر این مهر معین نگردد شرع مقداری که بر حسب عرف معین می‌گردد به عنوان مهر زن در نظر می‌گیرد (مهر المثل).

هر چیزی که مالیت داشته باشد و قابل تملک باشد می‌توان مهر قرار داد (م ۱۰۷۸) پس برای مهر سه شرط لازم است:

(۱) باید مالیت داشته باشد (که این مالیت با توجه به عرف و زمان و مکان فرق می‌کند)

(۲) باید قابل تملک باشد (یعنی زن بتواند آن را تملک کند)

(۳) معین بودن (من جمیع الجهات) مهر لازم نیست ولی باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آنها بشود معلوم باشد.

در نکاح دائم تعیین مهر برخلاف نکاح منقطع از شرایط صحت عقد نیست لذا می‌توان بدون تعیین مهر در عقد نکاح، نکاح را صحیح دانست که حالت‌های زیر متصور است:

الف) مهر تعیین نشده باشد ولی اختیار تعیین آن بر عهده یکی از طرفین یا ثالثی گذاشته باشد در این صورت هر مهری که طرف مقرر نماید همان به عنوان مهر خواهد بود چه تعیین مهر قبل از دخول باشد یا بعد از آن.

ب) مهر تعیین نشده باشد و هیچ کس هم مسئول تعیین مهر نشده باشد که در این صورت:

- (۱) اگر نزدیکی صورت گیرد زن مستحق مهر المثل می‌شود.
- (۲) اگر نزدیکی صورت نگرفته باشد و نکاح هم به هم خورده باشد زن مستحق نصف مهر المثل است.
- (۳) اگر نزدیکی صورت نگرفته باشد و مرد زن خود را طلاق دهد در این صورت زن مستحق مهر المته خواهد بود.
- (۴) اگر نزدیکی صورت نگرفته باشد و نکاح به واسطه فسخ به هم بخورد زن مستحق چیزی نخواهد بود مگر اینکه فسخ به واسطه «عنن»^۱ باشد که در این صورت زن مستحق نصف مهر المثل خواهد بود.
- ج) اگر مهر تعیین شده باشد لکن مالیت نداشته یا مجهول باشد زن بعد از نزدیکی مستحق مهر المثل است و مثل زمانی رفتار خواهد شد که مهر در عقد ذکر نشده است.
- د) اگر در عقد مهری ذکر شده باشد که ملک غیر باشد زن مستحق مثل یا قیمت آن مال خواهد بود مگر اینکه صاحب مال اجازه نماید.
- چند تعریف در مبحث مهریه وجود دارد که عبارتند از:
- الف) مهر المسمی: مهری است که در عقد ذکر می‌گردد و طرفین بر روی آن توافق کرده اند این توافق طرفین می‌تواند قبل از عقد نکاح صورت گیرد.
- ب) مهر المثل: مهر المثل، مهری است که در صورت عدم تعیین مهر در عقد و یا در صورتی که مهر تعیین شده مالیت نداشته یا مجهول باشد در نظر گرفته می‌شود و وضعیت زن نسبت به امثال و اقربان و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته می‌شود.
- ج) مهر المته: هر گاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را اطلاق دهد زن مستحق مهر المته خواهد بود برای تعیین مهر المته حال مرد از حیث غنا و فقر ملاحظه می‌شود.

نحوه محاسبه ارزش مهریه وجه رایج کشور و جدول شاخص

بر اساس ماده ۲ آیین نامه قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب مورخه ۱۳۷۷/۰۲/۱۳ هیات محترم وزیران، نحوه محاسبه ارزش فعلی مهریه به ترتیب

۱. به بیماری جنسی که بر اثر آن آلت تناسلی مرد نعوظ نمی‌کند به گونه‌ای که ناتوان از آمیزش می‌گردد عنن و به مرد مبتلا به آن عنین گویند.

ذیل می باشد:

مبلغ مهریه مندرج در عقدنامه × عدد شاخص در سال قبل ÷ عدد شاخص در سال وقوع عقد = ارزش مهریه در حال حاضر

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی متناسب شیوهی ۱۳۸۶-۱۳۸۵
اعداد سالانه شاخص (۱۳۹۵=۱۰۰)

سال	عدد شاخص
۱۳۹۵	-/۰-۰۴
۱۳۹۶	-/۰-۰۴
۱۳۹۷	-/۰-۰۴
۱۳۹۸	-/۰-۰۴
۱۳۹۹	-/۰-۰۸
۱۴۰۰	-/۰-۱۲
۱۴۰۱	-/۰-۲۸
۱۴۰۲	-/۰-۲۸
۱۴۰۳	-/۰-۲۴
۱۴۰۴	-/۰-۲۴
۱۴۰۵	-/۰-۲۴
۱۴۰۶	-/۰-۲۴
۱۴۰۷	-/۰-۲۸
۱۴۰۸	-/۰-۲۸
۱۴۰۹	-/۰-۲۴
۱۴۱۰	-/۰-۲۴
۱۴۱۱	-/۰-۲۸
۱۴۱۲	-/۰-۲۸
۱۴۱۳	-/۰-۲۴
۱۴۱۴	-/۰-۲۴
۱۴۱۵	-/۰-۲۴
۱۴۱۶	-/۰-۲۴
۱۴۱۷	-/۰-۲۴
۱۴۱۸	-/۰-۲۸
۱۴۱۹	-/۰-۲۴
۱۴۲۰	-/۰-۲۸
۱۴۲۱	-/۰-۲۸
۱۴۲۲	-/۰-۲۸
۱۴۲۳	-/۰-۲۸
۱۴۲۴	-/۰-۲۸
۱۴۲۵	-/۰-۲۸
۱۴۲۶	-/۰-۲۴
۱۴۲۷	-/۰-۲۴
۱۴۲۸	-/۰-۲۸
۱۴۲۹	-/۰-۲۴
۱۴۳۰	-/۰-۲۴
۱۴۳۱	-/۰-۲۴
۱۴۳۲	-/۰-۲۴
۱۴۳۳	-/۰-۲۴
۱۴۳۴	-/۰-۲۴
۱۴۳۵	-/۰-۲۴
۱۴۳۶	-/۰-۲۴
۱۴۳۷	-/۰-۲۴
۱۴۳۸	-/۰-۲۴
۱۴۳۹	-/۰-۲۴
۱۴۴۰	-/۰-۲۴
۱۴۴۱	-/۰-۲۴
۱۴۴۲	-/۰-۲۴
۱۴۴۳	-/۰-۲۴
۱۴۴۴	-/۰-۲۴
۱۴۴۵	-/۰-۲۴
۱۴۴۶	-/۰-۲۴
۱۴۴۷	-/۰-۲۴
۱۴۴۸	-/۰-۲۴
۱۴۴۹	-/۰-۲۴
۱۴۵۰	-/۰-۲۴
۱۴۵۱	-/۰-۲۴
۱۴۵۲	-/۰-۲۴
۱۴۵۳	-/۰-۲۴
۱۴۵۴	-/۰-۲۴
۱۴۵۵	-/۰-۲۴
۱۴۵۶	-/۰-۲۴
۱۴۵۷	-/۰-۲۴
۱۴۵۸	-/۰-۲۴
۱۴۵۹	-/۰-۲۴
۱۴۶۰	-/۰-۲۴
۱۴۶۱	-/۰-۲۴
۱۴۶۲	-/۰-۲۴
۱۴۶۳	-/۰-۲۴
۱۴۶۴	-/۰-۲۴
۱۴۶۵	-/۰-۲۴
۱۴۶۶	-/۰-۲۴
۱۴۶۷	-/۰-۲۴
۱۴۶۸	-/۰-۲۴
۱۴۶۹	-/۰-۲۴
۱۴۷۰	-/۰-۲۴
۱۴۷۱	-/۰-۲۴
۱۴۷۲	-/۰-۲۴
۱۴۷۳	-/۰-۲۴
۱۴۷۴	-/۰-۲۴
۱۴۷۵	-/۰-۲۴
۱۴۷۶	-/۰-۲۴
۱۴۷۷	-/۰-۲۴
۱۴۷۸	-/۰-۲۴
۱۴۷۹	-/۰-۲۴
۱۴۸۰	-/۰-۲۴
۱۴۸۱	-/۰-۲۴
۱۴۸۲	-/۰-۲۴
۱۴۸۳	-/۰-۲۴
۱۴۸۴	-/۰-۲۴
۱۴۸۵	-/۰-۲۴
۱۴۸۶	-/۰-۲۴
۱۴۸۷	-/۰-۲۴
۱۴۸۸	-/۰-۲۴
۱۴۸۹	-/۰-۲۴
۱۴۹۰	-/۰-۲۴
۱۴۹۱	-/۰-۲۴
۱۴۹۲	-/۰-۲۴
۱۴۹۳	-/۰-۲۴
۱۴۹۴	-/۰-۲۴
۱۴۹۵	-/۰-۲۴
۱۴۹۶	-/۰-۲۴
۱۴۹۷	-/۰-۲۴
۱۴۹۸	-/۰-۲۴
۱۴۹۹	-/۰-۲۴
۱۵۰۰	-/۰-۲۴

سال	عدد شاخص
۱۳۴۳	-/۰-۵۲
۱۳۴۴	-/۰-۵۲
۱۳۴۵	-/۰-۵۲
۱۳۴۶	-/۰-۵۲
۱۳۴۷	-/۰-۵۲
۱۳۴۸	-/۰-۵۲
۱۳۴۹	-/۰-۵۶
۱۳۵۰	-/۰-۵۶
۱۳۵۱	-/۰-۶۰
۱۳۵۲	-/۰-۶۹
۱۳۵۳	-/۰-۷۷
۱۳۵۴	-/۰-۸۵
۱۳۵۵	-/۰-۹۱
۱۳۵۶	-/۰-۹۱
۱۳۵۷	-/۰-۹۱
۱۳۵۸	-/۰-۹۱
۱۳۵۹	-/۰-۹۱
۱۳۶۰	-/۰-۹۱
۱۳۶۱	-/۰-۹۱
۱۳۶۲	-/۰-۹۱
۱۳۶۳	-/۰-۹۱
۱۳۶۴	-/۰-۹۱
۱۳۶۵	-/۰-۹۱
۱۳۶۶	-/۰-۹۱
۱۳۶۷	-/۰-۹۱
۱۳۶۸	-/۰-۹۱
۱۳۶۹	-/۰-۹۱
۱۳۷۰	-/۰-۹۱
۱۳۷۱	-/۰-۹۱
۱۳۷۲	-/۰-۹۱
۱۳۷۳	-/۰-۹۱
۱۳۷۴	-/۰-۹۱
۱۳۷۵	-/۰-۹۱
۱۳۷۶	-/۰-۹۱
۱۳۷۷	-/۰-۹۱
۱۳۷۸	-/۰-۹۱
۱۳۷۹	-/۰-۹۱
۱۳۸۰	-/۰-۹۱
۱۳۸۱	-/۰-۹۱
۱۳۸۲	-/۰-۹۱
۱۳۸۳	-/۰-۹۱
۱۳۸۴	-/۰-۹۱
۱۳۸۵	-/۰-۹۱
۱۳۸۶	-/۰-۹۱
۱۳۸۷	-/۰-۹۱
۱۳۸۸	-/۰-۹۱
۱۳۸۹	-/۰-۹۱
۱۳۹۰	-/۰-۹۱
۱۳۹۱	-/۰-۹۱
۱۳۹۲	-/۰-۹۱
۱۳۹۳	-/۰-۹۱
۱۳۹۴	-/۰-۹۱
۱۳۹۵	-/۰-۹۱
۱۳۹۶	-/۰-۹۱
۱۳۹۷	-/۰-۹۱
۱۳۹۸	-/۰-۹۱
۱۳۹۹	-/۰-۹۱
۱۴۰۰	-/۰-۹۱

سال	عدد شاخص
۱۳۷۱	۱/۴۸-
۱۳۷۲	۱/۸۱۴
۱۳۷۳	۲/۳۵۶
۱۳۷۴	۲/۶۶۵
۱۳۷۵	۴/۵۲-
۱۳۷۶	۵/۲۹۸
۱۳۷۷	۶/۲۵۸
۱۳۷۸	۷/۵۱۶
۱۳۷۹	۸/۴۶۳
۱۳۸۰	۹/۳۳۷
۱۳۸۱	۱-/۹۱۵
۱۳۸۲	۱۲/۶۲۴
۱۳۸۳	۱۴/۵۴۴
۱۳۸۴	۱۶/۴۸۸
۱۳۸۵	۱۷/۹۵۵
۱۳۸۶	۲۱/۳۶۵
۱۳۸۷	۲۶/۶۶۶
۱۳۸۸	۲۹/۵۲۷
۱۳۸۹	۳۳/۸۸۸
۱۳۹۰	۴-/۳۲۱
۱۳۹۱	۵۲/۶۲۵
۱۳۹۲	۷-/۹۱۶
۱۳۹۳	۸۱/۹۲۸
۱۳۹۴	۹۱/۹۱۶
۱۳۹۵	۱-/-/۰-۰۰
۱۳۹۶	۱-۹/۶۵-

فسخ ازدواج

الف) عیب

عیب یکی از موارد فسخ نکاح است و بین زن و مرد مشترک است.

جنون

ماده ۱۱۲۱ قانون مدنی:

هر یک از زوجین به شرط استقرار اعم از اینکه مستمر یا ادواری باشد، برای طرف مقابل موجب فسخ است. عیوب زیر در مرد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود:

- ۱- خصاء
- ۲- ناتوانی جنسی و وجود مشکل در دستگاه تناسلی. اگر ناتوانی جنسی پس از عقد نیز انجام شود باز هم زن می‌تواند فسخ نکاح را بخواهد.
- ۳- جنون مرد که این مورد نیز حتی اگر پس از عقد بروز کند از موجبات فسخ خواهد بود.
- در موارد زیر نیز، مرد حق فسخ نکاح را دارد. ۱- قرن ۲- جذام ۳- برص ۴- افضاء
- ۵- زمین‌گیری ۶- نابینایی از دو چشم.

اگر زن بعد از عقد به یکی از معایبی دچار شود که در لحظه‌ی وقوع عقد به مرد حق فسخ می‌داد، حق فسخ برای مرد نخواهد بود.

ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی:

عیوب ذیل در مرد که مانع از ایفاء وظیفه زناشوئی باشد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود ۱- عنن بشرط اینکه بعد از گذشتن مدت یکسال از تاریخ رجوع زن به حاکم رفع نشود. ۲- خصاء ۳- مقطوع بودن آلت تناسلی

ماده ۱۱۲۳ قانون مدنی
عیوب ذیل در زن موجب حق فسخ برای مرد خواهد بود ۱- «قرن»^۱ ۲- «جذام»^۲
۳- «برص»^۳ ۴- «افضاء»^۴ ۵- زمین‌گیری ۶- نابینائی از هر دو چشم

ب) تدلیس

هرگاه زن یا مرد موقع انعقاد عقد نکاح شرط کرده باشد که طرف مقابل باید ویژگی یا صفت خاصی داشته باشد و پس از عقد، آشکار شود که چنین ویژگی یا صفتی در او نیست، حق فسخ خواهد داشت.
اگر زن یا مرد پیش از عقد به معایب مورد اشاره آگاهی داشته باشد و با علم به آن مبادرت به عقد نکاح کند، حق فسخ او ساقط می‌شود.

ماده ۴۳۸ قانون مدنی
تدلیس عبارت است از عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود.

ماده ۴۳۹ قانون مدنی
اگر بایع تدلیس نموده باشد مشتری حق فسخ بیع را خواهد داشت و همچنین است بایع نسبت به ثمن شخصی در صورت تدلیس مشتری.

ماده ۴۴۰ قانون مدنی
خیار تدلیس بعد از علم به آن فوری است.

ج) تخلف از شرط صفت

هر گاه در یکی از زوجین صفت خاصی شرط شده باشد و بعد از عقد معلوم گردد که

۱. سید حسن امامی در مورد این بیماری می‌گوید قرن استخوان زائدی است که در جلوی آلت تناسلی بعضی از زنان است که مانع نزدیکی شوهر با او می‌گردد.
۲. در لغت به معنی قطع است این مرض چون موجب ریزش و قطع گوشت از بدن مریض می‌شود با این نام خوانده می‌شود به هر حال موجب فسخ نکاح برای مرد است.
۳. پیسی واژه‌ای پهلوی و معادل برص در عربی، گونه‌ای بیماری پوستی و ناواگیر است که به‌صورت لکه‌های سفید و نرم بر بدن ظاهر می‌شود و بر اثر اختلال در عملکرد رنگدانه‌های پوستی پدید می‌آید.
۴. یکی گردانیدن یا پاره کردن راه و پس و پیشین زن است. (جواهر الکلام ج ۳۰، ص ۳۳۱-۳۳۵)

طرف فاقد وصف مقصود بوده طرف دیگر حق فسخ نکاح را خواهد داشت، همین طور است در صورتی که صفت خاصی در عقد صریحاً شرط نشده لیکن از قرائن و اوضاع و احوال بر آید که آن صفت منظور طرفین بوده و وارد قلمرو قرار داد شده است و به بیان دیگر عقد متبایناً بر آن واقع شده است.

ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی
هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکوره فاقد وصف مقصود بود برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متبایناً بر آن واقع شده باشد.



فصل ششم

طلاق



موجبات طلاق

۱- طلاق به اراده مرد

طلاق در اسلام امری مذموم و ناپسند معرفی شده است و از آن تحت عنوان مبعوض ترین چیزها تعبیر شده است.^۱ اما صرف وجود قواعد اخلاقی برای جلوگیری از طلاق کافی نیست. به همین دلیل با سستی مبانی اعتقادی و اخلاقی و مشکلات اجتماعی و اقتصادی و عدم توجه عده‌ای از مردان به وظایف خویش، سوءاستفاده‌هایی از این اختیار قانونی به عمل آمد؛ به همین جهت قانونگذار به فکر چاره جویی افتاد و قانون حمایت خانواده را در سال ۱۳۴۶ به تصویب رساند. برابر ماده ۱۱ این قانون، شوهر مکلف به ارائه جهات و دلایل موجه خود برای طلاق شد و دادگاه در صورت مقتضی سعی نمود تا از طریق داور یا داوران برای آشتی زوجین اقدام نماید و در صورت عدم وصول به نتیجه، گواهی عدم امکان سازش صادر کند و بدین ترتیب اختیار نامحدود مرد تعدیل شد؛ گرچه در خصوص نسخ ماده ۱۱۳۳ بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود داشت. با تصویب قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۵۳ علی‌الظاهر به نظر می‌رسید که قانونگذار مایل نبوده است اختیار مطلق شوهر در ماده ۱۱۳۳ ق.م را بپذیرد. البته در این خصوص نیز در میان حقوقدانان از جهت نسخ اختلاف نظر وجود داشت. برخی حقوقدانان معتقد بودند که قانون جدید موارد طلاق را به صورت حصری بیان نموده و به قانون مدنی احاله نداده است. بنابراین به نسخ ماده ۱۱۳۳ ق.م نظر داشته است. اما گروهی دیگر معتقد بودند که از ماده ۱۱۳۳ ق م دو حکم متفاوت به دست می‌آید: الف) طلاق را باید مرد بدهد.

ب) مرد هر وقت بخواهد می‌تواند از این اختیار استفاده کند.

حکم دوم به دلیل تعارض با ماده قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳ نسخ ضمنی شده بود ولی حکم اول به قوت خود باقی بود از طرفی هم با وضع قانون حمایت خانواده، ماده ۱۱۳۳ به طور صریح نسخ نشده بود بلکه فقط حکم مطلق ماده ۱۱۳۳ ق.م مقید گردیده بود. با تصویب لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص در سال ۱۳۵۸ وضعیت سابق اختیار مطلق شوهر برای اطلاق اعاده شد. این ماده چنین مقرر می‌داشت:

۱. برگرفته از کتاب امامی و صفایی ص ۱۹۷

موارد طلاق همان است که در قانون مدنی و احکام شرع مقرر گردیده شده است. اما برای جلوگیری از سوء استفاده مرد، شرط ارجاع به داوری و سعی در سازش زوجین و لزوم اجازه دادگاه برای طلاق را در تبصره ۲ ماده ۳ از لایحه مذکور، شرط نمود. بنابراین به دست آوردن حکم دادگاه در خصوص طلاق زوجه، مقدمه اجرای طلاق زوجه از طرف شوهر است. و به نظر حقوقدانان ضمانت اجرای آن را ماده ۱۰ قانون حمایت خانواده معین کرده است؛ بدین معنی که مجازات شوهری که بدون مراجعه و اخذ مجوز از دادگاه همسر خود را مطلقه نماید مجازات حبس از شش ماه تا یک سال است.

از آنجایی که مقررات و قوانین مربوط به خانواده در ایران متعلق به سال ۱۳۱۲ می‌باشد و مطابق با نیازهای جامعه امروزی و موارد گسترده و پیچیده آن نیست، لذا قانونگذاران برای جلوگیری از سوء استفاده مردان در سهولت طلاق همسران شان، در صدد چاره جویی برآمده و قانون جدیدی به نام قانون حمایت خانواده را در سال ۱۳۹۱ وضع کردند. در عین حال قانون سابق حمایت خانواده به خاطر اشکالات شرعی که به آن گرفته شده بود، طبعا اعتبار خود را از دست داد و در شکل اجرایی به شرایط ضمن عقد محدود شد.

۲- طلاق به درخواست زن

خلف شوهر از اداء وظایف زوجیت (اعم از نفاق و همخوابگی و داشتن روابط جنسی و حسن معاشرت) چه ناشی از تقصیر شوهر و چه بدون تقصیر شوهر باشد، در صورتی که زندگی زناشویی و بقاء نکاح را دشوار کند، به زن حق می‌دهد که برای طلاق به حاکم شرع رجوع نماید و حاکم، شوهر را مجبور به طلاق خواهد کرد و اگر شوهر از آن خودداری کند حاکم به عنوان ولی ممتنع زن را طلاق خواهد داد.

موجبات طلاق به درخواست زن به شرح ذیل است:

۱- خودداری و عجز شوهر از دادن نفقه

ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی:

در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه وعدم امکان اجراء حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم رجوع کند و حاکم شوهر او را اجبار به طلاق می‌نماید. همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه.

۲- عسر و حرج

ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی:

در مورد زیر زن می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق نماید در صورتی که برای محکمه ثابت شود که دوام زوجیت موجب عسر و حرج است می‌تواند برای جلوگیری از ضرر و حرج زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورت میسر نشدن به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود تبصره - عسر و حرج موضوع این ماده عبارت است از به وجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد و موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصادیق عسر و حرج محسوب می‌گردد: ۱- ترک زندگی خانوادگی توسط زوج حداقل به مدت شش ماه متوالی و یا نه ماه متناوب در مدت یک سال بدون عذر موجه. ۲- اعتیاد زوج به یکی از انواع مواد مخدر و یا ابتلاء وی به مشروبات الکلی که به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و امتناع یا عدم امکان الزام وی به ترک آن در مدتی که به تشخیص پزشک برای ترک اعتیاد لازم بوده است. در صورتی که زوج به تعهد خود عمل ننماید و یا پس از ترک، مجدداً به مصرف موارد مذکور روی آورده، بنا به درخواست زوجه، طلاق انجام خواهد شد. ۳- محکومیت قطعی زوج به حبس پنج سال یا بیشتر. ۴- ضرب و شتم یا هر گونه سوء استفاده مستمر زوج که عرفاً با توجه به وضعیت زوجه قابل تحمل نباشد. ۵- ابتلاء زوج به بیماری‌های صعب‌العلاج روانی یا ساری یا هر عارضه صعب‌العلاج دیگری که زندگی مشترک را مختل نماید. موارد مندرج در این ماده مانع از آن نیست که دادگاه در سایر مواردی که عسر و حرج زن در دادگاه احراز شود، حکم طلاق صادر نماید.

۳- غیبت بیش از ۴ سال شوهر

ماده ۱۰۲۹ قانون مدنی:
هرگاه شخصی چهارسال تمام غایب مفقودالایثر باشد زن او می تواند تقاضای طلاق کند در این صورت با رعایت ماده ۱۰۲۳ حاکم او را طلاق می دهد.

۴- وکالت زوجه از شوهر در طلاق

ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی:
طرفین عقد ازدواج می توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنماید مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غائب شود یا ترک انفاق نماید یا برعلیه حیات زن سوء قصد کند یا سوء رفتاری نماید که زندگانی آنها با یکدیگر غیر قابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهائی خود را مطلقه سازد.

۵- توافق زوجین:

طلاق خلع مبارات را می توان نوعی طلاق با توافق محسوب کرد؛ زیرا هر چند این نوع طلاق یک ایقاع است ولی شک نیست که براساس توافق زوجین واقع شده و توافق مبنای طلاق یا انگیزه بوده است. ولی براساس مقررات فعلی منظور از طلاق توافقی همان طلاق خلع یا مبارات است.

ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی:
طلاق خلع آن است که زن به واسطه کراهتی که از شوهر خود دارد در مقابل مالی که به شوهر می دهد طلاق بگیرد اعم از اینکه مال مزبور عین مهر یا معادل آن و یا بیشتر و یا کمتر از مهر باشد.

ماده ۱۰۴۷ قانون مدنی:
طلاق مبارات آن است که کراهت ازطرفین باشد ولی در این صورت عوض باید زائد بر میزان مهر نباشد.

شرایط اساسی طلاق

الف) شرایط طلاق دهنده (شوهر)

طلاق دهنده (شوهر) باید اراده و اهلیت برای طلاق داشته باشد. طلاق یک عمل حقوقی یک جانبه (ایقاع) است و مانند سایر اعمال حقوقی، قصد و رضا یا اراده در آن شرایط صحت محسوب می شود (ماده ۱۱۳۶ قانون مدنی). بنابراین هرگاه کسی در حال مستی یا از باب شوخی صیغه طلاق جاری کند، یا اشتباها به جای یکی از زن هایش زن دیگری را طلاق دهد، این طلاق باطل و از درجه اعتبار ساقط است. قصد طلاق باید به طور منجز بیان شود. یعنی طلاق دهنده باید جازم و قاطع باشد. اگر طلاق به نحوه معلق واقع شود، یعنی تحقق آن منوط به وقوع امری باشد، چنانکه مرد به زنش بگوید: طلاق دادم، اگر تا سه ماه دیگر آبستن نشوی طلاق باطل است.

ماده ۱۱۳۵ قانون مدنی

طلاق باید منجز باشد و طلاق معلق به شرط باطل است.

بلوغ و عقل

طبق ماده ۱۱۳۶ قانون مدنی، طلاق دهنده باید بالغ و عاقل باشد. منظور از بالغ کسی است که به سن پانزده سال تمام قمری رسیده باشد. صغیر حتی با اجازه ولی یا قیم خود نمی تواند زن خویش را طلاق گوید و نیز از آنجا که طلاق امری شخصی است که خود شخص باید درباره آن تصمیم بگیرد ولی یا قیم مجاز نیست که زوجه مولی علیه خود را به نمایندگی از او طلاق دهد.

طلاق مجنون

مجنون دائمی نمی تواند شخصا زنش را طلاق دهد، چون فاقد درک و اراده حقوقی است و اعمال حقوقی او باطل است.

ماده ۱۱۳۷ قانون مدنی در این زمینه می گوید: ولی مجنون دائمی می تواند در صورت

مصلحت مولی علیه زن او را طلاق دهد. ولی در این ماده اعم از ولی قهری، وصی یا قیم است.

طلاق سفیه

چون حجر سفیه محدود به امور مالی است و طلاق را نمی‌توان از این امور محسوب داشت، طلاق سفیه بی اشکال است و او می‌تواند با رعایت مقررات و تشریفات زنش را طلاق دهد.

ب) شرایط مطلقه

پاکی زن

طبق ماده ۱۱۴۰ قانون مدنی، «طلاق زن در مدت عادت زنانگی یا در حال نفاس صحیح نیست». نفاس حالتی است مانند عادت زنانگی که هنگام زایمان و مدتی بعد از آن در زنان پیدا می‌شود و مدت آن حداکثر ده روز بعد از زایمان است. به هر حال طلاق در حال عادت زنانگی و نفاس باطل است، مگر در سه مورد زیر:

اول - طلاق زن آبستن:

معمولاً در دوران حاملگی عادت زنانگی و نفاس وجود ندارد. معهذا چون در بعضی از زنان حتی در دوران بارداری حال قاعدگی دیده می‌شود، قانون‌گذار به عنوان استثناء پاکی زن را در این مورد شرط ندانسته است (ماده ۱۱۴۰)

دوم - طلاق که قبل از نزدیکی واقع شود:

هرگاه قبل از نزدیکی بین زوجین مساله طلاق عنوان شود، چون هنوز ازدواج پایدار نشده و فرزندی از آن به بار نیامده، قانون‌گذار طلاق را آسان‌تر کرده و پاکی زن را شرط قرار نداده است (ماده ۱۱۴۰ ق.م).

سوم - طلاق از طرف شوهر غایب:

اگر شوهر غایب باشد، یعنی در زمان طلاق در محل سکونت زن نباشد و نتواند اطلاع حاصل کند که زن در حال طهر است یا نه، می‌تواند زن خود را طلاق دهد و در این صورت نیز پاکی زن شرط صحت طلاق نیست (ماده ۱۱۴۰)

عدم وقوع نزدیکی از پایان عادت زنانگی تا هنگام طلاق

علاوه بر اینکه زن در زمان وقوع طلاق باید پاک باشد، طلاق هنگامی صحیح است که از زمان پاک شدن تا زمان وقوع طلاق نزدیکی بین زوجین روی نداده باشد. در اصطلاح حقوقی می‌گویند: زن باید در طهر غیر مواقعه باشد. ماده ۱۱۴۱ قانون مدنی در این باره چنین مقرر می‌دارد: «طلاق در طهر مواقعه صحیح نیست، مگر اینکه زن یائسه یا حامل باشد».

بنابراین اگر پس از پاک شدن زن، مرد با او نزدیکی کرده باشد، نمی‌تواند او را طلاق دهد، مگر اینکه صبر کند که زن از نو عادت شود و پاک گردد و آنگاه اقدام به طلاق کند. فقط در مورد زن یائسه (زنی که بر اثر زیادی سن عادت زنانگی نبیند و از آبستن شدن مایوس است) و زن آبستن رعایت این شرط لازم نیست و طلاق در طهر مواقعه نیز صحیح است.

اقسام طلاق در قانون مدنی

طلاق در قانون مدنی دو نوع است:

۱- طلاق رجعی

۲- طلاق بائن

ماده ۱۱۴۳ قانون مدنی:

طلاق بردو قسم است - بائن و رجعی

الف) طلاق بائن

طلاق بائن که در بین مردم به طلاق خلعی معروف است طلاق است که در زمان عده برای شوهر حق رجوع نیست. موارد زیر طلاق بائن است: ۱- طلاق که قبل از زناشویی واقع شود. در این صورت نیاز به نگهداشتن عده نیست و مستحق دریافت نصف مهریه است. ۲- طلاق زن یائسه (یائسه زنی است که به اقتضای سن که معمولاً پنجاه سالگی است عادت زنانگی نمی‌بیند و زمان بارداری او به پایان رسیده است). ۳- طلاق خلع و مبارات، توضیحا اضافه می‌کند طلاق خلع طلاق است که زن به لحاظ کراهت

(بیزاری) از شوهرش با بخشیدن مالی به او طلاق می‌گیرد و طلاق مبارات طلاق است که این بیزاری دو طرفه باشد (زن و شوهر از هم بیزار باشند و میلی به ادامه زندگی نداشته باشند). ۴- سه طلاق (یعنی سومین طلاق) که بعد از سه وصلت پی در پی بوجود آید) طلاق‌هایی که از طرف دادگاه خانواده به تقاضای زوج و به لحاظ عسر و حرج صادر می‌شود جزء در یک مورد (طلاق زوجه غایب مفقود الاثر) که رجعی است در بقیه موارد بائن است یعنی شوهر حق رجوع ندارد. زیرا رجعی بودن این گونه طلاق‌ها با فلسفه وجودی دادگاه‌های خانواده و مفاد ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی منافات دارد. ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوج باشد وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند، چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق کند و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.

ماده ۱۱۴۵ قانون مدنی:

در موارد ذیل طلاق بائن است ۱- طلاق که قبل از نزدیکی واقع شود. ۲- طلاق یائسه. ۳- طلاق خلع و مبارات مادام که زن رجوع بعوض نکرده باشد. ۴- سومین طلاق که بعد از سه وصلت متوالی به عمل آید اعم از اینکه وصلت در نتیجه رجوع باشد یا در نتیجه نکاح جدید.

ب) طلاق رجعی

طلاق است که در آن برای شوهر در مدت عده حق رجوع است و این رجوع به هر لفظ یا فعلی حاصل می‌شود که دلالت بر رجوع کند مشروط به اینکه مقرون به رجوع باشد. عده در این طلاق ۳ ماه است. زن در ایام عده مستحق دریافت نفقه است. ثبت رجوع طبق مقررات الزامی است و چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی مبادرت به رجوع نماید به مجازات مقرر در ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد.

ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی:

در طلاق رجعی برای شوهر در مدت عده حق رجوع است.

ماده ۱۱۴۹ قانون مدنی:
رجوع در طلاق به هر لفظ یا فعلی حاصل می‌شود که دلالت بر رجوع کند مشروط بر اینکه مقرون به قصد رجوع باشد.

تفاوت طلاق مبارات و طلاق خلع

تفاوت بین طلاق مبارات و طلاق خلع این است که در مبارات تنفر و کراهت از جانب زن (زوجه) است ولی در طلاق مبارات هر دو زوج و زوجه نسبت به یکدیگر دارای کراهت هستند، از همین رو عوض طلاق نمی‌تواند از مهریه بیشتر باشد.

تفاوت طلاق رجعی و بائن

الف) در طلاق رجعی زن استحقاق نفقه دارد ولی در طلاق بائن زن مستحق دریافت نفقه نیست مگر اینکه باردار باشد.

ب) در طلاق رجعی توارث میان آنها برقرار است ولی در طلاق بائن رابطه توارث وجود ندارد.

ج) در طلاق رجعی برای خروج از منزل باید از شوهر استیذان نماید و در غیر این صورت ناشزه محسوب می‌شود ولی در طلاق بائن آزاد است.

د) در طلاق بائن مرد می‌تواند در ایام عده با خواهر او ازدواج کند.

صلاحیت شورای حل اختلاف در موضوعات خانواده

دعای مربوط به مهریه و جهیزیه و نفقه تا سقف بیست میلیون تومان در صلاحیت شورای حل اختلاف خواهد بود مشروط بر این که، این سه دعوی به طور مستقل مطرح شده باشند و دادگاه خانواده قبلاً در ضمن آراء خود در مورد دعای و اختلافات خانوادگی، به این موارد رسیدگی نکرده باشد.

مواردی که شورای حل اختلاف اصلاً نمی‌تواند رسیدگی کند و حتی با توافق طرفین نیز قابل طرح در شورا نیست: اختلاف در اصل نکاح (ازدواج)، اصل طلاق، فسخ نکاح، رجوع، نسب.

مرجع رسیدگی کننده به طلاق توافقی

به موجب ماده ۴ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۹ رسیدگی به امور و دعاوی زیر در صلاحیت دادگاه خانواده است.

نامزدی و خسارات ناشی از برهم زدن آن، نکاح دائم، موقت و اذن در نکاح، شروط ضمن عقد نکاح، ازدواج مجدد، جهیزیه، مهریه، نفقه زوجه و اجرت‌المثل ایام زوجیت، تمکین و نشوز، طلاق، رجوع، فسخ و انفساخ نکاح، بذل مدت و انقضای آن، حضانت و ملاقات طفل، نسب، رشد، حجر و رفع آن، ولایت قهری، قیمومت، امور مربوط به ناظر و امین اموال محجوران و وصایت در امور مربوط به آنان، نفقه اقارب، امور راجع به غایب مفقودالاثَر، سرپرستی کودکان بی سرپرست، اهدای جنین، تغییر جنسیت.

نکات و موارد مهم مربوط به خانواده

*تعلیق در عقد نکاح موجب بطلان است.

*اگر عقد نکاحی حتی قبل از نزدیکی به هم بخورد زن مستحق دریافت نصف مهریه است.

*شرط خیار فسخ برای عقد نکاح باطل است.

*عقد نکاح از عقود لازم است و در آن شرط خیار فسخ و اقاله، ساری، جاری نیست.

*در نکاح منقطع عدم مهر در عقد موجب بطلان است.

*عقد نکاح بدون مهر صورت گیرد عقد نکاح صحیح و نافذ است.

*اگر مرد مال متعلق به دیگری را مهر تعیین کند و مورد توافق زوجه قرار گیرد این توافق غیر نافذ است و در صورتی که مرد آن را ندهد مهر باطل است.

*در صورت مجهول بودن و مالیت نداشتن مهریه، زن مستحق مهر المثل است.

*در صورت مال غیر بودن مهریه، زوجه مستحق مثل یا قیمت آن خواهد بود با تنفیذ اصیل.

*در صورت قرار دادن مال دولت به عنوان مهریه، مهر المثل یا قیمت آن داده می‌شود.

*مهریه بعد از عقد و قبل از نزدیکی = مهر المسمی

*اگر نکاح دائم بر اثر فوت یکی از زوجین منحل شود هیچ تاثیری در مهر المسمی ندارد.

*اگر قبل از نزدیکی مشخص گردد عقد نکاح باطل است در این صورت زن مستحق مهر نیست.

*اگر بدون مهر عقد ازدواج دائم نمایند = صحیح است و زن مستحق مهر المثل است.

*در عقد نکاح صفت خاصی شرط شده و بعد معلوم شود که طرف فاقد وصف بوده = طرف مقابل حق فسخ نکاح را خواهد داشت.

*در فسخ نکاح اگر زوجه باکره باشد مهریه‌ای تعلق نمی‌گیرد.

*اگر فسخ نکاح به واسطه عنن مرد باشد زن می‌تواند نصف مهر المثل را دریافت کند.

*در صورت فسخ نکاح به دلایل تدلیس چه بعد از وقوع نزدیکی چه قبل از نزدیکی مهریه‌ای تعلق نمی‌گیرد.

* اگر یکی از زوجین قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی بمیرد = مستحق هیچ گونه مهری نخواهد بود.

* هر گاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر بعد از نزدیکی با زن، وی را طلاق دهد مهر المثل تعلق می‌گیرد.

* در صورت جهل زن به فساد نکاح و وقوع نزدیکی زن مستحق مهر المثل است. اگر نکاح باطل باشد و نزدیکی صورت بگیرد = مهر المثل.

* هر گاه عقد نکاح قبل از نزدیکی به جهتی فسخ شود زن حق مهریه ندارد مگر در صورتی که موجب فسخ عنن باشد که در این صورت نصف مهریه است.

* در صورتی که عقد نکاح اعم از دایم یا منقطع باطل بوده و نزدیکی واقع نشده، زن حق مهر ندارد و اگر مهر را گرفته، شوهر حق استرداد را دارد.

* شوهری در حال مرض زن خود را طلاق می‌دهد و ده ماه پس از طلاق می‌میرد زن از دواج نکرده و وارث منحصر به فرد آن متوفی می‌باشد در این صورت فقط نصیب خود را ارث می‌برد.

* شخصی از مردی ضمانت کرده که نفقه گذشته و نیز نفقه آینده همسر او را بپردازد. طبق قانون مدنی عقد ضمان مزبور نسبت به نفقه معوقه صحیح و نسبت به نفقه آینده نیز صحیح است.

* زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند حق حبس در اینجا مطلق و وظایف شرعی و قانونی را در بر می‌گیرد.

* در صورت مجنون شدن مرد پس از عقد نکاح دایم زن فقط حق فسخ دارد.

*اعمال حقوقی طلاق را نمی‌توان به صورت شرط نتیجه ضمن عقد آورد.

*حداقل سن نکاح برای دختر ۱۳ سال تمام قمری و برای پسر ۱۵ سال تمام قمری خواهد بود.

*مردی باغی را مهر همسر خود قرار می‌دهد. پس از شش ماه مرد قبل از نزدیکی همسر خود را طلاق می‌دهد در این صورت مرد مالک نیمی از باغ می‌شود و نسبت به منافع شش ماهه حقی ندارد (ماده ۱۰۸۲ ق.م).

*وقوع رجوع منوط به ابلاغ اراده شوهر به زن نیست (ماده ۱۱۴۹ ق.م و زیر نویس ۱ نظم کنونی دکتر کاتوزیان).

*اگر زن و مردی پس از طلاق راجع به نحوه حضانت فرزند ۸ ساله خود قرارداد ببندند در خصوص اعتبار این توافق‌نامه، دادگاه تنها با مصلحت کودک می‌تواند بر خلاف قرارداد در خصوص حضانت کودک تصمیم بگیرد.

*مهبری که در فرض وقوع طلاق قبل از تعیین مهر و قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی به عهده مرد قرار می‌گیرد، مهر المتعه است.

*نحله با توجه به سنوات زندگی مشترک و نوع کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده و وسع مالی زوج تعیین می‌شود.

*در مهر المتعه حال زن از حیث غنا و فقر ملاحظه می‌شود.

*مهبری که زن و مرد در هنگام عقد ازدواج با تراضی تعیین می‌کنند = مهر المسمی.

*اگر مهر المسمی مجهول یا مالیت نداشته باشد، زن مستحق مهر المثل خواهد بود.

* شرط انتقال تا نصف دارایی زوج اگر نپذیرد، زن می‌تواند از حق مطالبه اجرت المثل ایام زوجیت استفاده کند.

* در مطالبه مهر المثل خدمات سال‌های زندگی مشترک زن باید ثابت کند که خدمات او تبرعی نبوده است.

* زن و شوهر می‌توانند اختیار تعیین مهر را به یکی از زوجین یا دیگری واگذار کنند که در این صورت آن را مفوضه المهر می‌گویند.

* اگر مهر المسمی مال غیر باشد و صاحب مال آن را اجاره نکند در این صورت زن مستحق مثل یا قیمت آن خواهد بود.

* برای مهر المثل حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت اقرن و اقارب در نظر گرفته می‌شود.

* مهر المثل مهری است بر حسب عرف و عادت و با لحاظ وضعیت زن از حیث صفات و ویژگی‌های خانوادگی و اجتماعی و مقتضیات زمانی و مکانی تعیین می‌شود.

* هرگاه در عقد نکاح مهر ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر، زن خود را طلاق دهد زن مستحق مهر المتعه است.

* برای تعیین مهر المتعه حال زن از حیث غنا و فقر ملاحظه می‌شود.

* طلاقی که زن به واسطه کراهتی که از شوهر خود دارد در مقابل مالی را به وی می‌دهد طلاق بگیرد، طلاق خلع است.

* طلاق عدی = مرد همسرش را طلاق می‌دهد و سپس در زمان عده به او رجوع و با وی آمیزش می‌کند.

*طلاق مبارات = آن است که کراهت از طرفین باشد ولی در این صورت عوض باید زائد بر میزان مهر نباشد.

*طلاق با توافق طرفین از نوع طلاق بائن است یعنی شوهر حق رجوع ندارد یعنی رابطه زوجیت قطع می‌شود.

*در صورتی که مرد مفقودالایثر باشد، زن عده وفات نگه می‌دارد و در صورت پیدا شدن مرد در ایام عده حق رجوع دارد.

*عده وفات چهار ماه و ده روز است مگر آنکه بعد از این مدت وضع حمل کند که در این صورت تا زمان وضع حمل است.

*اگر مرد غایب مفقودالایثر بعد از صدور حکم و اجرای صیغه برگردد حق رجوع دارد اگر عده تمام شود حق رجوع ندارد.

*عده وفات چه در دائم و چه در منقطع چهار ماه و ده روز است.

*هر گاه زنی که عده رجعیه را می‌گذراند شوهرش فوت کند باید عده رجعیه را رها کند و عده وفات را اتخاذ کند.

*عده وفات در طلاق بائن نیست.

*زن یائسه یعنی زنی که عادت ماهیانه نمی‌شود و باروری خود را از دست داده نه عده طلاق دارد و نه عده فسخ نکاح ولی عده مرگ همسر دارد.

*نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت از قبیل مسکن، البسه، منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت.

*نفقه از جمله جرائم مستمر به شمار می‌رود یعنی در صورت عدم پرداخت به دفعات قابل شکایت کیفری می‌باشد.

*نفقه زوجه در صورت غایب مفقود الاثر بودن زوج، زوجه به دادگاه مراجعه و حاکم شرع از اموال غایب به قدر نفقه می‌دهد.

*نفقه زوجه در صورت مجنون بودن زوج، دادگاه نصب قیم می‌نماید تا اداره اموال او را به عهده بگیرد.

*نفقه مربوط به حال از طریق کیفری قابل مطالبه و نفقه مربوط به گذشته با ارائه دادخواست حقوقی قابل پرداخت است.

*نفقه با یکی از سبب‌های سه گانه زوجیت، قرابت، مالکیت واجب است. نفقه به همسر (زن) به سبب زوجیت- فرزندان، پدر و مادر به سبب قرابت و غلام و کنیز به سبب مالکیت.

*نفقه زن در انجام واجب شرعی بر عهده شوهر است و ناشیزه محسوب نمی‌شود.

*نفقه زن دائم مقدم بر فرزندان است.

*نفقه زوجه حقی است که بر دین زوج است، فرقی نمی‌کند زوج دارا باشد یا ندارد، زوجه مطالبه کند یا نکند.

*نفقه زن با در نظر گرفتن شئونات و تحصیلات و خانواده پدری تعیین می‌شود.

*نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد طن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر.

*پرداخت نفقه با توجه به قدرت مالی او خود شوهر مقدم بر زنش و زن مقدم بر نزدیکانش است و نفقه خودش یعنی مقدار روزی روز و شبش و نیز پوششی که لایق حالش می‌باشد و نیز هر چیزی که اضطرار به او پیدا می‌کند.

*نفقه اقارب محدود به مسکن، اثاثیه، منزل، لباس و غذا به قدر رفع حاجت.

*نفقه زن مشروط به فقر زن یا تمکین مرد نیست.

*نفقه افراد واجب النفقه غایب از وجوه نقد یا منافع اموال داده می‌شود در صورت عدم کفایت از اموال منقوله یا غیر منقوله.

*نفقه متولد از زنا هر چند عده‌ای از حقوق دانان می‌گویند که بر عهده هیچ کس نیست ولی بر عهده پدر و جد پدری است.

*نفقه تاجر ورشکسته = مدیر تصفیه.

*نفقه اقلیت‌های مذهبی بر اساس احوال شخصیه است.

*نفقه تاجر ورشکسته این چنین است اینکه تاجر ورشکسته باید نفقه خود و خانواده اش را از دارایی خود درخواست کند در این صورت عضو ناظر نفقه مقدار آن را با تصویب محکمه تعیین می‌کند.

*پدر مکلف به پرداخت نفقه فرزند است اگر فرزند شغلی برای امرار معاش خود نداشته باشد.

*زوجه در هر حال می‌تواند برای نفقه زمان گذشته خود اقامه دعوا نماید و اقارب نیز نفقه آینده را مطالبه کنند.

*در ایام عده وفات مخارج زندگی زوجه عندالمطالبه از اموال اقارب که پرداخت نفقه به عهده آن است تامین می‌گردد.

*اقارب در خط عمودی نزولی مقدم بر اقارب در خط عمودی صعودی هستند.

*شکایت ترک انفاق از زمره شکایتهای قابل گذشت محسوب می‌شود و اعلام رضایت باعث موقوفی تعقیب و موقوفی اجرای رای یا تخفیف در مجازات می‌شود.

*پرداخت نکردن نفقه زن به حبس تعزیری درجه شش (شش ماه تا دو سال) و در صورت داشتن استطاعت مالی، پرداخت نکردن سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس می‌باشد.

*تکلیف مرد به دادن نفقه زن هرگز ساقط نمی‌شود.

*مرد اگر تا شش ماه نفقه را نپردازد، زن حق طلاق دارد.

مرد برای نفقه گذشته که محکوم شده است می‌تواند دادخواست اعسار بدهد.

*اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا وضع حمل حق نفقه خواهد داشت.

*مدت اعتراض به کارشناس نفقه هفت روز است.

*نشوز مانع استقرار نفقه است ولی زن برای گرفتن نفقه نیازی به اثبات تمکین خود ندارد.

*میزان نفقه اقارب به وضع مالی منفق بستگی دارد.

* اگر مستحق نفقه مادر و اولاد بلافصل داشته باشند نفقه او را باید مادر و اولاد متساوی بدهند.

* اگر اقارب واجب النفقه متعدد باشند و منفق نتواند همه آنها را بدهد اقرب در خط عمودی نزولی (فرزندان) مقدم بر اقارب در خط عمودی صعودی (پدر و مادر) هستند.

* اگر مستحق نفقه پدر و مادر و اولاد بلافصل داشته باشند، نفقه او را باید پدر و اولاد او متساویاً تادیه کند.

* در صورت ندادن نفقه حاکم زوج را اجبار می کند که طلاق دهد و همچنین در صورت عجز شوهر از دادن نفقه.

* ابتلای زوج به امراض مقاربتی مانع حق نفقه نخواهد بود.

* در مدت فاصله میان عقد و انجام ازدواج، نفقه به زن تعلق نمی گیرد مگر اینکه زن جهت شروع به زندگی اعلام آمادگی کرده باشد.

* اگر طلاق به لحاظ عدم تمکین و عدم اطاعت زوجه صادر شده باشد نفقه‌ای به وی تعلق نمیگیرد در طلاق بائن و در فسخ نکاح نیز تعلق نمیگیرد.

* زن می تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.

* در مورد فرزندان مشترک الزام مرد به پرداخت نفقه از تاریخ تقدیم دادخواست امکان پذیر است.

* در طلاق خلع مرد از پرداخت نفقه معاف است.

*مردی که چیزی برای ادای نفقه ندارد واجب است به هر وسیله مشروعی که شده آن را بدست آورد.

*کارشناسان در تعیین نفقه به توان مالی مرد توجه می‌کنند اگر توان مالی خوبی باشد نفقه بالایی برای زن تعیین می‌شود.

*لزوم پرداخت نفقه اقارب برای جلوگیری از گرسنگی است.

*زوجه می‌تواند نفقه گذشته خود را نیز از مرد مطالبه نماید در صورتی که نفقه فرزندان قابل مطالبه نیست.

*با انعقاد علقه زوجیت مرد متعهد به پرداخت نفقه می‌گردد که البته شرط استحقاق زن، تمکین می‌باشد.

*اولاد تا هیجده سالگی و در صورت ادامه تحصیلات تا ختم دانشگاه نفقه با پدر می‌باشد.

*افراد ذکور، مهجور، معلول یا ارای معایب باشند نفقه آنها را باید پدر پرداخت نماید.

*سلسله مراتب خویشاوندان ملزم به پرداخت نفقه = ۱- پدر ۲- پدر بزرگ پدری ۳- مادر ۴- مادر بزرگ پدری ۵- مادر بزرگ مادری ۶- پدر بزرگ مادری.

*در نکاح منقطع شوهر به پرداخت نفقه نیست مگر اینکه شرط شده باشد.

*زن اگر بدون دلیل موجه و بدون موافقت شوهر خانه را ترک کند مرد می‌تواند نفقه را پرداخت نکند و اگر بدون دلیل از تمکین همسرش خودداری کند ناشیزه محسوب می‌شود.

*در صورتی که بیم بدنی مالی یا شرافتی در خانه مشترک باشد زن به مکان امنی رفته و شوهر مکلف به پرداخت نفقه است.

*زن اگر درآمد مستقلی داشته باشد مرد را از پرداخت نفقه معاف نمی‌کند.

*زن می‌تواند در ایام عده نفقه خود را مطالبه کند.

*در صورتیکه دادگاه حکم به سکونت زوجه در منزل جداگانه صادر نماید زوج مکلف به پرداخت نفقه است و ترک آن جرم و قابل مجازات است.

*اقرار زوج به عدم استطاعت مالی جهت پرداخت نفقه از مسادیق عسر و حرج است.

*زندانی شدم زوجه فورس ماژور محسوب می‌شود و مانع تمکین است و نفقه تعلق می‌گیرد.

*ترک انفاق متولد از زنا جرم بوده و مرتکب قابل تعقیب و مجازات است.

*عدم تمکین زوجه و عدم استطاعت مرد به پرداخت نفقه از موجبات صدور قرار اناطه نمی‌باشد.

*در تعیین میزان نفقه توسط کارشناس موارد فوق حائز اهمیت است ۱- تمکین یا عدم تمکین زوج و زوجه ۲- میزان حقوق و یا درآمد زوجه ۳- اشتغال زوجه ۴- میزان درآمد زوجه ۵- میزان تحصیلات زوجه ۶- سطح زندگی و طبقه اجتماعی زوجه.

*زوجه نمی‌تواند زوج را مجبور به سکونت در منزل پدر و مادر خود بنماید هر چند مسکن آنها متناسب با وضعیت زوجه باشد.

*تمکین عبارت است از نیازهای شوهر و اجابت کردن خواسته‌های مشروع او.

*هزینه متعارف پدران شهید در اختیار ولی شرعی است و اگر از طریق بودجه دولت یا از بنیاد شهید پرداخت شود در اختیار مادرشان قرار می‌گیرد.

*تمکین خاص عبارت است از نیازهای غریزی و تمکین عام فرمانبرداری در تمام امور کل زندگی.

*حقوق و تکالیف زوجین انعقاد عقد ازدواج دائم است.

*تعیین نیازهای مادی هر زندگی بستگی به عرف دارد.

*دادن حق طلاق بدون قید و شرط به زن صحیح است زیرا با مقتضیات اطلاق عقد است.

*متولد فرزندان زن ایرانی با خارجی، ایرانی است چون مادر در ایران متولد شده است. بند ۴ ماده ۹۷۶ ق م.

*در فسخ نکاح رعایت ترتیباتی که برای طلاق مقرر است شرط نیست.

*تدلیس در ازدواج حق فسخ می‌باشد و شش تا دو سال حبس محکوم می‌شود.

*ولی جنون دائمی می‌تواند در صورت مصلحت مولی علیه زن او را طلاق دهد.

*صحت طلاق این است که زن در حال حیض و نفاس نباشد طلاق در این حالت باطل و بلا اثر است.

*طلاق در طهر موقعه صحیح نیست مگر اینکه زن یائسه یا حامل باشد.

* طلاق زنی که با وجود اقتضای سن عادت زنانگی نمی‌شود وقتی صحیح است که از تاریخ آخرین نزدیکی با زن سه ماه گذشته باشد.

* اگر شوهر مفقودالاثر باشد و حاکم او را طلاق داده باشد باید عده وفات نگه دارد.

* اگر شوهر فوت کند و دیه‌ای به ورثه برسد با توجه به اینکه مهریه جزء دین ممتاز است همسر می‌تواند قبل از تقسیم دیه، مهریه خود را از دیه مطالبه کند.

* شوهر اجازه فروش جهیزیه همسر را ندارد و تا زمان بقای زندگی مشترک حق استفاده از این اموال را دارد.

* اگر مرد بدون اذن همسرش جهیزیه وی را بفروشد برابر قانون مسئول است و زن می‌تواند به عنوان فروش مال غیر از وی شکایت کند.

* حضانت کودک دختر و پسر تا هفت سال با مادر و بعد از آن با پدر است.

* با اثبات موارد عسر و حرج در ازدواج موقت نیز می‌توان به حکم دادگاه زوج را اجبار به بذل مدت و در صورت میسر نشدن آن، حکم به انحلال زوجیت صادر نمود.

* هر شرطی را نمی‌توان با توافق طرفین در عقد نامه ذکر کرد.

* زوجه هر تصرفی را که بخواهد می‌تواند در اموال خود مانند جهیزیه و اموال به ارث رسیده انجام دهد و زوج نمی‌تواند از آن جلوگیری کند.

* در صورتی که بین نکاح دائم و منقطع اختلاف حاصل شود اصل بر نکاح دائم است.

* از آثار عقد موقت ارث نبردن طرفین از یکدیگر، تعیین مدت معین و نداشتن نفقه در خلال مدت زوجیت است.

*اگر زن قبل از صدور حکم الزام به تمکین به منزل مشترک برگردد، دعوی تمکین مردود و زن مستحق نفقه خواهد بود.

*افراد کور و گنگ و نابالغ و محجور نمی‌توانند به عنوان شاهد در دفتر خانه ثبت ازدواج حاضر شوند.

*زن می‌تواند به موجب دادخواست، استرداد جهیزیه خود را از دادگاه خواسته و برای اثبات ارقام جهیزیه، سیاهه جهیزیه که به امضاء زوج رسیده باشد، یا شهادت شهود یا اقرار شوهر لازم است.

*زن می‌تواند بابت حقوق همسر، حساب‌های بانکی و مطالبات او از اشخاص ثالث و اموال وی را توقیف کند.

*انتقال اموال از سوی مرد چنانچه پس از مطالبه مهریه و حاکی از فرار دین باشد، قابل ابطال است.

*ارائه گواهی پزشک مبنی بر سلامت نامزدها الزامی است اما دختران از ارائه گواهی پزشک در امراض زهروی معاف می‌باشند.

*ارائه گواهی پزشک در ازدواج فامیلی هم ضروری است.

*زوجه علاوه بر محل اقامت خوانده و محل اقامت خود، می‌تواند برای مطالبه مهریه به دادگاهی رجوع کند که عقد نکاح در آن واقع شده است.

*ارائه گواهی وجود یا عدم وجود جنین از پزشک و آزمایشگاه و گواهی عدم امکان سازش برای طلاق لازم و ضروری می‌باشد.

*در طلاق رجعی اجرای صیغه طلاق موکول به تادیه حقوق شرعی اعم از مهریه و نفقه و جهیزیه است.

*هر گاه مهر از جمله‌ی اموال غیر منقول باشد، زوجه ناگزیر است به دادگاهی مراجعه کند که مال غیر منقول در حوزه آن قرار دارد.

*در طلاق رجعی گواهی کتبی اسکان زوجه در منزل مشترک تا پایان عده الزامی است.

*اگر شوهر زن خود را اجباراً به خانه اش ببرد، عمل وی نه آدم ربایی است نه سرقت.

*ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران است.

*حق ملاقات اطفال در صورت عدم توافق والدین با دادگاه می‌باشد.

*انتخاب داور در دعاوی خانوادگی هم با درخواست طرفین و هم با صلاحدید دادگاه می‌باشد.

*اگر زوجین نتوانند با یکدیگر زندگی کنند و علیه همدیگر شکایت کنند دادگاهی که اول، شکایت در آن مطرح شده است صالح به رسیدگی می‌باشد.

*در موارد زیر مرد می‌تواند همسر دوم اختیار نماید. عدم تمکین زن، رضایت همسر، عقیم بودن زن و مفقود الاثر بودن زن.

*اگر کار کردن زن منافی مصالح خانواده باشد و یا حیثیت خانوادگی را زیر سوال برد مرد می‌تواند از دادگاه در خواست عدم کار کردن زن را بنماید.

* با فوت همسر، مطالبه اجرت المثل از سوی زوجه پذیرفته نیست.

* بر اساس قانون ترویج تغذیه با شیر مادر، مادران مشمول می‌توانند در طول روز حداکثر یک ساعت مرخصی بگیرند.

* اگر اختیار تعیین مهر به شخص ثالث داده شود شخص ثالث در تعیین مهر به هر میزان، مختار است. (نص ماده ۱۰۸۷۹ ق م)

* در عقد نکاح در دو فرض اینکه الف: عدم رعایت مصلحت موکل ب: خروج از حدود اختیارات توسط وکیل: در هر دو فرض نکاح غیرنافذ و منوط به تنفیذ موکل است (نص ماده ۱۰۷۳ و ۱۰۷۴ ق.م).

* در صورتی که هر یک از زوجین برای نکاح، دیگری را به خصوصیاتی فریب دهد، علاوه بر رسیدگی کیفری، تقاضای فسخ نکاح و مطالبه خسارت نیز امکان پذیر است.

* اگر دادگاه حضانت طفل را بر عهده کسی قرار دهد و کسی از این عمل ممانعت به عمل آورد به حبس تادیبی محکوم می‌شود حتی اگر والدین باشد.

* در صورت مخالفت پدر با ازدواج دختر، وی می‌تواند با معرفی همسر خود، شرایط مهریه و... از دادگاه اذن در ازدواج بگیرد.

* در صورتی که مرد بر خلاف شرایط ضمن عقد مبادرت به ازدواج مجدد نماید، زن حق دارد در خواست طلاق کند.

* وقایع حیاتی انسان عبارتند از: ولادت- ازدواج- طلاق- رجوع- بذل مدت و وفات.

* هر گاه زوجه در موقع ازدواج خود را دوشیزه قلمداد بکند و خلاف آن ثابت شود، مرد حق فسخ نکاح را دارد.

*در عقد موقت زن می‌تواند شرط کند که زوجه برای وی نفقه ماهیانه تعیین نموده و در صورت عدم انجام، نسبت به مطالبه اقدام نماید.

*سکوت زوجه در تقسیم ترکه و عدم مطالبه، به معنی اسقاط حق او بر مهریه نیست.

*در صورت فوت پدر، حضانت طفل با مادر زنده است هر چند این طفل جدپدري یا قیم داشته باشد مگر در صورت عدم صلاحیت مادر.

*اگر زوج بتواند اثبات کند که همسرش در زمان عقد ازدواج نابینا بوده است یا به لحاظ جسمی قابلیت روابط زناشویی نداشته است یا حداقل توان جسمی برای انجام امور زندگی نداشته است (زمین‌گیر باشد) می‌تواند نکاح را فسخ نماید.

*حضور کودکان زیر پانزده سال در جلسات رسیدگی به دعاوی خانوادگی جز در موارد ضروری که دادگاه تجویز می‌کند ممنوع است.

*رسیدگی در دادگاه خانواده با تقدیم دادخواست و بدون رعایت سایر تشریفات این دادرسی مدنی انجام می‌شود.

*دادگاه می‌تواند برای فراهم کردن فرصت صلح و سازش جلسه دادرسی را به درخواست زوجین یا یکی از آنان حدکثر برای دو بار به تاخیر اندازد.

*در صورتی که طلاق توافقی یا به درخواست زوج باشد، دادگاه به صدور گواهی عدم امکان سازش اقدام و اگر به درخواست زوجه باشد، حسب مورد مطابق قانون به صدور حکم الزام زوج به طلاق یا احراز شرایط اعمال وکالت در طلاق مبادرت می‌کند.

*هرگاه عدم امکان سازش بنا بر توافق زوجین صادر شده باشد، در صورتی که زوجه بنا بر اعلام دادگاه صادرکننده رای و یا به موجب سند رسمی در اجرای صیغه طلاق وکالت بلا عزل داشته باشد، عدم حضور زوج، مانع اجرای صیغه طلاق و ثبت آن نیست.

*هر گاه مسئول حضانت از انجام تکالیف مقرر خودداری نماید یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذی حق شود، برای بار اول به پرداخت جزای نقدی درجه هشت و در صورت تکرار به حداکثر مجازات مذکور محکوم می‌شود.

*هر کس در دادگاه زوجیت را انکار کند و سپس ثابت شود این انکار بی‌اساس بوده است یا بر خلاف واقع با طرح شکایت کیفری یا دعاوی حقوقی مدعی زوجیت با دیگری شود به حبس تعزیری درجه شش و یا جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود.

*حق ملاقات مادر با طفل در هر صورت ثابت است و این حق را نمی‌توان حتی از مادر فاسدالاخلاق دریغ نمود. در صورت فاسدالاخلاق بودن مادر می‌توان در یک محیط مناسب و با حضور اشخاص مورد اعتماد ملاقات بین مادر و فرزند برقرار کرد.

*در صورتی که به علت طلاق یا به هر علت دیگر ابوین طفل در یک منزل سکونت نداشته باشند هر یک از ابوین که طفل تحت حضانت او نمی‌باشد حق ملاقات طفل خود را دارد تعیین زمان مکان ملاقات و سایر جزئیات مربوطه به آن در صورت اختلاف بین ابوین با دادگاه خانواده می‌باشد. در مورد ملاقات نیز چنانچه فرزند بالغ تمایلی به ملاقات مادر نداشته باشد الزام وی به انجام ملاقات موجه نیست.

دادخواست‌های موضوعات خانواده

برگ دادخواست ابطال عقد ازدواج به علت عدم رعایت غبطه و مصلحت (فرم ۱)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	حسن	حاجی پور	قربان	وکیل	شهرستان هریس، جنب دادگستری
تعیین خواسته و بهای آن					ابطال عقد ازدواج به علت عدم رعایت غبطه و مصلحت
دلایل و منضمات دادخواست					کپی مصدق: ۱- عقدنامه، ۲- استشهادیه، ۳- شهادت شهود عندالافتضاء،
ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»					
با سلام احتراماً به استحضار می‌رساند:					
اینجانبه در اثر اعمال ولایت پدر / جد پدری و اجبار وی به موجب عقدنامه شماره مورخ دفترخانه شماره «شماره و نام شهرستان» عقد ازدواج دائم آقای درآمده‌ام. نظر به اینکه انعقاد عقد نکاح مذکور در صفر سنی و بدون رعایت غبطه و مصالح اینجانبه و صرفاً وفق نظر و خواست ولی قانونی من بوده است فلذا به استناد ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی صدور حکم به ابطال عقد نکاح فوق الذکر به انضمام جمیع خسارات قانونی و هزینه دادرسی در حق اینجانبه مورد استدعاست.					
محل امضاء - مهر - انگشت					

برگ دادخواست ابطال عقد ازدواج به علت وجود اکراه و فقدان قصد (فرم ۲)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	زیبا	سلمان نژاد	آصف	وکیل	تبریز، ولیعصر، فلکه تختی
تعیین خواسته و بهای آن	ابطال عقد ازدواج به علت وجود اکراه و فقدان قصد به انضمام کلیه خسارات قانونی				
دلایل و منضمات دادخواست	کپی مصدق: ۱- عقدنامه، ۲- استشهادیه، ۳- شهادت شهود عندالافتضاء،				
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>با سلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>اینجانبه با خوانده به موجب عقدنامه شماره مورخ دفترخانه شماره «شماره و نام شهرستان» عقد ازدواج دائم منعقد کردیم. نظر به اینکه انعقاد عقد ازدواج مذکور به اکراه اولیای قانونی و برخلاف میل در غیبت اینجانبه بوده و هیچگونه رضایتی بر آن نداشته و ندارم، و هیچگاه نیز آن را مورد تنفیذ قرار نداده‌ام فلذا به استناد ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی صدور حکم بر ابطال عقد ازدواج یاد شده به انضمام جمیع خسارات قانونی و هزینه دادرسی در حق اینجانبه مورد استدعاست.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>					

برگ دادخواست اثبات رابطه زوجیت دائم (فرم ۳)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	محمد رضا	فندروسی	حسن	وکیل	تبریز، میدان ساعت
تعیین خواسته و بهای آن	اثبات رابطه زوجیت دائم / موقت به انضمام کلیه خسارات قانونی				
دلایل و منضمات دادخواست	کپی مصدق: ۱- گواهی عاقد، ۲- استشهادیه و شهادت شهود،				
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>با سلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>در تاریخ توسط آقای / خانم فیما بین اینجانب و خوانده عقد ازدواج دائم / موقت منعقد می گردد که شخص عاقد در محضر دادگاه حاضر و نسبت به تصدیق اظهارات اینجانب نیز گواهی می دهند. شروط عقد نیز عبارت از می باشند. نظر به اینکه خوانده با انکار رابطه زوجیت دائم / موقت از انجام تعهدات شرعی و قانونی خود طفره می رود فلذا مستنداً به ماده ۲۲۰ قانون مدنی صدور حکم به اثبات رابطه زوجیت براساس شروط مقرر فیما بین و ثبت آن واقعه به انضمام کلیه خسارات قانونی و هزینه دادرسی در حق اینجانبه مورد استدعاست..</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>					

برگ دادخواست اجازه ثبت ازدواج به علت خودداری ولی از اذن (فرم ۶)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	فراز	بائقی	پرویز		تبریز، خیابان امام
تعیین خواسته و بهای آن	اجازه ثبت ازدواج به علت خودداری ولی از اذن				
دلایل و منضمات دادخواست	کپی مصدق: ۱- شناسنامه خواهان، ۲- اظهارنامه شماره / تلگراف مورخ شهود ۳- استشهادیه و شهود				
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>با سلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>اینجانبه در ذکر سن بوده و به جهت عدم اذن ولی قانونی ام برای ازدواج متأسفانه امکان ازدواج از من گرفته می شود. نظر به اینکه آقای که متقاضی ازدواج با اینجانبه می باشد به استناد ذکر دلایل و مستندات از شهادت شهود و استشهادیه و... از هر حیث صلاحیت و شایستگی ازدواج با مرا دارا می باشد و ممانعت پدر/جد پدری ام با امر ازدواج، بدون دلیل و علت موجه می باشد فلذا مستنداً به ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی و از باب «الْحَاكِمُ وَلِيُّ الْمُتَمَتِّعِ» صدور اذن ازدواج مورد استدعاست.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>					

برگ دادخواست اجازه ثبت ازدواج به علت عدم امکان استئذان ولی (فرم ۵)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده	دادستان عمومی نام شهرستان				
وکیل یا نماینده قانونی	یعقوب	حق پرست	حسین		تبریز، خ آبرسان
تعیین خواسته و بهای آن					اجازه ثبت ازدواج به علت عدم امکان استئذان از ولی
دلایل و منضمات دادخواست					<p>کپی مصدق: ۱- شناسنامه خواهان، ۲- استشهادیه و شهادت شهود ۳- مدارک مورد نیاز دیگر</p> <p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>با سلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>اینجانبه در ذکر سن سالگی بوده و به جهت عدم دسترسی به ولی قانونی ام، متأسفانه امکان ازدواج با فرد شایسته‌ای برایم فراهم نشده است. نظر به اینکه در حال حاضر آقای متقاضی ازدواج با اینجانبه بوده و از طرفی نامبرده شایستگی و صلاحیت ازدواج با مرا دارا می باشد فلذا از جهت عدم دسترسی به ولی قانونی و از باب «الْحَاكِمُ وَوَلِيُّ مَنْ لَاوَلِيَ لَهُ» صدور اذن ازدواج مستنداً به ماده ۱۰۴۴ قانون مدنی و تبصره ذیل آن مورد استدعاست.</p>
محل امضاء - مهر - انگشت					

برگ دادخواست استرداد جهیزیه (فرم ۶)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خواهان					
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	حسین	بخشی اندیس	شاپور		تبریز، خ ارم
تعیین خواسته وبهای آن	استرداد جهیزیه مقوم به ریال به انضمام کلیه خسارات قانونی				
دلایل و منضمات دادخواست	کپی مصدق: ۱- عقدنامه، ۲- لیست جهیزیه، ۳- مدرک مورد نیاز دیگر				
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده» باسلام احتراماً به استحضار می‌رساند:</p> <p>اینجانبه به استناد کپی مصدق عقدنامه شماره مورخ / / باخوانده عقد ازدواج دائمی در دفترخانه «شماره و نام شهرستان» منعقد کرده ایم. نظر به اینکه جهیزیه به شرح لیست ضمیمه متعلق به اینجانبه می‌باشد فلذا مستنداً به ماده ۱۹۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی صدور حکم به محکومیت خوانده به استرداد آن به انضمام جمیع خسارات قانونی و هزینه دادرسی در حق اینجانبه مورد استدعاست.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>					

برگ دادخواست اعسار از پرداخت مهریه (فرم ۷)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	یعقوب	داداش نژاد	رحمان	وکیل	ارومیه
اعسار از پرداخت مهریه/تقسیت آن					تعیین خواسته وبهای آن
۱- فیش حقوقی صادره از سازمان متبوع، ۲- کپی مصدق استشهادیه با امضای حداقل ۲ نفر، ۳- شهادت شهود.					دلایل و منضمات دادخواست
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>با سلام احتراماً به استحضار می‌رساند:</p> <p>اینجانب با خوانده به موجب عقد نامه شماره مورخ ثبت شده در دفترخانه "شماره ونام شهرستان" عقد ازدواج دائم با مهریه ای به میزان ریال منعقد کرده ایم هر چند پرداخت مهریه ما فی‌الذمه تعهد گردیده است ولی نظر به اینکه در حال حاضر به جهت مشکلات متعدد/ عدم دسترسی به اموالم توان پرداخت آن را ندارم فلذا با توجه به مدارک تقدیمی مستنداً به ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ صدور حکم اعسار از پرداخت مهریه/تقسیت مهریه مورد استدعاست.</p> <p>محل امضاء = مهر = انگشت</p>					

برگ دادخواست اعسار از پرداخت مهریه - نفقه (فرم ۸)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	آزاده	حسن پورمقدم	علی	وکیل	رشت
اعسار از پرداخت مهریه / نفقه					تعیین خواسته و بهای آن
<p>کپی مصدق: ۱- عقدنامه، ۲- فیش حقوقی صادره از سازمان متبوع، ۳- استشهادیه ۴- مدرک مورد نیاز دیگر</p>					دلایل و منضمات دادخواست
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده» باسلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>اینجانب به استناد کپی مصدق عقدنامه شماره مورخ / / با خوانده عقد ازدواج دائمی در دفترخانه «شماره و نام شهرستان» منعقد کرده‌ام. نظر به اینکه خوانده وفق دادنامه شماره صادره از شعبه دادگاه عمومی شهرستان «نام شهرستان» موفق به اخذ رای محکومیت اینجانب به پرداخت مهریه/نفقه شده است ولی به جهت مشکلات متعدد/ عدم دسترسی به اموال در حال حاضر توان تأدیه مهریه/نفقه مقرر را ندارم. فلذا با توجه به مدارک تقدیمی مستنداً به ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ صدور حکم اعسار از پرداخت مهریه/ تقسیط مهریه نفقه مذکور مورد استدعاست. عندالافتضاء به شهادت شهود نیز جهت اثبات اعسار خود استناد می نمایم.</p>					
محل امضاء مهر اثر انگشت					

برگ دادخواست الزام به تمکین (فرم ۹)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	لیلا	شیروانی	جعفر	وکیل	اصفهان، خ لاله
تعیین خواسته و بهای آن	تقاضای صدور حکم تمکین				
دلایل و منضمات دادخواست	کپی مصدق: ۱- عقدنامه، ۲- اظهار نامه شماره / تلگراف مورخ ، ۳- مدرک مورد نیاز دیگر				
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده» باسلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>اینجانب به استناد کپی مصدق عقدنامه شماره مورخ / / باخوانده عقد ازدواج دائمی در دفترخانه «شماره ونام شهرستان» منعقد کرده ایم. نظر به اینکه خوانده (زوجه قانونی اینجانب) بدون عذر موجه و علت شرعی و قانونی و بدون اخذ اجازه در تاریخ ، زندگی مشترک را ترک نموده و در منزل پدری خود به سر می برد. وبا مراجعات مکرر و ارسال اظهارنامه/تلگراف (کپی مصدق پیوست) حاضر به تمکین و بازگشت به منزل مشترک نشده است فلذا مستنداً به ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی تقاضای صدور حکم به تمکین زوجه را دارد.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>					

برگ دادخواست الزام به تمکین و منع از اشتغال به تحصیل (فرم ۱۰)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	فاطمه	خداوردی زاد	محمد علی		تبریز، خ نور
تعیین خواسته و بهای آن	تقاضای صدور حکم ۱- ممنوعیت از اشتغال به تحصیل ۲- تمکین به انضمام کلیه خسارات قانونی				
دلایل و منضمات دادخواست	فتوکپی مصدق: ۱- عقدنامه، ۲: اظهارنامه شماره.....، ۳: استعلام از وزارت علوم تحقیقات و فن آوری ودانشگاه				
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>باسلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>اینجانب به استناد کپی مصدق عقدنامه شماره مورخ / / باخوانده عقد ازدواج دائمی در دفترخانه «شماره ونام شهرستان» منعقد کرده ایم. نظر به اینکه خوانده (زوجه قانونی اینجانب) بدون عذر موجه و علت شرعی و قانونی و بدون اخذ اجازه در تاریخ زندگی مشترک را ترک نموده و در منزل پدری خود به سر می برد. با توجه به مراجعات و تماس های مکرر شخصی و خانوادگی و وساطت افراد بزرگوار و صاحب منصب و ارسال اظهارنامه (کپی مصدق پیوست) حاضر به تمکین و بازگشت به منزل بنده نشده و از طرفی نظر به اینکه شروع اشتغال به تحصیل دانشگاهی ایشان عمده موجب تجری ایشان وعدم تمکین نامبرده راباعث شده است و اینجانب موافقتی با اشتغال به تحصیل وی ندارم فلذا صدور حکم به ممنوعیت ایشان از تحصیل و تمکین زوجه به استناد ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی مورد استدعاست.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>					

برگ دادخواست الزام به تهیه مسکن از نفقه (فرم ۱۱)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	نازیلا	همتی	رحیم	وکیل	تبریز، چهار راه لاله
تعیین خواسته و بهای آن	الزام به تهیه مسکن (از نفقه) مقوم به ریال به انضمام کلیه خسارات قانونی				
دلایل و منضمات دادخواست	۱- کپی مصدق عقدنامه ۲- کپی مدارک دیگر				
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>باسلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>اینجانبه به استناد کپی مصدق عقدنامه شماره مورخ / / باخوانده عقد ازدواج دائمی در دفترخانه «شماره و نام شهرستان» منعقد کرده ایم. نظر به اینکه حسب مواد ۱۱۰۶ و ۱۱۰۷ قانون مدنی تأمین نفقه زوجه بر عهده شوهر می باشد و از طرفی تأمین مسکن نیز از جمله موارد نفقه متعلقه می باشد و خوانده به تهیه مسکن متناسب اقدام نمی نماید و سکونت در منزل فعلی نیز متضمن خوف ضرر بدنی / مالی / شرافتی است فلذا مستنداً به مواد ۱۱۰۷ و ۱۱۱۵ قانون مدنی صدور حکم به تهیه مسکن متناسب به انضمام جمیع خسارات و هزینه دادرسی در حق اینجانبه مورد استدعاست.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>					

برگ دادخواست بطلان ازدواج به علت عدم کسب اجازه ولی (فرم ۱۲)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	الهام	آریان یکان	غلامعلی	وکیل	تهران
تعیین خواسته و بهای آن	بطلان ازدواج خواندگان به علت عدم کسب اجازه ولی به انضمام کلیه خسارات قانونی				
دلایل و منضمات دادخواست	کپی مصدق: ۱- عقدنامه، ۲- استشهادیه، ۳- شهادت شهود عندالافتضاء،				
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>با سلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>حسب اطلاع دختر اینجانب طی عقدنامه شماره مورخ دفترخانه شماره «شماره و نام شهرستان» به عقد دائمی آقای درآمده است. نظر به اینکه انعقاد نکاح مذکور بدون اذن و اجازه اینجانب بعنوان ولی دختر بوده و با فریب و نیرنگ و بدون رعایت غبطه و مصلحت او انجام گرفته است فلذا به استناد ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی صدور حکم به ابطال نکاح و عقدنامه مذکور به انضمام جميع خسارات و هزینه دادرسی مورد استدعاست.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>					

برگ دادخواست تجویز ازدواج مجدد(فرم ۱۳)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	فرهاد	ذولفقاری	احمد	وکیل	بوشهر، خ سلامت
تعیین خواسته و بهای آن	تجویز ازدواج مجدد به انضمام کلیه خسارات قانونی				
دلایل و منضمات دادخواست	کپی مصدق: ۱- عقد نامه ۲- مدارک مورد نیاز دیگر				
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>باسلام احتراماً به استحضار می‌رساند:</p> <p>اینجانب با خوانده به موجب عقدنامه شماره مورخ / / ثبت شده در دفترخانه شماره «شماره و نام شهرستان» عقد ازدواج دائم منعقد کرده‌ام. نظر به عدم تمکین همسر و اینکه اینجانب توانایی اداره زندگی دیگری را نیز از حیث تمکین و عدالت دارم، فلذا مستنداً به ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده صدور حکم به تجویز ازدواج مجدد به انضمام کلیه خسارات و هزینه دادرسی در حق اینجانب مورد استدعاست.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>					

** مطابق با نشریه شماره ۵۵۸/۹۲/۷ مورخه ۱۳۹۶/۳/۲۶ اداره حقوقی قوه قضائیه نیز مواردی از قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳ که به موجب قانون بعدی نسخ نشده و شورای نگهبان هم آنها را خلاف شرع اعلام ننموده و با قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۹ مغایرتی نداشته باشد، از جمله اخذ اجازه ازدواج مجدد از دادگاه مندرج در ماده ۱۶ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳ به قوت خود باقی است.

برگ دادخواست تجویز ازدواج مجدد و الزام به ثبت واقعه رجوع (فرم ۱۴)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	حسین	هوشمند	محمد	وکیل	تبریز، ساختمان بهاران
الزام به ثبت واقعه رجوع به انضمام کلیه خسارات قانونی					تعیین خواسته و بهای آن
کیی مصدق: ۱- طلاق نامه،					دلایل و منضمات دادخواست
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>باسلام احتراماً باستحضار میرساند:</p> <p>متعاقب وقوع متارکه و طلاق فیما بین اینجانب و خوانده طی طلاقنامه شماره مورخ / / در دفترخانه شماره «شماره و نام شهرستان» زوج در ایام عده به اینجانبه رجوع کرده و زندگی مشترک را مجدداً شروع کردیم. نظر به اینکه خوانده از ثبت واقعه رجوع امتناع می نماید فلذا مستنداً به ماده ۱۱۴۹ و ۲۲۰ قانون مدنی الزام خوانده به ثبت واقعه رجوع به انضمام کلیه خسارات و هزینه دادرسی در حق اینجانب مورد استدعاست.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>					

برگ دادخواست تعیین تکلیف زندگی خانوادگی (فرم ۱۵)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	سعید	صادقی	صادق	وکیل	ارومیه، خ خورشید
تعیین خواسته و بهای آن	تعیین تکلیف زندگی خانوادگی به انضمام کلیه خسارات قانونی				
دلایل و منضمات دادخواست	کپی مصدق: ۱- عقدنامه ۲- استشهادیه،				
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>با سلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>اینجانب/اینجانبه با خوانده به موجب عقدنامه شماره مورخ در دفترخانه شماره..... از دواج دائم منعقد کرده‌ایم. نظر به اینکه خوانده از تاریخ اینجانب/اینجانبه را ترک نموده و از انجام وظایف شرعی و قانونی خودداری کرده است فلذا مستنداً به فصل هشتم از باب اول کتاب هفتم (در نکاح و...) مواد ۱۱۰۲ الی ۱۱۰۸ و ۱۱۱۴ قانون مدنی صدور حکم بر تعیین تکلیف اینجانب/ و فرزندان مشترک را به انضمام جمیع خسارات و هزینه دادرسی در حق اینجانب/اینجانبه مورد اس تدعاست.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>					

برگ دادخواست ثبت ازدواج دائم (فرم ۱۶)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خواهان					
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	مهدی	سلامتی پور	شاهین	وکیل	خوزستان، خ رنجبر
تعیین خواسته وبهای آن					ثبت ازدواج دائم به انضمام کلیه خسارات قانونی
دلایل و منضمات دادخواست					کپی مصدق: ۱ - عقدنامه، ۲ - شهادت شهود، ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده» با سلام احتراماً به استحضار می رساند: به موجب عقد نامه عادی مورخ با آقای عقد ازدواج دائم منعقد نموده و مهریه نیز به میزان فیما بین توافق گردیده و صیغه عقد نیز بر همان اساس جاری شده است. با توجه به وقوع عقد ازدواج دائمی فیما بین و عدم همراهی خوانده در ثبت رسمی آن مستنداً به مواد ۲۲۰ قانون مدنی و ۳۱ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۶۳ صدور حکم به الزام خوانده به ثبت عقد ازدواج دائم به مهریه /ریال و شرایط مذکور در فتوکپی عقد نامه تقدیمی به انضمام کلیه خسارات قانونی و هزینه دادرسی در حق اینجانب از محضر دادگاه محترم مورد استدعاست.
محل امضاء - مهر - انگشت					

برگ دادخواست ثبت ازدواج موقت (فرم ۱۷)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	احسان	جعفری ثانی	جبرئیل	وکیل	مشهد، خ طبرسی
تعیین خواسته و بهای آن	تقاضای صدور حکم ثبت واقعه ازدواج موقت به انضمام کلیه خسارات قانونی				
دلایل و منضمات دادخواست	کپی مصدق: ۱- عقدنامه، ۲- استشهادیه و شهادت شهود،				
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>باسلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>اینجانبه به موجب عقدنامه (صیغه نامه) مورخ با آقای (خواننده دعوی) عقد نکاح منقطع منعقد نموده که ثمره آن تعداد فرزند به نامهای و می باشد. با توجه به اینکه تاکنون عقد نکاح مذکور به ثبت نرسیده و ثبت واقعه نکاح برای صدور شناسنامه فرزندان و درج نام آنان در شناسنامه والدین الزامی است فلذا مستنداً به ماده ۲۲۰ قانون مدنی و ۳۱ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۶۳ صدور حکم محکومیت خوانده به ثبت عقد نکاح منقطع با شرایط و مدت مندرج در عقدنامه مذکور به انضمام کلیه خسارات و هزینه دادرسی در حق اینجانبه مورد استدعاست.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>					

برگ دادخواست ثبت واقعه رجوع (فرم ۱۸)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خواهان					
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	یاسمن	آقازاده	محمد علی	وکیل	تبریز، دروازه تهران
تعیین خواسته و بهای آن	الزام به ثبت واقعه رجوع به انضمام کلیه خسارات قانونی				
دلایل و منضمات دادخواست	کپی مصدق: ۱- طلاق نامه ۲- مدارک مورد نیاز دیگر				
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>باسلام احتراماً باستحضار میرساند:</p> <p>متعاقب وقوع متارکه و طلاق فیما بین اینجانب و خوانده طی طلاقنامه شماره مورخ / در دفترخانه شماره «شماره و نام شهرستان» زوج در ایام عده به اینجانب رجوع کرده و زندگی مشترک را مجدداً شروع کردیم. نظر به اینکه خوانده از ثبت واقعه رجوع امتناع می نماید فلذا مستنداً به ماده ۱۱۴۹ و ۲۲۰ قانون مدنی الزام خوانده به ثبت واقعه رجوع به انضمام کلیه خسارات و هزینه دادرسی در حق اینجانب مورد استدعاست.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>					

برگ دادخواست حضانت طفل و تحویل فرزند (فرم ۱۹)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	صنم	توپال	محمدرضا		تبریز، خیابان فردوس
تعیین خواسته و بهای آن	تحویل فرزند به اینجانب و صدور حکم حضانت طفل به انضمام کلیه خسارات قانونی.				
دلایل و منضمات دادخواست	کپی مصدق: ۱- عقد نامه، ۲- طلاقنامه، ۳- شناسنامه خواهان و فرزند.				

ریاست محترم مجتمع قضایی شهرستان شهرستان محل اقامت خوانده
با سلام احتراماً به استحضار می‌رساند:

به موجب سند رسمی ازدواج شماره دفترخانه «شماره و نام شهرستان» با آقای خوانده دعوی ازدواج نموده و در طول مدت سال زندگی مشترک صاحب تعداد..... فرزند به نام های..... و و ساله (.....ساله) شده ایم. اکنون که به علت وجود اختلافات شدید و عدم تفاهم جداگانه زندگی می‌کنیم. حال آنکه با توجه به اصلاحیه مورخ ۸۲/۹/۸ ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام دایر بر حضانت تا ۷ سالگی فرزندان با مادر و اینکه خوانده حاضر نیست فرزندان را جهت حضانت به اینجانبه تحویل دهد. لذا به استناد قانون فوق الذکر صدور حکم بر تحویل فرزند یا فرزندان و حضانت آنان به انضمام کلیه خسارات قانونی و هزینه دادرسی در حق اینجانب/اینجانبه مورد استدعاست.

محل امضاء-مهر- اثر انگشت

برگ دادخواست صدور حکم تنفیذ و فسخ نکاح (فرم ۲۰)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	قربانعلی	شعبانی	عنایت اله		جلفا، جنب دادگستری
تعیین خواسته و بهای آن	صدور حکم تنفیذ فسخ نکاح به علت وجود عیب به انضمام کلیه خسارات قانونی				
دلایل و منضمات دادخواست	<p>کپی مصدق: ۱- عقدنامه ۲- گواهی پزشکی، ۳- پزشکی قانونی عندالافتضاء،</p> <p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>با سلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>اینجانب/اینجانبه با خوانده به موجب عقدنامه شماره مورخ دفترخانه شماره «شماره و نام شهرستان» با خوانده عقد ازدواج دائمی در دفترخانه شماره نام شهرستان منعقد کرده‌ام. نظر به اینکه متعاقب عقد نکاح مذکور متوجه وجود عیب مذکور در بند ماده ۱۱۳۱/۱۱۲۲/۱۱۲۳/۱۱۲۸/۱۱۳۱ دایر بر ذکر عیب در زوجه/زوجه گردیدم و مراتب فسخ نکاح را هم طی اظهارنامه شماره /مورخ به اطلاع خوانده رسانده‌ام. فلذا به استناد بند از ماده ۱۱۳۱/۱۱۲۲/۱۱۲۳/۱۱۲۸/۱۱۳۱ صدور حکم به تنفیذ فسخ نکاح فوق الذکر به انضمام جمیع خسارات و هزینه دادرسی در حق اینجانب/اینجانبه مورد استدعاست.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>				

برگ دادخواست صدور حکم تنفیذ و فسخ نکاح به علت فقدان وصف (فرم ۲۱)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	محمد	انصاری	نور محمد	وکیل	پارس آباد، خ مفتح
تعیین خواسته و بهای آن	تنفیذ فسخ نکاح به علت فقدان وصف به انضمام کلیه خسارات قانونی				
دلایل و منضمات دادخواست	کپی مصدق: ۱- عقدنامه، ۲- استشهادیه، ۳- شهادت شهود عندالافتضاء				
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>با سلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>اینجانب/اینجانبه با خوانده به موجب عقدنامه شماره مورخ دفترخانه شماره «شماره و نام شهرستان» عقد ازدواج دائم منعقد کرده ایم. نظر به اینکه در جریان مذاکرات امر ازدواج خوانده خود را ذکر وصف و مشخصات خاصی معرفی کرده در حالیکه به استناد دلایل فقدان وصف و مشخصات مذکور فقدان وصف مذکور به اثبات رسیده است و اینجانب/اینجانبه نیز مراتب فسخ نکاح را طی اظهارنامه شماره /تلگراف مورخ به اطلاع خوانده رسانده ام فلذا به استناد ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی صدور حکم به تنفیذ فسخ عقد ازدواج شماره مذکور به انضمام جمیع خسارات و هزینه دادرسی در حق اینجانب/اینجانبه مورد استدعاست.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>					

برگ دادخواست صدور حکم تنفیذ و فسخ نکاح به علت فقدان وصف و استرداد هدایای تقدیمی (فرم ۲۲)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	هاله	ثمری	ماشاله	وکیل	اصفهان، هشت بهشت غربی
تعیین خواسته و بهای آن	تنفیذ فسخ نکاح به علت فقدان وصف و استرداد هدایای تقدیمی مقوم به ریال به انضمام کلیه خسارات قانونی				
دلایل و منضمات دادخواست	کپی مصدق: ۱- عقدنامه، ۲- استشهادیه و شهادت شهود، ۳- لیست هدایا				
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>با سلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>اینجانب/ اینجانبه با خوانده به موجب عقدنامه شماره مورخ دفترخانه شماره «شماره و نام شهرستان» عقد ازدواج دائم منعقد کرده ایم. نظر به اینکه در جریان مذاکرات امر ازدواج خوانده خود را ذکر وصف و مشخصات خاصی معرفی کرده در حالیکه به استناد دلایل فقدان وصف و مشخصات مذکور فقدان وصف مذکور به اثبات رسیده است و اینجانب/ اینجانبه نیز مراتب فسخ نکاح را طی اظهارنامه شماره /تلفگراف مورخ به اطلاع خوانده رسانده ام فلذا به استناد ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی و ۱۹۸ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی صدور حکم به تنفیذ فسخ عقد ازدواج شماره مذکور و استرداد کلیه هدایای تحویلی (لیست پیوست) به خوانده به انضمام جمیع خسارات و هزینه دادرسی در حق اینجانب/ اینجانبه مورد استدعاست.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>					

برگ دادخواست صدور حکم تنفیذ و فسخ نکاح به علت وجود عیب (فرم ۲۳)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	محسن	پورموند	عیوض	وکیل	اصفهان، خ مدرس
تعیین خواسته و بهای آن	صدور حکم تنفیذ فسخ نکاح به علت وجود عیب به انضمام کلیه خسارات قانونی				
دلایل و منضمات دادخواست	کپی مصدق: ۱- عقدنامه ۲- گواهی پزشک، ۳- پزشکی قانونی عندالافتضاء،				
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>با سلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>اینجانب/اینجانبه با خوانده به موجب عقدنامه شماره مورخ دفترخانه شماره «شماره و نام شهرستان» با خوانده عقد ازدواج دائمی در دفترخانه شماره نام شهرستان منعقد کرده‌ام. نظر به اینکه متعاقب عقد نکاح مذکور متوجه وجود عیب مذکور در بند از ماده ۱۱۳۱/۱۱۳۲/۱۱۳۳/۱۱۳۸/۱۱۳۹ دایر بر ذکر عیب در زوجه/زوجه گردیدم و مراتب فسخ نکاح را هم طی اظهارنامه شماره /مورخ به اطلاع خوانده رسانده‌ام. فلذا به استناد بند از ماده ۱۱۳۱/۱۱۳۲/۱۱۳۳/۱۱۳۸/۱۱۳۹ صدور حکم به تنفیذ فسخ نکاح فوق الذکر به انضمام جمیع خسارات و هزینه دادرسی در حق اینجانب/اینجانبه مورد استدعاست.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>					

برگ دادخواست صدور حکم حضانت (فرم ۲۴)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	سیامک	محمود نژاد	ابراهیم	وکیل	تبریز
تعیین خواسته و بهای آن	صدور حکم حضانت به انضمام کلیه خسارات قانونی				
دلایل و منضمات دادخواست	کپی مصدق: ۱- عقد نامه، ۲- طلاقنامه، ۳- شناسنامه خواهان و فرزند،				
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>باسلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>اینجانب با خوانده به موجب عقدنامه شماره مورخ / / ثبت شده در دفترخانه شماره «شماره و نام شهرستان» عقد ازدواج دائم منعقد کرده ایم. که حاصل این ازدواج تعداد فرزند پسر/دختر به اسم/اسامی می باشد نظر به وقوع متارکه و طلاق فیما بین اینجانبان در دفترخانه شماره «شماره و نام شهرستان» طی سند طلاق شماره مورخ / / و تعیین تکلیف نشدن حضانت فرزندان وفق اصلاحیه مورخ ۱۳۸۲/۹/۸ ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام صدور حکم حضانت به نام اینجانب نسبت به فرزند/فرزندان به اسم / اسامی به انضمام کلیه خسارات قانونی و هزینه دادرسی در حق اینجانب/اینجانبه مورد استدعاست.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>					

برگ دادخواست صدور گواهی عدم امکان سازش (فرم ۲۵)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	حسین	رستمی	عبدالمطلب	وکیل	مازندران
صدور گواهی عدم امکان سازش به انضمام کلیه خسارات قانونی					تعیین خواسته و بهای آن
کپی مصدق: ۱- عقدنامه ۲- کپی مدارک مورد نیاز دیگر					دلایل و منضمات دادخواست
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>باسلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>اینجانب/ اینجانبه به استناد کپی مصدق عقدنامه شماره مورخ / / باخوانده عقد ازدواج دائمی در دفترخانه «شماره و نام شهرستان» منعقد کرده ایم. حاصل این ازدواج و رابطه زوجیت در خلال مدت ماه/سال فرزند/فرزندانی بوده/ نبوده است (که مشخصات آنها / آن می باشد) نظر به سوء معاشرت خوانده/عدم حصول توافق اخلاقی در استمرار زندگی مشترک/ حصول شرط مقرر در سند ازدواج/وجود عسر و حرج مستنداً به مواد ۱۱۳۲/۱۱۳۰/۱۱۳۰ قانون مدنی صدور گواهی عدم امکان سازش برای اجرای طلاق و ثبت رسمی آن به انضمام کلیه خسارات و هزینه دادرسی در حق اینجانب مورد استدعاست.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>					

برگ دادخواست صدور گواهی عدم امکان سازش به علت تحقق شروط عقدنامه (فرم ۲۶)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	شهلا	محمدی	توحید	وکیل	تهران
تعیین خواسته وبهای آن	رسیدگی صدور حکم، مبنی بر الزام زوج به تأدیه مهر المسمی به میزان استناد به قاعده حق حبس				
دلایل و منضمات دادخواست	کپی مصدق عقد نامه، "مدرک مورد نیاز دیگر"				
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>با سلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>اینجانبه با خواننده به موجب عقدنامه شماره مورخ دفتر خانه «شماره و نام شهرستان» تنظیم گردیده و فتوکپی مصدق آن پیوست این دادخواست می باشد، عقد ازدواج دائم با مهریه ای به مبلغ ریال منعقد کرده ایم. اکنون با توجه به گذشت ماه از زمان ثبت واقعه نکاح با استفاده از قاعده حق حبس، تمکین خود را از زوج مشروط به تأدیه مهریه خود به شرح فوق نموده و با تقدیم این دادخواست به محضر دادگاه محترم و مستنداً به ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی صدور حکم بر الزام خواننده به تأدیه مهر المسمی به میزان /ریال به انضمام جميع خسارات و هزینه دادرسی در حق اینجانب مورد استدعاست</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>					

برگ دادخواست صدور گواهی عدم امکان سازش به علت عسر و حرج (فرم ۲۷)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	امیر	بصیری	عباسعلی	وکیل	کرمانشاه
تعیین خواسته و بهای آن	صدور گواهی عدم امکان سازش به علت عسر و حرج به انضمام کلیه خسارات قانونی				
دلایل و منضمات دادخواست	<p>کپی مصدق: ۱- عقدنامه، ۲- استشهادیه، ۳- شهادت شهود عندالافتضاء،</p> <p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>با سلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>اینجانبه با خوانده به موجب عقدنامه شماره مورخ دفترخانه شماره «شماره و نام شهرستان» عقد ازدواج دائم منعقد کرده‌ایم. حاصل این ازدواج در خلال مدت ماه/ سال پسر/دختر به اسم/اسمی می‌باشد. نظر به اینکه در خلال زندگی زناشویی متوجه ذکر یکی از شرایط مذکور در بندهای ۱ الی ۵ ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی گردیده‌ام به نحوی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج اینجانبه می‌باشد و این موضوع با شهادت شهود/ استعلام از... و... قابل اثبات می‌باشد فلذا به استناد ماده ۱۱۳۰ و تبصره ذیل آن صدور حکم گواهی عدم امکان سازش به علت عسر و حرج به انضمام کلیه خسارات و هزینه دادرسی در حق اینجانبه مورد استدعاست.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>				

برگ دادخواست صدور گواهی عدم امکان سازش طلاق توافقی (فرم ۲۸)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	رمضان	عبدالرحیمی	سلیمان	وکیل	هریس، جنب دادگستری
تعیین خواسته وبهای آن	صدور گواهی عدم امکان سازش به علت تحقق شروط عقدنامه به انضمام کلیه خسارات قانونی				
دلایل و منضمات دادخواست	کپی مصدق: ۱- عقدنامه ۲- مدارک مورد نیاز دیگر				
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>با سلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>اینجانبه با خوانده به موجب عقدنامه شماره /مورخ دفترخانه شماره نام شهرستان عقد ازدواج دائم منعقد کرده‌ایم. حاصل این ازدواج در خلال مدت ماه / سال تعداد پسر/دختر به اسم/اسامی می‌باشد. نظر به اینکه خوانده از بند/ بندهای عقدنامه تخلف نموده و موارد و دلایل ذکرشودو اینجانبه نیز ضمن عقد ازدواج وکیل و وکیل در توکیل به غیر در امر طلاق هستم فلذا با عنایت به مراتب مذکور ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی صدور گواهی عدم امکان سازش برای اجرای طلاق و ثبت رسمی آن و تعیین تکلیف حضانت فرزند/فرزندانی را به انضمام جمیع خسارات و هزینه دادرسی در حق اینجانبه مورد استدعاست.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>					

برگ دادخواست فرزند خواندگی (فرم ۲۹)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خواهان	مشخصات زوجین				
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	مینا	عبدل زاده مقدم	رحمان بیگ	وکیل	تبریز
تعیین خواسته و بهای آن	تقاضای صدور حکم فرزند خواندگی				
دلایل و منضمات دادخواست	<p>۱- فتوکپی عقدنامه ۲- مدارک پزشکی دایر بر نازائی ۳- مدارک مربوط به استطاعت مالی ۴- مدارک مربوط به صلاحیت اخلاقی (عدم سوء پیشینه - استشهادیه محلی)</p> <p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خواهان‌ها» باسلام احتراماً به استحضار می‌رساند:</p> <p>اینجانبان خواهانهای فوق به استناد کپی مصدق عقدنامه شماره مورخ / / عقد ازدواج دائمی در دفتر خانه «شماره ونام شهرستان» منعقد کرده ایم. و در خلال مدت سال ازدواج و با توجه به مدارک پزشکی که ضمیمه می‌باشد تاکنون صاحب فرزندی نشده ایم به مؤسسه کودکان بی سرپرست مراجعه و کودک دختر / پسر ماهه ای را با نام انتخاب و علاقمند به نگهداری و حضانت وی می‌باشیم. نظر به اینکه از صلاحیت اخلاقی و مالی طبق مدارک پیوست برخوردار می‌باشیم تقاضای صدور حکم بر فرزندخواندگی مورد تقاضا است.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>				

برگ دادخواست قرار تامین خواسته عادی مهریه (فرم ۳۰)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	بابک	پور قهرمانی	مهدی	وکیل	تبریز، مراغه
صدور قرار تامین خواسته عادی مهریه					تعیین خواسته و بهای آن
کپی مصدق عقد نامه					دلایل و منضمات دادخواست
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی « نام شهرستان محل اقامت خوانده »</p> <p>باسلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>اینجانبه با خوانده به موجب عقدنامه شماره مورخ / / ثبت شده در دفترخانه شماره «شماره و نام شهرستان» عقد ازدواج دائم منعقد کرده ایم. نظر به اینکه مهریه مقرر در عقدنامه مذکور به میزان ریال کلاً بر ذمه زوج و عندالمطالبه می باشد فلذا با تقدیم این دادخواست به استناد ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی صدور قرار تامین مهریه مورد استدعاست. نظر به در معرض تضییع بودن مهریه اجرای قرار قبل از ابلاغ به تجویز ماده ۱۱۷ قانون مذکور مورد تقاضاست. دادخواست ماهیتی متعاقباً در مهلت ده روز تقدیم خواهد گردید.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>					

برگ دادخواست مطالبه خسارت بر هم زدن نامزدی (فرم ۳۱)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	امین	صادقپور	قربانعلی	وکیل	تبریز، سراب
تعیین خواسته و بهای آن	مطالبه خسارت بر هم زدن نامزدی به میزان ریال به انضمام کلیه خسارات قانونی				
دلایل و منضمات دادخواست	کپی مصدق: ۱- لیست هزینه‌های انجام شده، ۲- فاکتور هزینه‌ها، ۳- استشهادیه، ۴- شهادت شهود عندالاقضاء، "۵- مدرک مورد نیاز دیگر"				
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>با سلام احتراماً به استحضار می‌رساند:</p> <p>اینجانب/ اینجانبه وفق توافق مورخ با خوانده به تمهید مقدمات امر ازدواج اقدام کرده‌ام. نظر به اینکه متعاقب توافق با خوانده برای ازدواج، متأسفانه نامبرده بدون دلیل از انجام وصلت با اینجانب/ اینجانبه استنکاف می‌نماید اجبار به زندگی مشترک نیز امر منطقی و عقلایی نمی‌باشد فلذا مستنداً به ماده/مواد ۱۰۳۷ قانون مدنی و ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی صدور حکم به پرداخت مبلغ ریال از بابت هزینه‌های انجام شده به انضمام جمیع خسارات و هزینه دادرسی در حق اینجانب/ اینجانبه مورد استدعاست.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>					

برگ دادخواست مطالبه مهریه (فرم ۳۲)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	مجید	پاشاوند	هدایت	وکیل	تبریز، بناب
تعیین خواسته و بهای آن	مطالبه مهریه به میزان ریال به انضمام کلیه خسارات				
دلایل و منضمات دادخواست	کپی مصدق عقد نامه، "مدرک مورد نیاز دیگر"				

ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»

باسلام احتراماً به استحضار می‌رساند:

اینجانبه به استناد کپی مصدق عقدنامه شماره مورخ / / باخوانده عقد ازدواج دائمی در دفترخانه «شماره و نام شهرستان» منعقد کرده‌ام. نظر به اینکه مهریه مقرر در عقدنامه مذکور به میزان ریال کلابرذمه زوج و عندالمطالبه می‌باشد فلذا مستنداً به مواد ۱۰۸۲ قانون مدنی و تبصره الحاقی ۷۶/۴/۲۹ آیین نامه اجرایی به ماده مذکور و ماده ۱۹۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی صدور حکم به محکومیت خوانده به پرداخت مهریه مذکور در عقدنامه به میزان /ریال وفق تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تادیه و جمیع خسارات و هزینه دادرسی در حق اینجانب مورد استدعاست.

محل امضاء - مهر - انگشت

برگ دادخواست مطالبه مهریه با قرار تأمین خواسته (فرم ۳۳)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	ویدا	ابراهیمی	اصلان	وکیل	تبریز، مراغه
تعیین خواسته و بهای آن	مطالبه مهریه به میزان ریال به انضمام کلیه خسارات قانونی قرار تأمین خواسته				
دلایل و منضمات دادخواست	کپی مصدق عقد نامه، "مدرک مورد نیاز دیگر"				
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>باسلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>اینجانبه به استناد کپی مصدق عقدنامه شماره مورخ / / باخوانده عقد ازدواج دائمی در دفترخانه «شماره و نام شهرستان» منعقد کرده ایم. نظر به اینکه مهریه مقرر در عقدنامه مذکور به به میزان ریال کلاً بر ذمه زوج و عندالمطالبه می باشد فلذا با تقدیم این دادخواست به استناد مواد ۱۰۸۲ قانون مدنی و ماده ۱۹۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی صدور حکم به محکومیت خوانده پرداخت مهریه مذکور در عقدنامه به انضمام کلیه خسارات و هزینه دادرسی در حق اینجانبه مورد استدعاست. ضمناً با توجه به اینکه خواسته در معرض تضییع می باشد به استناد ماده ۱۰۸ قانون اخیر الذکر بدو صدور قرار تأمین خواسته و اجرای آن قبل از ابلاغ وفق ماده ۱۱۷ آن قانون نیز تقاضا می شود.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>					

برگ دادخواست مطالبه مهریه مطلق با قرار تامین خواسته (فرم ۳۴)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	مهرداد	امیری	جعفر قلی	وکیل	تهران
تعیین خواسته و بهای آن	مطالبه مهریه به میزان / ریال به انضمام کلیه خسارات قانونی با صدور قرار تأمین				
دلایل و منضمات دادخواست	کپی مصدق عقد نامه، مدرک مورد نیاز دیگر				
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>باسلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>اینجانب/ اینجانبه به استناد کپی مصدق عقدنامه شماره مورخ / / باخوانده عقد ازدواج دائمی در دفترخانه «شماره و نام شهرستان» با مهریه ای به میزان / ریال منعقد کرده ایم. نظر به اینکه خوانده از پرداخت مهریه اینجانبه خودداری می کند فلذا استدعای رسیدگی و صدور حکم به محکومیت خوانده به پرداخت مهریه مافی القباله به میزان / ریال در حق اینجانب مستنداً به مواد ۱۰۸۲ قانون مدنی و تبصره الحاقی ۷۶/۴/۲۹ آئین نامه اجرائی ماده مذکور به انضمام کلیه خسارات قانونی و هزینه دادرسی مورد استدعاست. ضمناً با توجه به اینکه خواسته در معرض تضییع می باشد به استناد ماده ۱۰۸ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی بدو صدور قرار تأمین خواسته و اجرای آن قبل از ابلاغ وفق ماده ۱۱۷ آن قانون نیز تقاضا می شود.</p>					
محل امضاء - مهر - انگشت					

برگ دادخواست مطالبه نفقه ایام زوجیت (فرم ۳۵)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	مجتبی	خواجویی	اصغر	وکیل	هرمزگان، بندرعباس
تعیین خواسته و بهای آن	مطالبه نفقه ایام زوجیت به میزان ریال به انضمام کلیه خسارات قانونی				
دلایل و منضمات دادخواست	۱- کپی مصدق عقدنامه، ۲- عندالاقضاء شهادت شهود، ۳- جلب نظر کارشناس، ۴- مدرک مورد نیاز دیگر				
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>باسلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>اینجانبه به استناد کپی مصدق عقدنامه شماره مورخ / / باخوانده عقد ازدواج دائمی در دفترخانه «شماره و نام شهرستان» منعقد کرده ایم. نظر به اینکه حسب مواد ۱۱۰۶ و ۱۱۰۷ قانون مدنی تأمین نفقه زوجه بر عهده شوهر می باشد و خوانده از این کار استنکاف و خودداری می نماید فلذا رسیدگی و صدور حکم به پرداخت نفقه ایام زوجیت از تاریخ لغایت به مدت ماه (و تا زمان رسیدگی و صدور حکم و اجرای دادنامه) فعلاً به میزان ریال مستنداً به مواد ۱۹۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و ۱۱۰۶ و ۱۱۰۷ قانون مدنی به انضمام جمیع خسارات و هزینه دادرسی مورد استدعاست. برای تعیین میزان نفقه متعلقه نیز با لحاظ شئونات مربوطه به جلب نظر کارشناس نیز استناد می نماید.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>					

برگ دادخواست مطالبه نفقه ایام زوجیت با قرار تامین خواسته (فرم ۳۶)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	علی	نقی زاده	حسین	وکیل	تهران، اقدسیه
تعیین خواسته و بهای آن	مطالبه نفقه ایام زوجیت به میزان قرار تامین خواسته ریال به انضمام کلیه خسارات قانونی با صدور				
دلایل و منضمات دادخواست	کپی مصدق ۱- عقدنامه، ۲- عندالافتضاء شهادت شهود، ۳- کارشناسی، ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده» باسلام احتراماً به استحضار می رساند:				
اینجانبه به استناد کپی مصدق عقدنامه شماره مورخ / / باخوانده عقد ازدواج دائمی در دفترخانه «شماره ونام شهرستان» منعقد کرده ایم. نظر به اینکه حسب مواد ۱۱۰۶ و ۱۱۰۷ قانون مدنی تأمین نفقه زوجه بر عهده شوهر می باشد و خوانده از این کار استنکاف و خودداری می نماید فلذا رسیدگی و صدور حکم به پرداخت نفقه ایام زوجیت از تاریخ لغایت به مدت ماه (و تا زمان رسیدگی و صدور حکم و اجرای دادنامه) فعلاً به میزان ریال مستنداً به مواد ۱۹۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و ۱۱۰۶ و ۱۱۰۷ قانون مدنی به انضمام جمیع خسارات و هزینه دادرسی در حق اینجانبه مورد استدعاست. برای تعیین میزان نفقه متعلقه نیز با لحاظ شئونات مربوطه به جلب نظر کارشناس استناد می نماید.. ضمناً با توجه به اینکه خواسته در معرض تضییع می باشد به استناد ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی بدواً صدور قرار تامین خواسته و اجرای آن قبل از ابلاغ وفق ماده ۱۱۷ آن قانون نیز تقاضا می شود.					
محل امضاء - مهر - انگشت					

برگ دادخواست ملاقات فرزند (فرم ۳۷)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
خواهان					شهر - خیابان - کوچه - شماره - پلاک
خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	اکرم	بهشتی	محمد	وکیل	اصفهان، خ طیب، مجتمع مهتاب ۹ طبقه ۲
ملاقات فرزند به انضمام کلیه خسارات قانونی					تعیین خواسته و بهای آن
کپی مصدق: ۱- عقدنامه، ۲- حکم طلاق،					دلایل و منضمات دادخواست
<p>ریاست محترم مجتمع قضایی «شهرستان محل اقامت خوانده»</p> <p>باسلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>اینجانب/اینجانبه با خوانده به استناد کپی مصدق عقدنامه شماره مورخ / / عقد ازدواج دائمی در دفترخانه «شماره و نام شهرستان» منعقد کرده ایم. حاصل این ازدواج تعداد فرزند پسر/ دختر به اسم/ اسامی بوده است. نظر به تحقق متارکه و طلاق فیما بین اینجانبان در دفترخانه شماره «شماره و نام شهرستان» طی سند طلاق شماره مورخ / / مستنداً به ماده ۱۱۷۴ قانون مدنی صدور حکم محکومیت خوانده به تمهید ملاقات فرزند/ فرزندان مذکور در زمان و مکان مناسب به انضمام کلیه خسارات قانونی و هزینه دادرسی در حق اینجانب/اینجانبه مورد استدعاست.</p> <p>محل امضاء - مهر - انگشت</p>					

اظهار نامه از سوی زوج برای زوجه جهت تمکین (فرم ۳۸)

مشخصات و اقامتگاه مخاطب	موضوع اظهار نامه	مشخصات و اقامتگاه اظهار کننده
مشخصات کامل زوجه (زن)	تقاضای بازگشت به منزل و تمکین از سوی زوجه	مشخصات کامل (شوهر)
<p>خلاصه جواب</p>	<p>خلاصه اظهارات</p> <p>حضور مخاطب محترم</p> <p>با سلام:</p> <p>احتراما، همانطوریکه مستحضرید:</p> <p>جنابعالی به استناد عقد نامه شماره تنظیمی در دفتر خانه ازدواج شماره..... شهرستان..... زوجه شرعی و دائمی اینجانب می باشید. اکنون از تاریخ.....الی تاریخ.....بدون داشتن دلیل موجه قانونی و همچنین کسب رضایت از اینجانب اقدام به ترک اقامتگاه نموده اید. از آنجا که معتقدم اختلافات خانوادگی صرفا با پنجه قدرت تدبیر و تامل زوجین حل و فصل می گردد و قهر و کشمکش بجز افزودن بر میزان تنش و کدورت فی مابین هیچ چیز را به ارمغان نمی آورد؛ لذا از شما می خواهم تا ضمن بازگشت به منزل اقامتگاه موجبات پربشانی و تکدیر خاطر شخص خود و خانواده را فراهم نیاورد. ضمنا چنانچه به فاصله گذشت یک هفته از تاریخ رویت این اظهار نامه تصمیم قطعی خود را جهت رجوع به منزل شوهر اتخاذ نمایید، مطابق مقررات ناشزه محسوب و مطابق مواد ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۸ قانون مدنی از پرداخت نفقه محروم خواهید شد.</p> <p>و السلام</p> <p>نام و نام خانوادگی</p> <p>امضاء - تاریخ</p>	

متن توافق نامه طلاق توافقی (فرم ۳۹)

صور تجلسه و توافق نامه طلاق توافقی

به تاریخ در جلسه‌ای با حضور زوجین یعنی خانم و آقای که طبق نکاحنامه رسمی شماره در تاریخ با یکدیگر ازدواج نموده و در حال حاضر نیز نکاح پابرجاست، توجهاً به عدم تفاهات اخلاقی و رفتاری و مشاجرات دامنه دار، تصمیم به جدایی گرفته و شرایط زیر را به عنوان شروط و متن طلاق توافقی مورد تراضی قرار دادند:

- ۱- زوجین دارای یک فرزند دختر ۴ ساله هستند که توافق شد حضانت فرزند تا سن بلوغ با مادر باشد.
 - ۲- زوج هر هفته یک بار در روز پنجشنبه از ساعت تا در محل حق ملاقات فرزند را دارد.
 - ۳- نفقه فرزند در سال جاری ماهیانه به مبلغ ریال است که به شماره حساب بانکی شماره به نام زوجه واریز می‌گردد.
 - این مبلغ هر ساله بر اساس شاخص تورم و در فرض کاسته شدن از ارزش پول، قابل افزایش است.
 - ۴- زوجه جهیزیه را مسترد خواهد کرد و زوج مکلف است در این زمینه همکاری نماید.
 - ۵- مهریه مندرج در نکاحنامه به میزان ۲۰۰ سکه طلای تمام بهار آزادی است که زوجه از این مقدار، تعداد ۷۰ سکه را دریافت نموده و الباقی را به زوج بذل نموده و ادعایی ندارد. زوج نیز قبول ما بذل نمود.
 - ۶- زوجه در مورد نفقه و اجرت المثل و سایر حقوق مالی ادعایی ندارد.
- محل امضای زوج:
محل امضای زوجه:

نمونه نظر داور زوجه (فرم ۴۰)

ریاست محترم شعبه دادگاه حقوقی خانواده

موضوع: تقدیم نظر داور زوجه

باسلام و احترام در رابطه با پرونده به شماره بایگانی مطروحه در آن شعبه محترم موضوع دعوی زوجین آقای و خانم به خواسته طلاق و ارجاء امر داوری به اینجانب پس از وصول و قبول امر داوری سرانجام نظریه داوری خود را ذیل به عرض می‌رساند:

نظریه داور

با التفات به آیه ۳۵ سوره مبارکه نساء و به قصد قربت و با تشکیل جلسات متعدد با زوجین و سعی در رفع اختلاف و اصلاح ذات البین چون زوجین با اقرار به رابطه زوجیت اصرار به طلاق وجدایی دارند و حال اینکه به لحاظ اختلافات پیش آمده جدا از یکدیگر بوده و زوج از تشکیل جلسه جدید استنکاف می‌ورزد لذا با بررسی موارد اختلاف به اقرار، زوجه از تعداد عدد از سکه‌های مهریه شرعی و قانونی خود صرف نظر نموده و در حق زوج بخشیده و زوجه قبول بذل می‌نماید، زوجه دیگر حقوق مالی خویش را نیز از طریق محاکم قضائی مطالبه نموده و منجر به صدور رای و تعیین تکلیف گردیده و فرزندی بنام دارند. علیهذا چون صلح و سازش میان زوجین و بازگشت به منزل مقدور نمی‌باشد و در رفع شقاق درنگ جایز نیست لذا داور با رعایت انصاف و عدالت نظر به عدم امکان ادامه زندگی و صدور گواهی عدم امکان سازش داشته و اعلام می‌دارد.

ضمناً نشانی و شماره تماس اینجانب به شرح ذیل است با تشکر - داور زوجه

نمونه کامل متن وکالت در طلاق همراه با مهریه (۴۱)

موکل: آقای.....

وکیل: خانم.....

مورد وکالت: مراجعه به یکی از دفاتر خدمات قضایی، دادگاههای خانواده و یا شوراهای حل اختلاف و دیگر مراجع صالحه، تقدیم دادخواست، انتخاب و انعقاد قرارداد وکالت با هر یک از وکلای دادگستری در راستای مطلقه نمودن خانم... (وکیل) از قید زوجیت موکل و درخواست صدور گواهی عدم امکان سازش یا حکم طلاق به هر قسم از طلاق اعم از توافقی، بائن، رجعی، خلع یا مبارات و با هر شرط و قرار، وکالت در قبول بذل عین مهریه یا کمتر و یا بیشتر از آن یا معادل آن به هر مقدار که وکیل صلاح بداند و هر شرط ضمن العقد (وکیل حق دریافت مهریه با وکالت قبول در بذل دارد)، تعیین تکلیف حضانت، ملاقات و نفقه فرزند یا فرزندان مشترک و همچنین تعیین تکلیف در خصوص جهیزیه، نفقه و اجرت المثل، معرفی و انتخاب داور و مراجعه به واحد مشاوره و شرکت در جلسات مشاوره با حق توکیل به غیر، تجدیدنظرخواهی و فرجام خواهی و حق اسقاط آنها به تشخیص وکیل، استرداد دعوی یا دادخواست، حضور در هر یک از دفاتر رسمی ثبت طلاق و اجرای صیغه شرعی طلاق و امضاء کلیه اوراق و اسناد و دفاتر مربوطه و همچنین انجام سایر تشریفات لازم و قانونی با اختیارات کامل به نحوی که در هیچ از مراحل نیازی به حضور و امضاء مجدد موکل نباشد با توکیل به غیر.

حدود اختیارات: وکیل مذکور با حق توکیل بغير «و لو کرارا» و مع الواسطه در عزل و نصب وکلای انتخابی در انجام دادن تمامی تشریفات قانونی مورد وکالت از طرف موکل اختیار تام داشته و امضاء و اقدامات نام برده به منزله امضاء و اقدام موکل نافذ و معتبر است و موکل ضمن عقد خارج لازم حق عزل و ضم وکیل و انجام هرگونه عمل مغایر با مفاد این سند را تا انجام کامل مورد وکالت را از خود به مدت ۳۰ سال سلب و ساقط نمود.

نمونه اقرار نامه دریافت تمامی مهریه (۴۲)

اینجانب..... فرزند..... دارنده..... شماره شناسنامه..... صادره از..... متولد.....
 به شماره ملی..... ساکن..... با طیب خاطر و رضای کامل اقرار و
 اعتراف می‌نمایم مبنی بر اینکه تمامی مهریه خود را که عبارت است از..... موضوع
 قباله نکاحیه ثبت شده تحت شماره..... دفتر ازدواج شماره..... بوده است از شوهرم آقای
 فرزند..... دارای شماره شناسنامه..... صادره از..... متولد..... به شماره ملی
 ساکن..... را اخذ و دریافت و وصول نموده ام و از این
 پس نسبت به مهریه موصوف هیچ گونه ادعا و اعتراضی ندارم.

اینجانب با مشخصات ذکر شده در فوق به عنوان شوهر خانم..... با مشخصات بالا با طیب خاطر
 و رضای کامل نسبت به موارد مندرج در بالا مقرر و معترف می‌باشم.

علاوه بر آن:

۱- آقای/خانم..... فرزند..... به شماره شناسنامه..... صادره از..... متولد..... به شماره
 ملی..... ساکن..... شغل.....

۲- آقای/خانم..... فرزند..... به ششماره شناسنامه..... صادره از..... متولد.....
 به شماره ملی..... ساکن..... شغل.....
 هویت طرفین را تصدیق کرده و ذیل سند را امضاء نمودند.

به تاریخ...../...../..... هجری شمسی

نام و نام خانوادگی و امضا و اثر انگشت زوج

نام و نام خانوادگی و امضا و اثر انگشت زوجه

نام و نام خانوادگی و امضا و اثر انگشت شاهد دوم

نام و نام خانوادگی و امضا و اثر انگشت شاهد اول

دادخواست تجدید نظر (فرم ۴۳)

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	نام پدر	شغل	محل اقامت
تجدید نظر خواه					شهر - خیابان - کوچه - شماره پلاک
تجدید نظر خوانده					
وکیل یا نماینده قانونی	سعید	رادپور	مجید	وکیل	تبریز
تجدید نظر خواسته					
دلایل و منضمات در خواست					
<p>ریاست محترم دادگاه های تجدید نظر استان نام شهرستان محل صدور رای مورد تجدید نظر</p> <p>باسلام احتراماً به استحضار می رساند:</p> <p>اینجانب نسبت به دادنامه صادره شماره که در تاریخ از دادگاه عمومی صادر گردیده است و در تاریخ..... ابلاغ شده، معترض در خواست رسیدگی می نمایم. رونوشت دادنامه بدوی و لایحه اعتراضیه و.....که جمعا.....برگ می باشد به پیوست دادخواست تقدیم است.</p> <p>محل امضاء - اثر انگشت - مهر</p>					

نمونه متن شکوائیه ایراد ضرب و جرح عمدی توسط شوهر (فرم ۴۴)

بسمه تعالی

با سلام،

احتراماً به استحضار عالی می‌رساند:

اینجانب طبق عقدنامه شماره در تاریخ شهرستان به عقد دائمی مشتکی عنه درآمده‌ام. حاصل زندگی مشترک در طول مدت سال (تعداد) فرزند دختر / پسر می‌باشد. متأسفانه همسر بنده بارها اقدام به ضرب و شتم عمدی اینجانب کرده است که به دلیل صبر و بردباری، مصلحت زندگی مشترک و وساطت بزرگان فامیل و آشنایان چشم‌پوشی کرده‌ام. اما صبر و بردباری اینجانب و نصیحت‌ها و راهنمایی‌های اقوام و آشنایان تغییری در ایشان ایجاد نکرد و همچنان رفتارهای غیرانسانی خود را ادامه و بنده را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند. در حال حاضر نیز به دلیل ضرب و شتم ایشان وضعیت مناسبی ندارم و صدمات شامل به بنده رسیده است که با معرفی به پزشک قانونی طی گزارشی به در تاریخ و شماره وضعیت اینجانب را شرح دادند. لذا با توجه به ادله اینجانب که شامل ۱- شهادت شهود ۲- گواهی پزشک قانونی است و همچنین با استناد به ماده ۶۱۴ ق.م.ا بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده رسیدگی و تقییب و مجازات متهم را استدعا دارم.

با تشکر

نام و نام خانوادگی - امضاء

نمونه در خواست وصول مهریه (اجرائیه ثبت اسناد) (فرم ۴۵)

بسمه تعالی

مسئول محترم دفتر خانه ازدواج شماره شهرستان.....

یا

سردفتر محترم دفتر خانه ازدواج شماره شهرستان.....

با سلام،

احتراماً به استحضار عالی می‌رساند:

با توجه به عقد نامه ازدواج شماره تنظیمی در آن دفتر خانه به تاریخ اینجانبه درقبال مهریه به عقد زوجیت دائم آقای درآمدم که مبلغ مزبور به عنوان دین، بر ذمه زوج (شوهرم) مستقر بوده و عندالمطالبه قابل وصول است اکنون، از آنجایی که زوج با وجود درخواست اینجانبه عمداً از تادیه مهریه امتناع می‌ورزد، لذا تقاضا دارم تا ضمن صدور اجرائیه نسبت به پرداخت (وصول) مبلغ مهریه اقدام فرمایید.

با تشکر

نام و نام خانوادگی - امضاء

نمونه متن شکوائیه فریب در ازدواج (فرم ۴۶)

با سلام
احتراماً به استحضار می‌رساند:
اینجانب به موجب تصویر مصدق عقدنامه شماره..... مورخه..... در دفترخانه شماره..... شهرستان..... با خوانده عقد ازدواج دایم منعقد کرده ایم. ایشان قبل از ازدواج و در زمان خواستگاری و نامزدی خود را دارای شغل..... درآمد..... و تحصیلات..... معرفی کردند. پس از عقد و آشنایی بیش تر با مشتکی عنه متوجه شدم که بنده را فریب داده اند و نه تنها دارای آن شغل، درآمد و تحصیلات نیستند بلکه در وضعیت بسیار بدی از نظر شغلی، درآمدی و اجتماعی قرار دارند لذا با توجه به شرح موضوع و ادله اینجانب که شامل شهادت شهود، تصویر مصدق عقدنامه شماره..... مورخه..... و..... می باشد تعقیب و مجازات مشتکی عنه را به اتهام فریب در ازدواج استدعا دارم. همچنین با توجه به خسارت‌های وارده به اینجانب که مبلغ..... است. بدواً صدور و اجرای فوری قرار تامین خواسته را تقاضا دارم.

نمونه متن شکوائیه ترک انفاق (فرم ۴۷)

باسلام
احتراماً به استحضار می‌رساند:
اینجانب و مشتکی عنه طبق تصویر مصدق عقدنامه شماره..... مورخه..... در دفتر خانه شماره..... شهرستان..... به عقد دائم یکدیگر درآمدیم. ایشان از تاریخ..... بدون دلیل شرعی و قانونی موجه از پرداخت نفقه به اینجانب خودداری می‌ورزند در صورتی که بنده حاضر به تمکین عام و خاص نیز می‌باشم. در حال حاضر در وضعیت اقتصادی نامناسبی به سر می‌برم و مشتکی عنه هیچ توجهی به وضعیت بنده ندارند. اینجانب همچنین اظهارنامه‌ای نیز به شماره..... مورخه..... برای ایشان ارسال نمودم که هیچ اقدامی در جهت پرداخت نفقه انجام ندادند. لذا با توجه ادله اینجانب که شامل تصویر مصدق عقدنامه، استشهادیه و می‌باشد و با استناد به ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی تعزیرات، تعقیب و صدور حکم به مجازات ایشان را به اتهام ترک انفاق استدعا دارم. همچنین با توجه به خسارات وارده به اینجانب که به مبلغ..... می‌باشد، بدواً صدور و اجرای فوری قرار تامین خواسته را تقاضا دارم.

توضیحات مربوط به دادخواست های موضوعات خانواده

توضیح فرم های ۱-۲

عقود پس از انعقاد و تشکیل، ممکن است به دلایلی مانند فقدان قصد انشای طرفین، فقدان اهلیت، فقدان شرایط مربوط به مورد معامله و جهت نامشروع باطل شوند. بطلان حالتی است که در آن، عقد وجود حقوقی پیدا نمی کند، خواه در نتیجه واقع نشدن (تراضی) یا بدون موضوع بودن آن؛ و خواه به دلیل منع قانون از نفوذ تراضی نامشروع باشد منظور از قصد با توجه به ماده ۱۹۱ و مواد بعدی از قانون مدنی، قصد انشا یا اراده ایجاد عقد است. هر چند قصد و رضا، با هم در یکی از چهار بند ماده ۱۹۰ قانون مدنی آمده است اما نباید اشتباه کرده و آن دو را یکی پنداشت. بلکه با توجه به مواد بعدی قانون مدنی پی می بریم که قصد با رضا متفاوت است و فقدان هر کدام آثار خاص خود را به دنبال خواهد داشت. در حقیقت، مرحله قصد یک مرحله بعد از مرحله رضا است. تفکیک قصد و رضا در قانون مدنی نیز به این صورت است که قانونگذار با ذکر دو عنوان «قصد طرفین و رضای آنها» در بند یک ماده ۱۹۰ آن دو را از هم جدا کرده و سپس در مواد بعدی، آثار و احکام متفاوت آنها را بیان داشته است.

توضیح فرم ۳ اثبات رابطه زوجیت دائم

اثبات زوجیت، از جمله دعاوی در صلاحیت دادگاه خانواده است. در مواردی، یکی از طرفین عقد ازدواج (اعم از ازدواج دائم یا ازدواج موقت) علی رغم وجود رابطه زوجیت و صحت تمامی شرایط تحقق عقد نکاح، منکر وجود هرگونه رابطه‌ی زوجیت (اعم از دائم یا منقطع) می گردد. در این صورت مطابق با قوانین موضوعه، کسی که مدعی وجود رابطه‌ی زوجیت می باشد، باید آن را اثبات نماید. اثبات رابطه زوجیت از جمله دعاوی است که در صورت عدم ثبت واقعه‌ی نکاح از سوی مرد (زوج) و انکار یکی از طرفین رابطه‌ی زوجیت و یا فوت احدی از آنها، توسط مدعی، مطابق با ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی و قاعده فقهی «البینه علی المدعی»^۱ در دادگاه‌های خانواده مطرح می شود. با عنایت به اینکه عقود و قراردادهای دارای آثاری می باشند که با توجه به ماهیت آنها،

۱. حدیث شریف به نقل از پیامبر اکرم (ص) به اجماع و انفاق نظر همه علمای اسلامی بر صحت و اعتبار این قاعده می باشد.

می‌تواند واجد جنبه‌ی مالی، غیر مالی و یا هردوی آن‌ها باشد، فلذا عقد نکاح نیز همانند سایر عقود، واجد آثاری است که به صورت حقوق و تکالیف زوجین تجلی می‌یابد. از جمله آثار انعقاد عقد نکاح و رابطه‌ی زوجیت و البته اثبات این رابطه، علاوه بر جنبه‌های مالی، وجود آثار غیر مالی ان می‌باشد.

توضیح فرم ۴ اجازه ثبت ازدواج به علت خودداری ولی از اذن

از نظر اسلام و به تبعیت آن قانون مدنی ایران، دختری که بالغ و عاقل است، برای ازدواج باید اجازه ولی یعنی پدر یا در صورت نبود او اجازه پدر بزرگ خود را به دست آورد. بنابراین دختر برای عقد نیاز به اجازه یکی از این دو نفر دارد. برای ازدواج دختر باکره، ولی لازم است، اما پدر یا جد پدری نمی‌توانند از این اختیار قانونی سوءاستفاده و بی‌جهت یا در موارد متوالی از دادن اجازه ازدواج به دختر خودداری کنند، زیرا به این ترتیب امکان ازدواج دختر از دست می‌رود. پس قانون حکم می‌کند که اگر، ولی با وجود خواستگار شایسته، مناسب، هم‌کفو و تمایل متقابل دختر، بدون علت موجه و دلیل منطقی، اجازه ازدواج ندهد، این حق از او ساقط می‌شود. یعنی در این زمان، ولی از دادن اجازه منع می‌شود و دختر و پسر می‌توانند بدون رضایت او عقد کنند با این حال در این موارد دختر باید از دادگاه اجازه بگیرد.

توضیح فرم شماره ۵ اجازه ثبت ازدواج به علت عدم امکان استئذان ولی

هنگامی که اصلاحیه قانون مدنی در سال ۱۳۷۰ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و ماده ۱۰۴۳ به همان شکل اصلاحی سال ۱۳۶۱ تصویب شد، شورای نگهبان لزوم مراجعه دختر به دادگاه و اخذ اجازه برای نکاح در صورت ممانعت پدر را خلاف شرع دانست و طی نامه مورخ ۱۳۷۰/۶/۶ به مجلس شورای اسلامی در این خصوص اعلام کرد. الزام دختر به مراجعه به دادگاه و گرفتن اذن در صورت مضایقه ولی از دادن اجازه بدون علت موجه، با موازین شرع مغایر است بدین جهت قسمت ذیل ماده ۱۰۴۳ بدین صورت درآمد: هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند، اجازه او ساقط و در این صورت دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او ازدواج نماید و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده، پس از اخذ اجازه

از دادگاه مدنی خاص به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام نماید. در اصلاحیه سال ۱۳۷۰ بین وقوع ازدواج و ثبت آن متفاوت گذاشته شده است. صرف امتناع پدر بدون علت موجه، موجب سقوط اجازه اوست و اگر دختر بدون مراجعه به دادگاه ازدواج کند، نمی‌توان بدین جهت نکاح او را بطلال دانست، مگر این که عدم کفو بودن شوهر ثابت شود ولی ثبت ازدواج در دفتر ازدواج موکول به طی این تشریفات و گرفتن اجازه از دادگاه مدنی خاص است که اگر ازدواجی بدون اجازه ثبت شود، تخلف انتظامی محسوب می‌شود. در این اصلاحیه، دیگر اطلاع دادن به پدر یا جد پدری و انقضای مدت پانزده روز از تاریخ اطلاع آنان قید نشده و صرفاً مقرر شده است که دختر باید به دادگاه مدنی خاص مراجعه و با معرفی کامل مرد مورد نظر و شرایط نکاح و مهر از دادگاه کسب اجازه کند تا بتواند ازدواج را به ثبت برساند. طبعاً دادگاه به هر گونه که صلاح و مقتضی بداند رسیدگی نموده و اتخاذ تصمیم می‌کند. به هر حال قدر مسلم، این است که فقط اجازه شخص پدر یا جد پدری لازم است و چنانچه آنها در قید حیات نباشند یا محجور بوده و تحت قیموت باشند و یا غایب بوده و عادتاً دسترسی به آنها میسر نباشد، دختر در ازدواج مستقل است و اجازه شخص دیگر را لازم ندارد.

توضیح فرم شماره ۶ استرداد جهیزیه

موضوع جهیزیه در خانواده‌های ایرانی، موضوع عجیبی است! از یک سو در قانون هیچ اشاره‌ای به آن نشده است و حتی طبق قانون ایران، مرد به عنوان رئیس خانواده وظیفه تهیه منزل و وسایل زندگی در حد و شأن همسر را به عهده دارد ولی از سمت دیگر بر اساس عرف فرهنگی و اجتماعی در کشور ما، خانواده زوجه عمدتاً بخشی (یا حتی تمام) وسایل ضروری (و بعضاً غیرضروری) برای زندگی مشترک دخترشان را فراهم می‌کنند. نکته قابل توجه در این است که مالکیت وسایلی که زن به خانه شوهر می‌آورد در اختیار زن است و مرد تنها به‌عنوان یک امین، می‌تواند از این وسایل استفاده کند. وقتی می‌گوییم که مالکیت جهیزیه برای زن است، بدین معناست که زوجه در هر زمانی می‌تواند آن را مطالبه کرده و هر اقدام مالکانه‌ای را نسبت به اموال خویش انجام دهد، مثلاً آن‌ها را به فروش رساند، هدیه دهد، تخریب یا مفقود نماید و یا استرداد جهیزیه را بخواهد. زن می‌تواند هر زمان چه در هنگام زندگی مشترک چه در حین طلاق و چه بعد از طلاق جهیزیه‌ای را که به منزل شوهر آورده است مطالبه نماید. برای این

کار باید دادخواستی به دادگاه ارائه نماید. برای تعیین دادگاه صالح نیز باید گفت اگر هزینه مذکور زیر ۲۰ میلیون تومان باشد دادخواست باید به شورای حل اختلاف ارائه گردد. در غیر این صورت دادخواست در صلاحیت دادگاه خانواده می‌باشد. هر چند معمولاً چون منظور از دادخواست بازپس گرفتن اموال است، در صورت بیشتر بودن مبلغ هزینه از نصاب مذکور نیز غالباً بانوان و وکلای آنها مبلغ را کمتر از ۲۰ میلیون تقویم می‌کنند تا در شورای حل اختلاف مورد رسیدگی قرار گیرد. چراکه رسیدگی در شورا دارای هزینه کمتر و همچنین مدت زمان کمتری است. نکته‌ای که در این موارد وجود دارد، حق مرد برای دفاع از خود در شورا یا دادگاه می‌باشد. مرد باید در این موارد به دادگاه مراجعه کند و در صورتی که قسمتی از هزینه قبلاً از بین رفته است یا توسط زن فروخته شده است یا به هر دلیلی بدون دخالت مرد از بین رفته، لیست این موارد را به دادگاه ارائه نماید. در غیر این صورت محکوم به پرداخت کل هزینه می‌شود. همچنین بانوان می‌توانند به محض ارائه دادخواست استرداد هزینه درخواست تأمین خواسته را بنمایند تا مرد نتواند اموال مذکور را جابه‌جا نموده یا به فروش برساند. بنابراین اگر آقایان با موردی مواجه شدند که زن هزینه خود را از آنها دریافت نمود اما جهت حضور در دادگاه هیچ خطاری به آنها نشد احتمالاً مورد از موارد دستور موقت بوده است. در این موارد حتماً باید به دادگاه مراجعه کرده و از زمان دادگاه مطلع شوند تا بتوانند در موعد مذکور از خود دفاع نمایند و مجبور نشوند که هزینه وسایلی را بپردازند که از بین رفته است. در مقابل در صورتی که قسمتی از وسایل توسط مرد از خانه خارج شود زن می‌تواند از دادگاه بخواهد که مرد را مجبور به بازپس دادن آنها یا پرداخت قیمت آنها نماید. در این صورت دادگاه کارشناسی تعیین می‌نماید که قیمت وسایل را مشخص کند و قیمت این وسایل از مرد دریافت می‌شود. در مجموع باید عنوان کرد که دعوی استرداد هزینه یکی از دعاوی است که در صورت اقدام به موقع زن در این خصوص و دریافت دستور موقت می‌تواند به سرعت و با هزینه کم به نتیجه برسد اما باید عنوان داشت که طول رسیدگی می‌تواند در برخی از موارد تا چند ماه نیز به طول انجامد، چون این دعوا نیز مانند سایر دعاوی قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه می‌باشد.

توضیح فرم شماره ۷ اعسار از پرداخت مهریه

اعسار در پرداخت مهریه نیز یک نوع اعسار از پرداخت محکوم به می‌باشد. زمانی که زن در خواست مهریه کند و مرد محکوم به پرداخت مهریه شود، مرد می‌تواند دادخواست اعسار از پرداخت مهریه را تقدیم دادگاه کند.^۱ چنانچه مهریه زن تا ۱۱۰ سکه باشد در این حالت پس از محکومیت زوج باید معسر بودن یعنی ناتوانی خودش را جهت پرداخت مهریه ثابت کند. در این صورت پس از اثبات اعسار وی، دادگاه مرد را ملزم به پرداخت اقساطی مهریه خواهد کرد. اما اگر مهریه بیش از ۱۱۰ سکه باشد در این صورت دادگاه مرد را محکوم به پرداخت اقساطی مهریه تا ۱۱۰ سکه خواهد کرد و مازاد بر آن را زن باید در دادگاه اثبات کند که مرد توانایی بیش از ۱۱۰ سکه را دارد. چنانچه زن نتواند این امر را اثبات کند با صدور حکم، مرد باید طبق حکم دادگاه نسبت به پرداخت مهریه به صورت اقساط اقدام کند. البته باید توجه داشت زن می‌تواند پس از صدور حکم اعسار مرد، چنانچه اموالی از مرد به دست آورد اقدام به توقیف اموال فوق نماید.

مدارک لازم جهت تقاضای اعسار از پرداخت مهریه عبارتند از:

- ۱- دادخواست اعسار
- ۲- حکم محکومیت پرداخت مهریه که توسط دادگاه صادر شده است.
- ۳- استشهادیه که در آن حداقل ۲ نفر گواهی کرده باشند که نسبت به توانایی مالی زوج و عدم توانایی وی در پرداخت مهریه به صورت یکجا آگاهی کامل دارند.
- ۴- تنظیم فرم مخصوص صورت اموال منقول و غیر منقول و حساب‌های بانکی و میزان وجوه نقد در کلیه حساب‌های فوق و فهرست کلیه نقل و انتقالات اموال در یکسال گذشته (این فرم در دفاتر الکترونیک قضایی موجود می‌باشد) با توجه به ماده ۸ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی نکته مهم اینکه مرد پس از صدور اجراییه یک ماه فرصت دارد تقاضای اعسار کند که این امر مانع جلب مرد خواهد شد.
- در غیر این صورت زن می‌تواند تقاضای جلب مرد را نماید و پس از معرفی مرد به زندان زوج می‌بایستی برای رهایی از حبس، یا رضایت زن را جلب کند. یا اینکه به تشخیص دادگاه وثیقه گذاشته و یا کفیل معرفی کند تا با پذیرش آن از طرف دادگاه آزاد شود. در صورت عدم پذیرش اعسار مرد، دادگاه به وثیقه گذار یا کفیل وی اخطار می‌کند که

۱. حجتی اشرفی، غلامرضا، مجموعه کامل قوانین و مقررات محشای حقوقی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۵، چاپ هشتم، صفحه ۹۶-۹۹

ظرف مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ واقعی، محکوم علیه را به دادگاه معرفی و تحویل دهد.

توضیح فرم شماره ۸ اعسار از پرداخت مهریه، نفقه

مرد بابت نفقه گذشته که محکوم شده است می‌تواند تقاضای اعسار دهد ولی اگر شکایت ترک انفاق شده باشد باید ماهیانه آن را پرداخت نماید. نکته اینکه صرف محکومیت زوج به پرداخت نفقه با وصف صدور حکم اعسار نسبت به پرداخت آن، بند ۸ عقدنامه‌های رایج مبنی بر ایجاد حق طلاق برای زوجه به علت عدم پرداخت نفقه را محقق نمی‌سازد.

توضیح فرم شماره ۹ الزام به تمکین

تمکین در لغت به معنای اطاعت و فرمانبرداری است اما در حقوق به معنای انجام وظایف است که طبق قانون و شرع بر عهده زن می‌باشد تمکین دو نوع است: تمکین عام و تمکین خاص. تمکین عام عبارت از آنچه که وظائف زنان در تشیید مبانی زندگی و خانوادگی و جزو کارهای روزمره زوجه است که مطابق با عرف جامعه باید انجام شود «رتق و فتق امور»^۱. تمکین خاص روابط زناشویی و هم بستری و جنسی بین زن و مرد به حسب متعارف است. در صورتیکه زن تمکین نکند مستحق نفقه نمی‌شود اما اگر عدم تمکین وی و ادامه زندگی مواجهه با مخاطراتی باشد تا رفع آن مخاطرات و اثبات آنان قابلیت دریافت نفقه را خواهد داشت. اگر در دوران عقد باشند، در صورتیکه مرد منزل مستقلی را فراهم کرده باشد که تمامی تمهیدات متناسب زندگی اعم از لوازم - مسکن - پوشاک و خوراک و غیره و ضروریات زندگی آن هم طبق ملاتت (زوج) تهیه کند و اگر شرط دیگری قبل از عقد وجود نداشته باشد و زن از تمکین خودداری کند در این صورت دیگر نفقه به زن تعلق نخواهد گرفت، مرد میتواند الزام به تمکین را از دادگاه بخواهد. الزام به تمکین زوجه که در دادخواست توسط زوج تحریر و تقدیم دادگاه می‌شود عبارت است از: سرپیچی یا خارج شدن زوجه از منزل و خودداری از وظائف زناشویی است که زوج برحسب مورد میتواند الزام را از دادگاه بخواهد و در صورت امتناع زن از ایفای وظائف به حکم دادگاه ناشزه شناخته شده و نفقه با بازگشت و تمکین به زوج تعلق میگیرد.

۱. تمثیت کارها (ناظم الاطیبا)

توضیح فرم شماره ۱۰ الزام به تمکین و منع از اشتغال به تحصیل

شوهر می‌تواند با تایید دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود با زن باشد منع کند. زن نیز می‌تواند از دادگاه چنین تقاضایی را به نماید. دادگاه در صورتی که اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود مرد را از اشتغال به شغل مذکور منع می‌کند. حق شوهر در منع اشتغال همسر از اختیارات قانونی او است. این اختیار، که آمیزه‌ای است از حق و تکلیف است، تا جایی قابلیت اعمال دارد که شوهر از حدود مصالح خانواده تجاوز نکند.

توضیح فرم شماره ۱۱ الزام به تهیه مسکن از نفقه

وظیفه قانونی شوهر این است که مسکن مستقل و علیحده که مناسب حال زن باشد برایش تهیه نماید و زن اختیار دارد از زندگی زیر یک سقف با دیگران استنکاف کند. حق سکنی قانوناً با شوهر است اما نامبرده می‌تواند از این حق صرف نظر نماید و در ضمن عقد نکاح اختیار حق سکنی را به زوجه واگذار کند. چنانچه شوهر نسبت به تهیه مسکن مناسب جهت همسرش اقدام ننماید دادگاه بنا به درخواست زوجه شوهر را به تهیه منزل مناسب برای زن ملزم می‌نماید، اما چنانچه شوهر اقدام به تهیه منزل مناسب حال زوجه نماید ولی وی از سکونت در آن خودداری نماید مطابق قانون وی ناشزه محسوب شده و حق اخذ نفقه از شوهر را تا زمان سکونت در آن منزل نخواهد داشت. تقاضای خانه مستقل حق زوجه می‌باشد و زوج مکلف به تهیه منزل مستقل برای خود و زوجه اش حسب شئون می‌باشد و در غیر اینصورت زوجه می‌تواند الزام زوج به تهیه مسکن مستقل را از دادگاه درخواست نماید و دادگاه زوج را مکلف به تهیه خانه مستقل می‌نماید. علت این میزان توجه قانون به بحث مسکن هم این است که اگر مسکنی وجود نداشته باشد، وظایف و حقوقی که همسران نسبت به یکدیگر دارند قابلیت اجرایی دقیقی ندارد. به همین دلیل قانون نسبت به این مساله نگاهی دقیق و موشکافانه دارد.

توضیح فرم شماره ۱۲ بطلان ازدواج به علت عدم کسب اجازه ولی

چنانچه دختر رشیده باکره‌ای بدون اذن پدر یا جد پدری و طی تشریفات قانونی یعنی مراجعه به دادگاه مدنی خاص و کسب اجازه از دادگاه در صورت ممانعت ولی، اقدام به

ازدواج نماید، آیا این ازدواج باطل است یا خیر؟ در صورتی که بعد از ازدواج، پدر دختر به نکاح مزبور رضایت دهد این ازدواج تنفیذ شده و صحیح است. ولی اگر پدر اجازه ندهد، قاعدتاً کسانی که اجازه پدر را در نکاح لازم می‌دانند، باید معتقد به بطلان ازدواج باشند ولی در بین فقها کمتر کسی صراحتاً به بطلان ازدواج نظر داده است.^۱

فقه‌اء به بیان حکم سقوط اجازه ولی در صورت عضل اکتفا کرده و تصریح کرده‌اند که در این صورت دختر می‌تواند مستقلاً اقدام به ازدواج نماید، ولی در این خصوص که این موضوع باید نزد حاکم مطرح و اثبات گردد و او اجازه نکاح را بدهد یا خیر، معمولاً سخنی نگفته‌اند. بلکه ظاهر، این است که به نظر آنان، نیازی به مراجعه به حاکم و اثبات موضوع نزد او ندارد و دختر خود می‌تواند عقد نکاح را واقع سازد. طبعاً اگر ولی، مدعی بطلان نکاح باشد، می‌تواند به دادگاه مراجعه کند و درخواست خود را مطرح نماید.

توضیح فرم شماره ۱۳ تجویز ازدواج مجدد

بر اساس شرع مقدس اسلام مرد می‌تواند مبادرت به ازدواج مجدد نماید اما بنابر اقتضائات جوامع جدید، امروزه محدودیت‌هایی در این خصوص به وجود آمده است. لازم به ذکر است در قانون حمایت خانواده مصوب قیل از انقلاب اسلامی ازدواج مجدد بدون اجازه همسر اول جرم‌انگاری شده بود و برای آن حبس تعیین گردیده بود لیکن پس از انقلاب اسلامی شورای نگهبان که مرجع تشخیص قوانین غیرشرعی می‌باشد قانون مذکور را غیرشرعی اعلام نمود و بنابراین قضات پس از انقلاب اسلامی مجازات حبس برای ازدواج مجدد را لحاظ ننمودند اما کار به اینجا ختم نشده و با توجه به موضوعات مختلف از جمله حقوق زنان بندی در شرایط ضمن عقد نکاح در اسناد ازدواج پیش بینی شد که اگر مرد بدون اجازه همسر خویش مبادرت به ازدواج مجدد نماید همسر اول حق طلاق خواهد داشت بنابر این دادگاه‌ها با استناد به این بند در صورت ازدواج مجدد مرد حکم به طلاق به نفع زن صادر مینمایند، البته مواردی وجود دارد که همسر اول از تمکین نسبت به شوهر خویش خودداری نموده است و در این

۱. فقهای اهل تسنن بر این قائل هستند که در عقد نکاح، ولی یکی از ارکان عقد می‌باشد و اگر بدون ولی صورت گیرد این عقد باطل می‌باشد. این گروه معتقدند در صورتی که ولی وجود نداشته باشد زوجه حتی نمی‌تواند که خود صیغه عقد را بخواند. این رای، رای فقهای شافعیه، مالکیه، حنابله می‌باشد و این گروه برای استحکام رای خود به دلایل زیر استناد می‌کنند. (البهوتی، ج ۲ ص ۳۵، شربین، ج ۳، ص ۱۴۷، ابن قدامه، ج ۶، ص ۴۴۹).

شرایط با توجه به وجود بند فوق در سند نکاح مرد قادر به ازدواج مجدد نمی‌باشد، اما به مرور با تشکیل یک رویه قضایی مرد در صورت اثبات عدم تمکین همسر اول خویش در دادگاه مجاز به ارائه دادخواست مجاز به ارائه دادخواست مبنی بر صدور حکم به تجویز ازدواج مجدد شناخته شد. نهایتاً با توجه به اینکه دیوان عالی کشور در رای وحدت رویه اعلام نمود که در صورت عدم تمکین زن ازدواج مجدد برای مرد پس از صدور حکم تجویز ازدواج مجدد جائز است، لذا زن در این شرایط حق استفاده از امتیاز موجود در سند نکاح و مطلقه نمودن خویش را نخواهد داشت.

در این روش، مرد دلایل تقاضای خود را در دادخواستی تنظیم کرده و تسلیم دادگاه می‌نماید که یک نسخه از آن با تعیین وقت رسیدگی به پرونده، به همسر ابلاغ می‌گردد، دادگاه با رسیدگی به پرونده و تحقیق از زن فعلی و در صورت مشخص شدن توانایی مالی مرد و اجرای عدالت، به ازدواج مجدد مرد اجازه خواهد داد. در این روش معمولاً مرد عدم تمکین همسر فعلی خود را دلیل تقاضای خود عنوان می‌کند که در صورت محرز بودن آن و محکومیت زن، دادخواست تجویز ازدواج مجدد از سوی مرد مطرح می‌شود و در نتیجه مجوز اجازه ازدواج مجدد از دادگاه برای مرد صادر می‌گردد. پس از دریافت مجوز ازدواج مجدد، مرد می‌تواند به دفاتر ثبت ازدواج مراجعه کرده و پس از جاری شدن صیغه عقد، اقدام به ثبت ازدواج مجدد نماید.

توضیح فرم شماره ۱۶ تجویز ازدواج مجدد و الزام به ثبت واقعه رجوع

طلاق رجعی طلاقی است که در زمان عده می‌توان از طلاق رجوع کرد و شوهر می‌تواند در زمان عده به همسر مطلقه رجوع کند. در اثر این طلاق پیوند زناشویی به‌طور کامل از بین نمی‌رود و پس از انحلال نکاح، زن و مرد تا زمانی که عده سپری نشده است، بیگانه نیستند و می‌توانند نکاح سابق را دوباره ادامه دهند. به منظور حفظ کیان خانواده و طبق ماده ۲۰ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ ثبت نکاح دائم، فسخ و انفساخ آن، طلاق، رجوع و اعلام بطلان نکاح یا طلاق الزامی است.

توضیح فرم شماره ۱۵ تعیین تکلیف زندگی خانوادگی

چنانچه زوج هیچ انگیزه‌ای برای ایجاد یک زندگی مشترک نداشته باشد و در این خصوص و تهیه شرایط آن اقدامی ننماید اینک حکم طلاق را اخذ نموده ولی برای اجرای آن زوج را بلامتکلیف بگذارد زوجه می‌تواند به مراجع قضایی مراجعه نماید و دادگاه نیز مستند به فصل هشتم از باب اول کتاب هفتم (نکاح و...) مواد ۱۱۰۲ الی ۱۱۰۸ و ۱۱۱۴ قانون مدنی صدور حکم بر تعیین تکلیف خواهد نمود.

توضیح فرم شماره ۱۶ ثبت ازدواج دائم

مطابق قانون، ازدواج هیچگونه تشریفاتی ندارد و می‌تواند بدون سند رسمی انجام شود اما قانونگذار به دلیل برخی مصالح اجتماعی بر لزوم ثبت ازدواج دائم در دفتر رسمی ازدواج تأکید نموده است. برای مثال با ثبت ازدواج در صورت بروز اختلاف، اثبات آن به آسانی امکان پذیر خواهد بود علاوه بر این، با استناد به ازدواجی که ثبت نشده است نمی‌توان در دادگاه درباره مسائل مربوط به آن ازدواج دعوایی مطرح کرد. برای مثال زن نمی‌تواند به واسطه ازدواجی که ثبت نشده است، نفقه اش را مطالبه نماید. به همین دلیل قانونگذار لزوم ثبت ازدواج دائم را پیش بینی نموده است. در همین راستا بر اساس ماده ۴۹ قانون حمایت از خانواده، چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی اقدام به ازدواج دائم نماید و از ثبت آن خودداری کند، علاوه بر اینکه ملزم به ثبت ازدواج می‌شود، به پرداخت جریمه نقدی (از ۸۰ میلیون ریال تا ۱۸۰ میلیون ریال) و حبس (از ۹۱ روز تا ۶ ماه) محکوم خواهد شد.

توضیح فرم شماره ۱۷ ثبت ازدواج موقت

در سه مورد ثبت ازدواج موقت مورد حمایت قانونگذار است و می‌توان در صورت استنکاف مرد از پذیرش ثبت ازدواج موقت، هم ضمانت اجرای حقوقی و هم ضمانت اجرای کیفری قایل شد.^۱

۱- در مواردی که زوجه در ازدواج موقت باردار می‌شود، ثبت ازدواج موقت اجباری است.

۲- در مواردی که ضمن عقد، ثبت ازدواج موقت شرط شده و این شرط قابل اثبات است

۱. قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱

۳- در مواردی که طرفین، توافق بر ثبت ازدواج موقت دارند. همانطور که پیشتر آمد، در سه موضع، مرد مکلف به ثبت رسمی ازدواج موقت است. حال اگر مردی، علیرغم بارداری همسر موقت، حاضر به ثبت ازدواج موقت نیست، می‌توان تحت عنوان عدم ثبت ازدواج موقت از وی شکایت کیفری طرح نمود و یا اینکه با مراجعه به دادگاه خانواده، الزام مرد به ثبت ازدواج موقت به دلیل بارداری زوجه و یا شرط ضمن عقد و یا با اثبات توافق بر ثبت ازدواج موقت را درخواست نمود. در صورت پذیرش مسئولیت کیفری مرد، بر اساس قانون حمایت خانواده در صورت عدم ثبت ازدواج موقت، دادگاه ضمن حکم به مجازات مرد، دستور به ثبت ازدواج موقت در یکی از دفاتر اسناد رسمی ازدواج می‌دهد.

توضیح فرم شماره ۱۸ ثبت واقعه رجوع

در حقوق، اعمالی که نیاز به اراده‌ی دو طرف دارند، عقد، و اعمالی که با اراده‌ی یک نفر، انجام می‌شود ایقاع نامیده می‌شود. ماهیت رجوع، عمل یک طرفه قانونی است که با اراده‌ی مرد، بعد از طلاق رجعی و در بعضی از موارد طلاق بائن، صورت می‌گیرد. انجام رجوع، نیاز به تشریفات خاصی ندارد، ولی عدم ثبت رجوع تا یک ماه، پس از آن، جرم و قابل مجازات است. مرد با لفظ یا نوشته و یا عملی که باعث رساندن مقصود رجوع شود، مثل بوسه، می‌تواند اراده‌ی خود بر رجوع از طلاق را اعلام نماید. در بوسیدن یا هر فعل دیگری، قصد رجوع لازم است، پس اگر گرفتن دست همسری که در طلاق رجعی است یا بوسیدن وی، بدون قصد انصراف از طلاق، رجوع محسوب نمی‌شود. ثبت واقعه رجوع، شرط صحت رجوع نیست، بلکه مرد مکلف است، در صورت وقوع رجوع، ظرف یک ماه نسبت به ثبت رجوع، اقدام نماید. در صورت عدم ثبت رجوع و با شکایت زوجه، یا اعلام جرم از سوی دادستان، ضمن الزام مرد به ثبت واقعه‌ی رجوع، توسط دادگاه، به پرداخت جزای نقدی از هشتاد تا یکصد و هشتاد میلیون ریال یا نود و یک روز تا شش ماه حبس، محکوم می‌شود.

توضیح فرم شماره ۱۹ حضانت طفل و تحویل فرزند

حضانت در لغت به معنی پروردن و در اصطلاح عبارت از نگهداری مادی و معنوی طفل (پرورش و تربیت) می‌باشد.^۱ لذا سپردن حضانت کودک به معنی سپردن سایر

۱. ابو جعفر احمد بن علی (معروف به بو جعفرک)، تاج المعادیر، ذیل واژه حضانت.

امور طفل به خصوص امور حقوقی به شخص نمی‌باشد. حضانت با ولایت که خاص پدر و جد پدری است تفاوت اساسی دارد. اگر حضانت به مادر سپرده شود ولایت پدر و در غیاب پدر، جد پدری نسبت به کودک تا زمان حیات آنان باقی است. به عنوان مثال مادری که حضانت کودک با او است و پدر طفل یا پدر بزرگ طفل در قید حیات باشند، نمی‌تواند برای کودک معاملات انجام دهد و برای او نمی‌تواند افتتاح حساب بانکی نماید، بدون اجازه پدر نمی‌تواند کودک را از کشور خارج کند و سایر محدودیت‌های قانونی که خارج از بحث حاضر است. مطابق ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف والدین است، بر این اساس پدر و مادر به طور یکسان در ایام زندگی مشترک مسئول حفاظت از فرزندان هستند و بحث حضانت فرزند زمانی مطرح می‌شود که بین پدر و مادر بر اثر فوت یا متارکه جدایی افتد. مطابق ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی در صورت فوت یکی از حضانت طفل با فردی است که در قید حیات است هر چند متوفی پدر طفل بوده و برای او قیم معین کرده باشد. بنابراین مطابق قانون اگر پدر فوت کند حضانت فرزند با مادر است و هیچ‌کسی حتی پدر بزرگ از نظر قانونی حق ندارد حضانت فرزند را از مادر سلب کند. همچنین در صورت جدایی پدر و مادر از یکدیگر بر اثر طلاق، مطابق ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی، مادر برای حضانت از کودک تا سن هفت سالگی اولویت دارد و پس از آن حضانت فرزند با پدر است. و مطابق تبصره این قانون، پس از هفت سالگی در صورت بروز اختلاف، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک با تشخیص دادگاه است. دادگاه صالح به رسیدگی حضانت و ملاقات اطفال دادگاه خانواده است دادگاه در تمام مواردی که به صدور گواهی عدم امکان سازش مبادرت می‌کند باید ترتیب اطمینان بخشی را در خصوص نگهداری و حضانت و میزان نفقه اطفال با توجه به وضعیت مالی و اخلاقی زوجین و با در نظر گرفتن مصلحت صغار تعیین کند زمان ملاقات طبق ماده ۱۱۷۴ قانون مدنی، هر یک از ابوبین که طفل تحت حضانت او نیست، حق ملاقات طفل خود را دارد.

توضیح فرم‌های شماره ۲۰-۲۱-۲۲-۲۳

مطابق ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی هرگاه در یکی از طرفین، صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده، برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود، خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متبانیاً بر آن واقع

شده باشد. نداشتن سابقه ازدواج قبلی و نداشتن فرزند، به طور معمول، برای طرفین مفروض است به عبارت دیگر، در صورتی که یکی از طرفین سابقه ازدواج قبلی یا فرزند داشته باشد، معمولاً انتظار می‌رود که این موضوع را قبل از ازدواج مطرح کند. این که هر یک از طرفین، سابقه ازدواج قبلی داشته‌اند یا خیر، به ویژه در مورد بانوان، از خصوصیات و صفاتی است که در عرف فعلی جامعه ما، واجد اهمیت بوده و معمولاً در تصمیم‌گیری طرف دیگر در مورد ازدواج و شرایط آن، مؤثر است. بنابراین، نداشتن سابقه ازدواج قبلی یا نداشتن فرزند از ازدواج دیگر، از شرایطی است که در صورت عدم تصریح نیز، مورد نظر طرفین است. در صورتی که هر یک از طرفین چنین اموری را از طرف دیگر پنهان کند یا موضوع را قبل از ازدواج به طرف دیگر اطلاع ندهد، آن شخص مرتکب تدلیس شده است. تدلیس، یعنی شخص عیب خود را پنهان یا خود را دارای صفت کمالی که فاقد آن است، معرفی کند. بنابراین، در چنین فرضی، طرف فریب خورده می‌تواند دادخواستی به طرفیت همسرش، به خواسته اعلام فسخ نکاح به دادگاه محل اقامت همسر ارائه کند در باره مهریه، با توجه به ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی، در صورتی که فسخ قبل از نزدیکی واقع شود، زن مستحق مهریه نیست اما در صورت نزدیکی، مهریه به او تعلق خواهد گرفت. ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی مقرر کرده است: هر گاه عقد نکاح قبل از نزدیکی، به جهتی فسخ شود، زن حق مهر ندارد؛ مگر در صورتی که موجب فسخ، عَنَن باشد که در این صورت با وجود فسخ نکاح، زن مستحق نصف مهر است بنابراین، دارنده حق فسخ باید بعد از اطلاع از تدلیس، فوراً فسخ خود را به طرف مقابل اعلام کند و تنفیذ فسخ را از دادگاه بخواهد. عیوب مختص مرد در ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی برشمرده شده است و به موجب آن هرگاه مرد به دلیل عارضه‌ای ناتوان از انجام عمل زناشویی باشد قانون به زن حق می‌دهد که ازدواج را فسخ نماید:

۱- عنن: ناتوانی مرد در نعوظ به شرط آنکه بعد از گذشت مدت یک سال از تاریخ رجوع زن به دادگاه، رفع نشود. عنن در صورتی که پس از عقد ایجاد شود زن را نیز صاحب حق فسخ نکاح می‌کند.

۲- خصاء: که عارضه مربوط به اخته شدن مرد است.

۳- مقطوع بودن آلت تناسلی

عیوب مختص زن در ماده ۱۱۲۳ قانون مدنی برشمرده شده است و به موجب آن اگر این عیوب در هنگام عقد موجود باشد و مرد بدون آگاهی به آنها با زن ازدواج کرده

باشد. (مواد ۱۱۲۴ و ۱۱۲۶ ق. م.) قانون به مرد حق فسخ ازدواج را می‌هد.

۱- قرن: استخوانی است در فرج که مانع جماع می‌گردد.

۲- جذام: بیماری خوره

۳- برص: نوعی بیماری پوستی که بر اثر آن لکه‌های معمولاً بزرگ سفید یا سیاه در بدن پدید می‌آید.

۴- افضاء: یکی شدن مجرای بول و حیض را اِفضاء می‌گویند.

۵- زمین‌گیری

۶- نابینایی از دو چشم

حق فسخ نکاح به دلیل عیوب زن، برای جلوگیری از ضرر مرد است. پس اگر به‌وسیله عمل جراحی یا با وسایل درمانی این عیوب از بین برود، حق فسخ نکاح نیز مبنای خود را از دست می‌دهد و ساقط می‌شود.

عیوب موجب حق فسخ نکاح مشترک در زن و مرد

جنون تنها مصداق عیوب مشترک در زوجین است که موجب حق فسخ می‌شود. بر طبق ماده ۱۱۲۱ قانون مدنی، جنون هر یک از زوجین به شرط استقرار، اعم از اینکه مستمر یا ادواری باشد، برای طرف مقابل موجب حق فسخ ازدواج است. قانون مدنی جنون را تعریف نکرده است، اما طبق نظر فقها جنون یعنی اختلال عقل. بنابراین فراموشی‌های سریع الزوال، بیهوشی‌های ناشی از هیجانات ناگهانی، و نیز بیماری صرع (غش) جنون محسوب نمی‌شود. منظور از اختلال عقل آن است که شخص در انجام وظایف عادی و معمولی روزانه خود نامتعادل شده و اعمال بدون هدف از سر بزند.^۱

توضیح فرم شماره ۲۴ صدور حکم حضانت

برای حضانت و نگهداری طفل که پدر و مادر او از یکدیگر جدا شده‌اند، مادر تا ۷ سالگی (پسر یا دختر فرقی ندارد) اولویت دارد و پس از آن حضانت با پدر است پس از ۷ سالگی هم در صورتی که میان پدر و مادر درباره حضانت اختلاف باشد، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک و به تشخیص دادگاه است. البته حضانت طفل پس از هفت سالگی به طور مطلق به پدر واگذار نمی‌شود، بلکه هر گاه بین پدر و مادر طفل در مورد

۱. خلاصه روان پزشکی، پنجمین جیم‌نسادوک-ویر جینیا ال‌کوت سادوک، ترجمه فرزین رضایی، تهران: ارجمند، ۱۳۸۷

حضانت او اختلاف شود، معیار تعیین حضانت‌کننده صرفاً مصلحت طفل است، اما پس از رسیدن طفل به سن بلوغ، دادگاه خود را فارغ از رسیدگی در خصوص حضانت دانسته و فرزندان حق انتخاب ادامه زندگی نزد یکی از والدین را خواهند داشت؛ که در هر صورت تأمین مخارج زندگی با پدر خواهد بود. در قوانین ما توانایی عملی، شایستگی اخلاقی، عقل، اسلام و عدم ازدواج مادر با شخص دیگر به عنوان شرایط لازم برای تعلق حق حضانت به ذی‌حق دانسته شده است، البته در صورتی که پدر فوت کرده باشد، با وجود ازدواج مادر، حضانت از او سلب نخواهد شد. اگر پدر و مادری که دارای حق حضانت است، به بیماری و اگیرداری مانند سل، سفلیس یا حصبه دچار شود و بیم سرایت به طفل وجود داشته باشد، دادگاه با رعایت مصلحت طفل، حضانت را از والدین بیمار به دیگری واگذار می‌کند.

توضیح فرم‌های شماره ۲۵-۲۶-۲۷-۲۸ صدور گواهی عدم امکان سازش

بر اساس ماده ۲۶ قانون حمایت خانواده، در صورتیکه طلاق، توافقی یا به درخواست زوج باشد، دادگاه به صدور گواهی عدم امکان سازش اقدام و اگر به درخواست زوجه باشد، حسب مورد مطابق قانون به صدور حکم الزام زوج به طلاق یا احراز شرایط اعمال وکالت در طلاق مبادرت می‌کند. بنابراین در موارد الزام زوج به طلاق، دادگاه ناگزیر به رسیدگی ماهیتی و ورود به موضوع یا احراز شرایط اعمال وکالت در وکالت، احراز حقانیت خواهان است. مثلاً در طلاق از ناحیه زوجه که یا بر مبنای عسر و حرج یا بر اساس تحقق یا عدم تحقق شروط ضمن عقد نکاح صورت می‌گیرد، دادگاه ناچار از احراز حقانیت زوجه است تا بعداً بتواند بر اساس آن حکم به الزام زوج در دفترخانه و اجرای صیغه طلاق یا حکم به مراجعه زن به دفترخانه و اجرای صیغه طلاق از طرف زوج و در موارد احراز شرایط، اعمال وکالت در طلاق را نماید. این در حالی است که در گواهی عدم امکان سازش موکل موارد طلاق توافقی و طلاق به درخواست مرد، تصمیم دادگاه صرفاً در حد تأیید حق زوجین یا زوج در استحقاق مراجعه به دفترخانه و اجرای صیغه است و دادگاه وارد شناسایی و احراز حقانیت طرفین در اثبات دعوای خود نمی‌شود. بنابراین در موارد صدور گواهی عدم امکان سازش، دادگاه اقدام به تشکیل جلسه به منظور رسیدگی به اختلاف یا تعیین وقت رسیدگی نمی‌کند، در طلاق

توافقی صرفاً جلسه‌ای برای صدور گواهی عدم امکان سازش تشکیل می‌دهد و از قبل طرفین در صورت جلسه‌ای توافقات لازم را در خصوص مهریه، نفقه و ... ترتیب داده‌اند یا مثلاً در طلاق به درخواست زوج، دعوت زوجه فقط به منظور آن است که دادگاه از وی در خصوص مطالبه حقوق قانونی وی استنطاق کند، لذا عدم حضور وی مانع از صدور گواهی عدم امکان سازش نیست. در حالی که در حکم طلاق، دادگاه جلسات رسیدگی ترتیب می‌دهد، وارد ماهیت امر می‌شود و به احراز شرایط اعمال و کالت در طلاق یا موارد عسر و حرج می‌پردازد. مطابق بخشنامه شماره یک ۹۰۰۰/۱۳۱۰۴/۵۵ مورخه ۹۷/۹/۵ دادگستری تهران خطاب به مدیران دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، دفترهای مذکور مجاز به ثبت دادخواست بدون داشتن گواهی مرکز غربالگری یا مشاوره خانواده نیستند. زوجین قبل از ثبت دادخواست طلاق ابتدا باید به بهزیستی مراجعه کنند و پنج جلسه اجباری مشاوره در یک بازه زمانی حداقل ۴۵ روزه شرکت کنند. بدون شرکت در جلسات مشاوره و صدور گواهی عدم انصراف، امکان طلاق توافقی وجود ندارد.

توضیح فرم شماره ۲۹ فرزند خواندگی

تمام کودکان و نوجوانان نابالغ و افراد بالغ زیر ۱۶ سال که به تشخیص دادگاه، عدم رشد و نیاز آنها به سرپرستی احراز شود می‌توان به فرزندخواندگی سپرد در شرایط جدید فرزندخواندگی زوجین باید ۵ سال از زمان ازدواجشان گذشته باشد.^۱ سلامت روان موضوعی که کمتر به آن پرداخته می‌شود از ویژگی‌های اصلی والدینی است که می‌توانند فرزندخواندگی داشته باشند. با این پدر و مادر جدید مشاوره دینی صورت می‌گیرد و بعد از مصاحبه شرایط سنی زوجین احراز می‌شود به طوری که یکی از آنها ۳۰ یا بالاتر باید سن داشته باشد. سازمان بهزیستی پس از انجام این مراحل فرزند را به خانواده معرفی می‌کند تا به صورت حضوری همدیگر را ببینند و پس از آن خدمات مشاوره و مصاحبه انجام می‌گیرد. زوجین نباید دارای سابقه محکومیت (سوءسابقه باشد) تضمین آینده فرزندخواندگی نیز مدنظر است که از نظر مالی بررسی می‌شود. قوه قضاییه نیز حکم موقت سرپرستی را به مدت شش ماه صادر می‌کند تا در این مدت طی بازدیدهای به عمل آمده از محل زندگی انجام مشاوره و مددکاری در صورت

۱. ماده ۵ قانون فرزند خواندگی مصوب ۱۳۹۲/۷/۱۰

نیاز، ارزیابی انجام گیرد. پس از طی این مراحل والدین برای دریافت حکم دایمی برای فرزند خود اقدام می‌کنند که پس از آن از طریق اداره ثبت احوال استان خود می‌توانند برای فرزندشان شناسنامه بگیرند. شرایطی که برای دختران مجرد در نظر گرفته شده این است که این افراد باید حداقل ۳۰ سال سن داشته باشند و همچنین فقط به آنها فرزند دختر داده می‌شود. ویژگی‌هایی که افراد درخواست‌کننده سرپرستی باید داشته باشند عبارتند از: تقید به انجام واجبات و ترک محرمات، عدم محکومیت جزایی موثر با رعایت موارد مقرر در قانون مجازات اسلامی، تمکن مالی، عدم حجر، سلامت جسمی و روانی لازم و توانایی عملی برای نگهداری و تربیت کودکان و نوجوانان تحت سرپرستی، نداشتن اعتیاد به مواد مخدر، مواد روانگردان و الکل، صلاحیت اخلاقی، عدم ابتلا به بیماری‌های واگیر یا صعب‌العلاج و اعتقاد به یکی از ادیان مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شرایطی است که درخواست‌کنندگان سرپرستی باید داشته باشند. در قانون جدید فرزندخواندگی، شرط فرزنددار نشدن متقاضیان وجود ندارد و به تبع تولد نوزاد جدید در خانواده، حکم فرزندخواندگی فسخ نخواهد شد.

توضیح فرم‌های شماره ۳۰-۳۳-۳۴ قرار تامین خواسته مهریه

صدور قرار تامین خواسته و توقیف اموال خوانده (مرد) به میزان مهریه یا بخشی از آن، به معنای امکان برداشت سریع از آن و یا محکومیت مشارالیه (خوانده) محسوب نمی‌گردد و جهت حصول بدان، ضرورت تقدیم دادخواست راجع به اصل خواسته مطالبه مهریه از سوی خواهان (زن) ضروری است. لذا، در صورت درخواست صدور قرار تامین خواسته از اموال خوانده، زن باید در این مرحله نسبت به تقدیم مطالبه مهریه با قرار تامین خواسته اقدام نماید و این خواسته را در ستون خواسته دادخواست درج کند. این دادخواست با عنوان تقاضای وصول مطالبه مهریه با توجه به قرار تامین صادره به شماره مقوم به مبلغ ریال با احتساب کلیه خسارات قانونی و هزینه دادرسی مطرح می‌شود. تشریفات ثبت و به جریان انداختن دادخواست حاضر، به ترتیب مذکور است، با این تفاوت که در اینجا، به جهت درخواست اصل خواسته، مبنی بر وصول و مطالبه مهریه و نظر به مالی بودن دعوی مهریه، تودیع هزینه دادرسی به میزان مهرالمسمی، اعم از تمام یا بخشی از مهریه مورد درخواست توسط زن (خواهان) و عنداللزوم، طرح ادعای اعسار (عدم تمکن مالی جهت تودیع هزینه دادرسی) از سوی

وی، به ترتیب آتی ضرورت می‌یابد. دادخواست مزبور پس از بررسی، از حیث تکمیل بودن مدارک و پیوست‌ها و نیز به لحاظ کامل بودن ابطال تمبر هزینه دادرسی، توسط مدیر دفتر دادگاه به نظر ریاست شعبه دادگاه رسیده و متعاقب اخذ دستور مقتضی از سوی دادگاه مبنی بر تعیین وقت دادرسی، ارسال نسخه ثانی دادخواست و ضمایم آن برای خواننده، طرفین به منظور رسیدگی در تاریخ تعیین شده به دادگاه دعوت می‌شوند. خواهان (زوجه) باید به منظور اجرای موضوع قرار، نسبت به معرفی مال بلامعارض از همسر خود (خواننده) به دادورز تعیین شده در پرونده اقدام نماید. این مال اعم از منقول با غیرمنقول بوده و ممکن است، حسب مورد زمین، آپارتمان، حساب سپرده، سهام، تلفن همراه، حقوق پرسنلی، مطالبات خواننده از اشخاص ثالث و مانند آنها باشد. دادورز اجرای احکام نیز با توجه به مال معرفی شده از سوی خواهان، پس از طی تشریفات قانونی نسبت به تهیه نامه توقیف مال مربوطه به استناد قرار تامین خواسته صادر شده از سوی دادگاه اقدام و حسب مورد، پس از اخذ امضای قاضی یا مدیر اجرای احکام، مراتب را به اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک (اعم از زمین و آپارتمان)، شرکت مربوط یا اداره ثبت شرکت‌ها (در توقیف سهام)، اداره راهنمایی و رانندگی (در توقیف اتومبیل) شرکت مخابرات (در توقیف تلفن)، بانک دارنده حساب بانکی خواننده (در توقیف حقوق ماهیانه) و ... اعلام نموده و آن مراجع نیز وفق مقررات و قانون اجرای احکام مدنی، مکلف به اجرای دستور توقیف صادره می‌باشند. در صورت درخواست توقیف حقوق ماهیانه خواننده توسط خواهان، تا میزان ۱/۴ حقوق خواننده (مادام که شوهر، متاهل است) و تا میزان ۱/۳ آن (در صورت متارکه و عدم اختیار همسر دیگر توسط مرد)، از سوی اجرای احکام مجتمع خانواده به ترتیب فوق، توقیف می‌گردد.

توضیح فرم شماره ۳۱ مطالبه خسارت بر هم زدن نامزدی

دوران نامزدی پیش از جاری شدن صیغه عقد می‌باشد و صرفاً با هدف آشنایی بیشتر دختر و پسر انجام می‌شود. از همین رو، طرفین هیچ وظیفه زن و شوهری نسبت به یکدیگر ندارند. علاوه بر ممنوعیت رابطه جنسی در این دوران، دختر حق دریافت نفقه ندارد و محل سکونت وی در منزل پدری است. در این دوران به طبع هدایایی از طرف هر یک از دختر و پسر یا خانواده‌های آنها برای طرف مقابل تهیه می‌شود،

اما دختر مهریه‌ای ندارد. از آنجایی که نامزدی هیچ الزام و تعهدی را برای طرفین به وجود نمی‌آورد، لذا هر یک می‌توانند اقدام به برهم زدن نامزدی نمایند. در صورتی که طرف خواهان به هم زدن نامزدی، دلیل قابل قبولی برای خواسته خود مبنی بر قطع ارتباط داشته باشد، طرف مقابل نمی‌تواند از وی خسارتی را مطالبه نماید. اما در غیر این صورت، وی باید خسارت طرف مقابل را با رأی دادگاه جبران نماید. در صورت به هم خوردن نامزدی، طرفین می‌توانند هدایایی را که از طرف مقابل دریافت نموده‌اند به وی بازگردانند و در صورت موجود نبودن اصل هدایا، معادل قیمت آنها به طرف مقابل بازگردانده می‌شود. در صورت فوت یکی از طرفین نامزدی، اصل هدایا قابل برگشت است اما در صورت موجود نبودن اصل هدایا، قیمت آنها پرداخت نخواهد شد.

توضیح فرم شماره ۳۲ مطالبه مهریه

مهریه مالی است که در هنگام عقد ازدواج مرد متعهد می‌شود به همسر خود بپردازد. این مال می‌تواند به صورت نقدی (وجه رایج کشور)، سکه و طلا، سایر اموال منقول یا غیرمنقول (ملک، خانه یا آپارتمان) باشد. مهریه همزمان با انعقاد ازدواج در سند رسمی ازدواج ثبت می‌شود. مهریه از دو طریق قابل مطالبه است: راهکار اول آن مراجعه به دادگاه خانواده و تقدیم دادخواست مطالبه مهریه است. در این حالت زوجه درخواستی مبنی بر مطالبه مهریه به دادگاه ارایه داده و باید مالی از شوهر، به دادگاه معرفی کند تا دادگاه با توقیف و فروش آن، مهر زن را پرداخت کند. البته این مال نباید از مستثنیات دین باشد. اگر هم شوهر فاقد مال اما کارمند دولت باشد، زوجه می‌تواند تقاضا کند که یک سوم حقوق مرد تا پرداخت تمام مهر توقیف و به او پرداخت شود. اینک بیشتر مردم در حال حاضر سعی می‌کنند از این طریق مهریه خود را مطالبه کنند و این تصور را دارند که تنها راه برای دریافت مهریه‌شان مراجعه به دادگاه است اما باید به آنها گوشزد شود که دلیل اینکه سند ازدواج یک سند رسمی است، آنها به سادگی و بدون مراجعه به دادگاه می‌توانند برای دریافت مهریه خود اقدام کنند و آن هم از طریق اجرای مفاد سند رسمی ازدواج است. مرجع صالح درخواست صدور اجراییه برابر بند «ج» ماده ۲ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد لازم‌الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی، دفتر ازدواجی است که عقد نکاح را ثبت کرده است.

درخواست ذی نفع

صدور اجرائیه با تقاضای ذی نفع است که این درخواست الزاما باید کتبی باشد بنابراین درخواست شفاهی پذیرفته نمی شود. به علاوه این درخواست از طریق فرم های چاپی مخصوص که از طریق سازمان ثبت اسناد و املاک تهیه می شود و در اختیار دفاتر ازدواج قرار می گیرد، به عمل می آید. منظور از ذی نفع، زوجه یا وکیل یا قیم او حسب مورد است. لازم به ذکر است که رایبه و کالت نامه و قیم نامه در فرض اخیر لازم است.

شرایط صدور اجرائیه

پس از درخواست صدور اجرائیه از سوی زوجه و در صورت احراز شرایطی توسط سردفتر، امکان صدور اجرائیه وجود دارد: مطالبه مهریه باید به موجب سند رسمی باشد؛ سند ازدواجی که مطابق مقررات مورد نظر تنظیم شده باشد، رسمی شناخته می شود. صدور ورقه اجرائیه نسبت به تعهداتی که در سند به صورت منجز قید شده باشد، امکان پذیر است. منظور از منجز بودن این است که مهریه معلق نباشد همچنین مهریه و اجرای تعهد نباید موجد یعنی زمان دار باشد. با وجود این شرایط، صدور اجرائیه امکان پذیر خواهد بود. در خصوص مهریه چند فرض پیش بینی می شود: حال، موجد، عندالمطالبه و عندالاستطاعه. مهریه در صورتی موجد است که برای پرداخت آن مدتی مقرر شود؛ به طور مثال چنانچه زمان وقوع عقد نکاح سال ۱۳۹۲ باشد و زمان پرداخت مهر سال ۱۳۹۵ تعیین شده باشد یا اینکه به صورت اقساط سالانه تعیین و مقرر شده باشد، در این صورت قبل از فرارسیدن مدت زوجه حق مطالبه نخواهد داشت. در صورتی که مدتی برای پرداخت معین نشده باشد، مهریه حال محسوب می شود و قید عندالمطالبه آن را از حال بودن خارج نمی کند.

تکالیف سردفتر

وفق ماده ۵ آیین نامه یادشده، سردفتر با احراز هویت درخواست کننده و احراز صلاحیت خود موظف به انجام موارد زیر است:

۱- صدور اجرائیه و ارسال آن به اداره ثبت: از جمله تکالیفی که در ماده مذکور پیش بینی شده، این است که سردفتر رونوشت سند را در برگ های ویژه در سه نسخه با خط خوانا موضوع را که باید اجرا بشود (مطالبه سکه، وجه نقد و...) در محل مخصوص آن نوشته و

ظرف ۴۸ ساعت از تاریخ وصول تقاضا برگ‌های اجرائیه را امضا کرده و به مهر ویژه (اجرا شود) رسانده و برای اجرا نزد مسئول اجرای ثبت می‌فرستد و رسید دریافت می‌کند. ۲- مطلع کردن زوج یا ضامن از صدور اجرائیه: سردفتر ازدواج مکلف است پس از صدور اجرائیه مراتب را به آخرین نشانی زوج از طریق پست سفارشی به او اطلاع داده و برگ‌های اجرائیه را به ضمیمه قبض پست به او اطلاع دهد.

ابلاغ اجرائیه و ترتیب اجرا

اجرای احکام پس از وصول اجرائیه باید آن را در دفاتر لازمه وارد و پرونده برای آن تنظیم کند و نام مأمور ابلاغ را در آن نوشته و جهت ابلاغ به مأمور تسلیم کند. مأمور اجرا وفق ضوابط جاری اجرائیه را به زوج یا ضامن ابلاغ می‌کند. از تاریخ ابلاغ اجرائیه زوج یا ضامن باید ظرف ۱۰ روز دین را بپردازد یا ترتیبی برای پرداخت دین خود بدهد یا مالی معرفی کند که اجرای سند را مسیر کند.

بازداشت اموال زوج

زوجه می‌تواند بلافاصله پس از ابلاغ اجرائیه، تأمین طلب خود را از اموال زوج یا ضامن تقاضا کند. در این صورت اجرای احکام معادل طلب زوجه را از اموال نامبردگان بازداشت می‌کند. در صورتی که زوج مهریه را پرداخت نکند، اموال بازداشتی از طریق مزایده به فروش رسیده و مطالبات زوجه پرداخت می‌شود.

توضیح فرم‌های شماره ۳۵-۳۶ مطالبه نفقه ایام زوجیت

به محض اینکه عقد ازدواج صورت گرفت و زوجین زندگی زناشویی خود را آغاز کردند، شوهر مکلف به پرداخت نفقه است. البته زوجه در صورتی مستحق نفقه است که از همسر خود تمکین کند و هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود. تمکین به معنای اطاعت زن از شوهر در ادای وظایف زوجیت، حسن معاشرت و سکونت در منزل شوهر است. به زنی که از همسرش در مفهوم خاص و عام اطاعت نکند، ناشزه گفته می‌شود. زنی که همسرش از پرداخت نفقه به وی خودداری می‌کند، علاوه بر امکان طرح شکایت کیفری، می‌تواند دادخواست حقوقی نیز ارائه دهد. در صورت طرح شکایت کیفری و رسیدگی موضوع از سوی

دادگاه، مرد به پرداخت نفقه محکوم خواهد شد. در چنین شرایطی، اگر مرد از پرداخت نفقه خودداری کند، به مجازات حبس محکوم می‌شود. البته باید تاکید کرد که نفقه مربوط به زمان حال از طریق کیفری قابل مطالبه و نفقه مربوط به گذشته با ارائه دادخواست حقوقی قابل پرداخت است. قانونگذار در ماده ۶۴۲ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی تصریح کرده است که هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع کند، دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می‌کند. چنانچه زنی بخواهد نفقه ایام گذشته خود را طلب کند، فقط با ارائه دادخواست حقوقی می‌تواند آن را دریافت کند. به این منظور، زوجه پس از خرید دو نسخه دادخواست، باید خواسته خود را در آنها قید کند و چون دعوای نفقه مالی است به میزان مبلغ مورد مطالبه، تمبر الصاق و آن را به دادگاه خانواده تقدیم کند. می‌تواند در دادخواست خود هزینه دادرسی را نیز مطالبه کند. در صورت عدم توانایی مرد به پرداخت نفقه یا اینکه به هیچ طریقی نتوان مرد را مجبور به پرداخت نفقه کرد، زن می‌تواند دادخواست طلاق دهد. اگر زنی نمی‌تواند هزینه تمبر را بپردازد می‌تواند ضمن دادخواست مطالبه نفقه دادخواست اعسار را ارائه دهد و شهود خود را معرفی نماید که در صورت اثبات از پرداخت هزینه دادرسی معاف می‌گردد.

توضیح فرم شماره ۳۷ ملاقات فرزند

اگر کسی که حضانت فرزند با اوست مانع ملاقات طرف دیگر شود طرف دیگر می‌تواند با مراجعه به دادگاه (دادن دادخواست از طریق دفتر خدمات الکترونیک قضایی) تقاضای ملاقات فرزند کند. در این راستا می‌تواند ابتدا دستور موقت فوری ملاقات فرزند را نیز از دادگاه تقاضا کند. پر واضح است که دادگاه خانواده با رعایت مصلحت طفل بایستی حق ملاقاتی برای خواهان تعیین کند. اما بر طبق ماده ۵۴ قانون حمایت خانواده ممانعت از ملاقات فرزند جرم است.

توضیح فرم شماره ۳۸ اظهارنامه از سوی زوج برای زوجه جهت تمکین

خواهان در بسیاری از موارد قبل از اینکه به تقدیم دادخواست و اقامه دعوا بپردازد، مطالب خود را با ارسال اظهارنامه به اطلاع طرف دعوا می‌رساند. مثلاً در موردی

چنانچه موضوع دعوا اظهار نامه از سوی زوج برای زوجه جهت تمکین باشد به موجب اظهارنامه ارسالی به وی متذکر می‌شود که جنابعالی به استناد عقد نامه زوجه دائمی و شرعی اینجانب می‌باشد اکنون مدت ۲۰ روز است بدون داشتن دلیل موجه قانونی و همچنین کسب رضایت از اینجانب اقدام به ترک اقامتگاه نموده اید چنانچه به فاصله گذشت یک هفته از تاریخ رویت این اظهارنامه تصمیم قطعی خود را جهت رجوع به منزل شوهر اتخاذ نمایید ناشیزه محسوب و از پرداخت نفقه محروم خواهید شد با توجه به رسیدن وقت مقرر مندرج در اظهارنامه مقتضی است از تاریخ ابلاغ این اظهارنامه، نسبت به تمکین و بازگشت به خانه خود اقدام کنید تا نیازی به اقامه دعوا در محاکم دادگستری نباشد. گاهی اوقات همین اظهارنامه ارسالی برای طرف مؤثر واقع شده و او از ترس اقامه دعوا از سوی زوج، درگیر شدن در دادگستری و دریافت اختاریه‌های متعدد و نیز حضور مأمور ابلاغ در محل سکونت یا کار خویش، به مذاکره تن می‌دهد و در نهایت بدون اقامه دعوا در دادگستری که مستلزم صرف وقت و هزینه بسیار است، اظهارکننده به هدف خود که تمکین زوجه است، می‌رسد. علاوه بر این اظهارنامه نوعی «ولتیماتوم»^۱ رسمی و اختیاری به طرف است و خواهان می‌تواند خسارت تأخیر تأدیه را از تاریخ ارسال اظهارنامه مطالبه کند.

توضیح فرم شماره ۳۹ توافق نامه طلاق توافقی

یکی از انواع طلاق، طلاق توافقی است؛ یعنی طلاق که زن و شوهر متقاضی آن هستند و در همه امور با یکدیگر توافق کرده اند و با مراجعه به دادگاه خانواده، اعلام توافق خود را در اموری از قبیل حضانت فرزند بعد از طلاق، ملاقات فرزند، نفقه ایام عده، شیوه استرداد جهیزیه، وصول مهریه و... می‌نویسند و به دادگاه تقدیم می‌کنند. برای گرفتن طلاق توافقی، زن و شوهر باید به همراه شناسنامه و عقد نامه به دادگاه بروند و فرم درخواست را پر و همه موارد و مسایل مانند حضانت فرزند و ملاقات با او و نیز امور مالی مانند مهریه، جهیزیه و نفقه را مشخص کنند. پس از تقدیم دادخواست، طبق روال معمول، دادگاه به آنها تکلیف می‌کند که هر یک از زوجین داوری از میان بستگان‌شان معرفی کند که این داوران باید با زوجین مذاکره کنند و سعی در مصالحه آنها داشته باشند. اگر داوران به نتیجه‌ای نرسیدند، گزارش خود را به دادگاه ارایه

۱. به اخطار کتبی نهایی گفته می‌شود که عدم توجه به آن ممکن است موجب اقدامات خصمانه منجر شود.

می‌دهند و دادگاه نیز بر اساس توافق زوجین گواهی عدم امکان سازش صادر می‌کند و آنها می‌توانند با ارایه گواهی به دفترخانه طلاق، صیغه طلاق را جاری و ثبت کنند.

توضیح فرم شماره ۴۰ داور زوجه

مقصود از داوری رفع اختلاف است. طبق ماده ۱۴ آیین نامه اجرایی قانون حمایت خانواده داوران موظفند با تشکیل جلسه یا جلسات متعدد با حضور زوجین و در صورت امتناع بدون حضور زوجین یا یکی از آنان در جهت رفع اختلاف و اصلاح ذات‌البین تلاش کنند و نتیجه را در مهلت مقرر به دادگاه اعلام کند. در طلاق به درخواست زن و مرد، دادگاه به منظور صلح و سازش موضوع را به داوری ارجاع می‌دهد. دادگاه با توجه به نظر داور رای صادر می‌کند چنانچه نظریه داوری را نپذیرد آن را رد می‌نماید. شرایط داور هم عبارت است از: ۱- خویشاوندان متاهل آنها باشند ۲- دارای حداقل ۳۰ سال سن باشند. ۳- آشنا به مسایل شرعی و خانوادگی و اجتماعی باشند. در صورت نبود فرد واجد شرایط در خویشاوندان یا عدم دسترسی به ایشان یا استنکاف آنها از پذیرش داوری، هر یک از زوجین می‌توانند داور خود را از بین افراد واجد صلاحیت دیگر تعیین و معرفی نمایند.

توضیح فرم شماره ۴۵ در خواست وصول مهریه (اجراییه ثبت اسناد)

یکی از راه‌های مطالبه مهریه از شوهر مراجعه به اجرای ثبت اسناد رسمی است. در این روش زن می‌تواند قبالة ازدواج خود را به دفترخانه محل ثبت عقد ارائه کند و تقاضای صدور اجراییه کند. سپس با اجراییه به اداره ثبت مراجعه و مهریه خود را مطالبه کند. در این روش زوجه باید هزینه اجرایی را هم که برابر با «نیم عشر دولتی»^۱ است پرداخت کند که بعداً این هزینه از شوهر گرفته خواهد شد. برای اجرای مهریه مالی اعم از وجه نقد یا مال منقول (ماشین، موبایل یا...) و یا مال غیر منقول (ملک) توقیف می‌شود البته به شرط اینکه جزو مستثنیات دین نباشد. بنابراین گام‌های زیر باید به ترتیب طی شود:

۱- مراجعه به دفترخانه محل ثبت عقد و ارایه قبالة ازدواج

۲- مراجعه به اداره ثبت محل با همراه داشتن اجراییه صادره از دفترخانه

۱. یک بیستم کل مبلغ محکوم بها.

۳- پرداخت نیم عشر دولتی: بابت اجرای اسناد رسمی نیم عشر مبلغ اجرائیه گرفته می‌شود نیم عشر مزبور را حق‌الاجرا می‌گویند (ماده ۱۳۱ قانون ثبت) حق‌الاجرا حقی است به صورت پول که دولت از بابت اجرائیه اسناد رسمی می‌گیرد که پنج درصد مبلغ اجراست.

۴- معرفی اموالی برای توقیف

توضیح فرم شماره ۴۶ فریب در ازدواج

براساس ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ چنانچه هریک از زوجین قبل از عقد ازدواج طرف خود را به امور واهی از قبیل: داشتن تحصیلات عالی، تمکن مالی، موقعیت اجتماعی، شغل و سمت خاص، تجرد و امثال آن فریب دهد و عقد بر مبنای هریک از آن‌ها واقع شود مرتکب به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد در این رابطه نکاتی را به اختصار بیان می‌کنیم:

۱- مصادیق ذکر شده برای امور واهی در این ماده جنبه احصائی نداشته بلکه تمثیلی بوده، به عبارتی دیگر هر امری که موجب فریب دیگری شود را شامل می‌شود حتی اگر از موارد مذکور در این ماده نباشد، لذا عرف در این مورد تشخیص دهنده می‌باشد. مانند اینکه فردی بر خلاف واقع خود را داری ثروت و مقام معرفی نماید.

۲- در مورد تحقق جرم مذکور در این ماده باید بگوییم که اعمال مجازات مذکور در این ماده زمانی ممکن خواهد بود که عمل فریب توسط زوج یا زوجه صورت گرفته باشد، به عبارتی دیگر هرگاه شخص ثالثی مانند یکی از بستگان یا دوستان زوج به دروغ وی را پزشک معرفی نمایند بدون آنکه زوج از این امر باخبر باشد، نمی‌توان زوج را به موجب این ماده مجازات نمود. این درحالی است که ارتکاب این جرم توسط ثالث را مطلقاً نمی‌توان قابل انتساب به زوجه یا زوج دانست، زیرا ممکن است شخص ثالث عمل فریب را به دستور زوج یا زوجه انجام داده باشد. در این صورت تبانی یکی از زوجین با شخص ثالث در تدلیس به منزله آن است که خود او مرتکب تدلیس شده باشد.

۳- تحقق جرم مذکور در این ماده منوط به این است که زوج یا زوجه امری خلاف واقع و حقیقت را که وجود و واقعیت نداشته است صراحتاً اعلام نمایند که وجود دارد. به عنوان مثال هرگاه زوج درحالیکه دارای همسر می‌باشد، با فرد دیگری ازدواج نماید

و به وی اعلام کند که مجرد است، مجازات مقرر در ماده موصوف قابل اعمال بر وی خواهد بود. به عبارتی دیگر عقد ازدواج می‌بایست بر مبنای آن امر واهی، واقع شده باشد.

۴- زمانی جرم فریب در ازدواج محقق می‌شود که هر یک از زوجین پیش از عقد ازدواج طرف خود را به امور واهی فریب دهد، بنابراین هرگاه زوج بعد از ازدواج و به قصد فریب زوجه بیان نماید که دارای مدرک دکتر می‌باشد، مشمول این ماده نخواهد بود. ضمن اینکه هر یک از زوجین می‌بایست قصد فریب دیگری را داشته باشد، یعنی یک طرف عمداً با اعمال متقلبانه خود طرف دیگر را فریب داده و ترغیب به عقد ازدواج نموده باشد؛ لذا اگر مرتکب قصد فریب طرف مقابل را نداشته باشد، مشمول ماده ۶۴۷ قانون مجازات نخواهد بود.

توضیح فرم شماره ۴۷ شکوائیه ترک انفاق

در شکایت ترک انفاق اولین قدم نوشتن شکوائیه در دادسراست. زن پس از مراجعه به دادگاه در متنی می‌تواند شکایت خود را طبق متن فرم ۴۷ مطرح کند. شکایت ترک انفاق پس از ثبت در واحد رایانه از سوی سرپرست دادسرا به یکی از شعب دادیاری ارجاع می‌شود. بعد از ارائه این شکایت به دادگاه و تعیین شعبه، دادیار از خواهان پرس و جو می‌کند و براساس نشانی ذکر شده از متهم او را فرا می‌خواند. ممکن است این احضار به صورت تلفنی صورت بگیرد، اما در صورتی که مرد حاضر به شرکت در دادگاه نشود، دادگاه وی را به شکل کتبی احضار خواهد کرد. ویژگی این احضار هم این است که برگه اخطاریه به زن داده می‌شود تا با مراجعه به کلانتری محدوده سکونت همسرش، این برگه را به همراه مامور کلانتری به مرد ابلاغ کند. در این برگه نیز عنوان شده است که مرد ظرف مدت مشخصی برای ادای توضیحات باید به دادسرا مراجعه کند و در غیر این صورت جلب خواهد شد. البته در مواردی نیز انجام تحقیقات به عهده کلانتری محدوده سکونت گذاشته می‌شود و کلانتری از طریق دایره قضایی این تحقیقات را تکمیل و پس از آن پرونده را برای دادسرا ارسال می‌کند. ترک انفاق از جمله جرایم مستمر به شمار می‌آید و معنی این حرف این است که این جرم به دفعات قابل شکایت کیفری است.

منابع

-حسین صفائی و اسداله امامی. مختصر حقوق خانواده. تهران: نشر میزان، هشتم، بهار ۱۳۸۴

-شهید ثانی. اللمعه دمشقیه. ج ۲ تهران: سمت، ششم، تابستان ۱۳۸۳

-علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، جلد ۶

-قانون مدنی، مصوب ۱۳۰۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی

-قانون حمایت از خانواده، مصوب ۱۳۹۱

-قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵

-قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲

-قانون آیین دادرسی مدنی، مصوب ۱۳۷۹

-قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، مصوب ۱۳۹۴

-قانون ثبت اسناد و املاک، مصوب ۱۳۱۰

-محقق داماد، سید مصطفی، حقوق خانواده، نشر علوم اسلامی، فروردین ۱۳۹۵
-معاونت آموزشی قوه قضائیه.